



# باستانشناسی افغانستان

شماره دوم سال هفتم  
حوت ۱۳۶۳

د افغانستان لرغون پيژندنه



# فهرشته‌های نشر شمس

شماره	مضمون	نویسنده یا مترجم	صفحه
۱ -	زیستگاه زادیان	محقق عبدا لواسع فیروزی	۵-۱
۲ -	زیستگاه نیچکه ۵	محقق صدیق الله عتیق زوی	۱۱-۶
۳ -	مندیک	ترجمه محقق عبدالظاهر	
		یوسف زی	۱۶-۱۲
۴ -	د تاریخ نه‌مخ کی د سمبولیزم		
	پرنسیپونه	دزمری محقق ژباړه	۲۵-۱۷
۵ -	هنر تیرا کوتا در هند	ترجمه معاون محقق	
		غنی نیک سمیر	۳۴-۲۶
۶ -	برخی از شیشه های افغانستان	ترجمه از معاون محقق	
		اکبر بهداد «امینی»	۳۸-۳۴

شرح روی جلد : مدال طلایی مکشوفه دوره سوم اکاو شمهای تپه

مرنجان . قطر ۹ ر ۱ سانتی .



## مجله ششماه تحقیقی و علمی باستان‌شناسی

شماره مسلسل (۱۴)

حوت ۱۳۶۴

شماره دوم سال هفتم

نویسند : محقق عبدالوا مع فیروزی

# زیستگاه زادیان

ادوار ماقبل التاریخ افغانستان در تسلسل مراحل وادوار ایمن زنجیره سینه گذاری یک گسیختگی ملموسی محسوس هست که خواننده صاحب نظر کمبود و فقدان آنرا به طور حتم در یافته است و این خلا اینک با تحقیقات اخیر که داکتر و نیو گراف طی سروی ساحات باستانی صفحات شمال افغانستان در سال های متذکره به عمل آورد تاحدودی برطرف شده و تسلسل حلقهات زنجیره ماقبل التاریخ افغانستان مرتبط میگردد .

موصوف در جریان سروی موفق به کشف یکصد و هفتاد زیستگاه ماقبل التاریخ و دریافت ۲۴۳۵۹ پارچه ابزار و آلات سنگی مربوط به اعصار میان سنگی و نو سنگی گردیده آنها را در یکصد و هشتاد و دو کلکسیون با قید اسم و نمبر هر ساحه ترتیب اثر داده است که با ایقان کامل آنرا رقم قابل ملاحظه ای در مورد مطالعه و شناسایی عصر سنگ میتوان گفت : از اینکه مطالعه تمام ساحات مکشوفه و آثار مرتبه ای کلکسیونهای فوق الذکر مستلزم تحقیق بسیار بود و نمیتوان در این مختصر همه را به بررسی

سنگ افغانستان را مورد مطالعه و شناسایی قرار داده و کار پژوهش آنها در زمینه منجیث نخستین گام های باز شناسختی ادوار سنگ به حساب رفته و حایز اهمیت است . چنانچه بر مبنای نتایج کار آنها روی مکشوفه های مواد فرهنگی بعضی ساحات ماقبل التاریخ یکی هم تاریخ گذاری بالای آثار بدست آمده بی مربوط به این ادوار است که میتوان بطور ضمنی از آن یاد آور شد .

به طور مثال بر اساس آزمایشات کاربن چهار ده روی آثار مکشوفه دره کر تاریخ آن به ۲۶۰۵۰ ق م، مربوط به عصر کهن سنگی میان نه واز روی بقایای آثار بدست آمده بی اق کبرک تاریخ آن به ۱۴۶۶۵ ق م، یعنی مربوط به عصر کهن سنگی اخیر وانمود شده است . همچنان برای عصر سنگ جدید بدون تیکر تاریخ های ۸۵۶۶، ۸۶۵۰، ۶۶۶۰ ق م و برای عصر سنگ جدید تیکر دار تاریخ های ۵۲۱۴، ۴۵۴۹ و ۲۶۸۵ تعیین گردیده است .

کرو نولوژی فوق هر چند باز تایی هست در خور اهمیت فراوان در عرصه سینه گذاری ساحات

هیات مشترکی از باستان شناسان افغان - شوروی در سال های ۱۹۶۹، ۱۹۷۰ و ۱۶۷۶ ساحات باستانی مناطق شمال افغانستان را جهت تثبیت محلات زیست باشندگان دور و های ماقبل التاریخ سروی نمودند . دانشمندان اتحاد شوروی داکتر و نیو گراف و باستان شناس وانتر و پالوجیست که در راس این هیات قرار داشت در مسیر سروی مناطق ساحلی نزدیک دریای آمو موفق به کشف چندین زیستگاه ماقبل التاریخ و دریافت چندین هزار پارچه ابزار سنگی متنوع گردید که مطالعه و بررسی هر یک ازین زیستگاه ها و پارچه های ابزار بدست آمده بی مرتب در کلکسیون های جدا گانه هر ساحه بدون شک فرا خنای دانش ما را نسبت به اعصار میان سنگی و نو سنگی مناطق شمال کشور گسترده بی بیشتر خواهد بخشید هر چند در گذشته تحقیقات عده بی از دانشمندان چون الچین فلیب کوشین، پولینر و غیره که در اق کبرک دره کر، قره کمرو دیوگر ساحات ماقبل التاریخ صورت گرفته تا اندازه بی حتی الامکان مراحل و دور های مختلف عصر

گرفت بناء درين نگارش از جمله  
صرفا آثار كلکسيون شمارده  
سه صد و سي و سه ساحه زاديان  
(يك) را مورد پژوهش قرار ميدهيم.  
**زيستگاه زاديان (۱)**

زاديان منطقه ايست در شمال  
ولايت بلخ و يازده كيلو متر به  
طرف شمال غرب از قريه زاديان  
مربوط و لسوالی دولت آباد فاصله  
دارد. ارتفاع آن از سطح بحر  
سه صد و پانزده متر بوده و در طول  
البلد شصت و شش درجه و  
چهل و نه ثانيه و عرض البلد  
سي و شش درجه و پنجاه و نه  
ثانيه موقعيت دارد. طرف جنوب  
آن ساحه يي ريگي و شن زارتوام  
با گياه هاي سبز بود و طرف  
شمال آن درياي آمو امتداد يافته  
است. ساحه ايکه در آن محل  
سروي شده مساحت چهل ضرب  
بيست متر مربع را احتوا نمود و در  
مجموع از آن به تعداد يک هزار و  
پنجاه و چهار پارچه ائرو ابزار به  
دست آمده است. آثار و ابزار  
يافت شده همه از نوع سنگ  
چقماق به الوان مختلف بوده اکثرا به  
رنگهاي قهوه يي، فولادي، زرد  
مايل به نخودي، شکري و غيره  
ديده ميشوند. قسمت بيشتري  
اين آثار را پارچه هاي نوع تيغه  
ها تشکيل داد. از انواع ديگر  
ابزار نيز در آن به مشاهده مي  
رسند. پارچه هاي آثار سالم کمتر  
و پارچه هاي آثار شکسته و ناسالم  
در آن بيشتري وجود دارد.

در بعضي پارچه ها يك قشر  
نازك رسوبي کريمي مايل به  
زرد رنگ به ضخامت کمتر از يك  
مليمتر که ناشی از اثرات جوي  
بود و رنگ اصلي قسمت سطح  
سنگ را تغيير داد. است ديده  
ميشود. قسما بعضي از اين پارچه  
ها در حصه لبه ياکنار خود دست  
کاري شده و بعضي ديگر بدون  
دستکاري يارتوش (۱) به حالت

صاف و ساد. باقي مانده اند.  
پارچه هاي نوع تيغه ها که از  
مهارت خاص صنعت افزا رسازی  
آن دور. بر خوردار است به  
مقاصد مختلف به اشکال گوناگون  
ساخته شده اند. بعضي  
بشکل افزار نوکدار، برخي به قسم  
تراشنده وعده يي هم به ساختمان  
کارد و پرند. ها شبا هت دارد.  
كلکسيون آثار ساحه زاديان (يك)  
به تعداد يکصد و هشتاد و دو پارچه  
از نوع ابزار تيغ هاي سنگي که  
داراي برزخه گي هاي مختلف انديده  
مشاهده ميرسد و با در نظر  
داشت مشخصات و مميزات کلی  
به چهار بخش ذيل تصنيف  
شده اند.

بخش اول - تيغ هاي مکمل  
ريتوشدار.

بخش دوم - تيغ هاي مکمل بدون  
ريتوش.

بخش سوم - تيغ هاي نامکمل  
(شکسته) ريتوشدار.

بخش چهارم - تيغ هاي نامکمل  
بدون ريتوش.

تيغ هاي مکمل ريتوشدار: آن  
قسمت از پارچه هاي اين کلکسيون  
را در بر ميگيرد که کاملا سالم و  
مکمل بوده شکستگي و ياکمبودي  
بعضي حصص در آنها به مشاهده  
نميرسد اين پارچه ها  
نظر به شکل کار برد و نوع استفاده  
از يکطرف و يا چند طرف کناره ها  
يالبه هاي آن با دقت دستکاري  
شده و رويه عقبی آن نسبتا مقعر  
ولشم و به طرف رويه جلوي  
محدب و دارای رخ هاي برجسته  
اند.

وبا اين ساختمان که در حصه  
وسط ضخيم و به طرف جناح باريک  
و در حصه لبه ريتوش شده خلصت  
افزا ر برنده و تراشنده را به خود  
کسب نمود. اند. مجموع تعداد  
اين نوع تيغه ها به پانزده و پارچه  
ميرسد که به انداز. هاي مختلف

واشکال نامنظم هندسي بود.  
از خورد ترين الي بزرگترين  
پارچه به ترتيب طول و عرض  
انداز. گيري شده در جدول مرتبه  
شماره يك نشان داد. شده  
است. انداز. ها عمو مابه سанти  
متر تعيين شده، خورد ترين  
پارچه دارای عرض صفر اعشاريه  
پنج سанти متر و بزرگترين  
پارچه دارای عرض دو ساني متر  
ميباشد.

تيغ هاي مکمل بدون ريتوش:  
شامل آن قسمت پارچه هاي اين  
کلکسيون ميباشد که کاملا سالم  
و مکمل بوده بدون کمبودي و  
شکستگي اند. يگانة فرق آن با  
تيغ هاي مکمل ريتوشدار اين است  
که در قسمت کنار. جانبی يالبه  
خود صاف و ساد. بوده فاقد  
ريتوش ميباشد. ساير مشخصات  
آن با تيغ هاي قبل الذكر تفر يبا  
مشابه بود. دارای رويه عقبی  
نسبتا مقعر و لشم و رويه جلوي  
برجسته محدب و رخدار بوده در  
حصه خلفی و کنار باريک و نازك  
ميباشند.

مجموع تعداد اين نوع تيغه  
ها به بيست و چهار ميرسد.  
انداز. هاي طول و عرض اعظمي  
خورد ترين الي بزرگترين پارچه  
در جدول مرتبه شمار. يك  
نشان داد. شده است. عرض  
خورد ترين پارچه صفر اعشاريه  
هشت ساني متر و بزرگترين  
آن سه ساني متر ميباشد.

تيغ هاي نامکمل يا شکسته  
ريتوشدار: آن قسمت از پارچه  
هاي اين کلکسيون را احتوا ميکند  
که قسما شکسته و نامکمل بوده  
در حصه جناح يالبه جانبي خود  
ريتوش اند. ساير مشخصات  
آنها بشکل تيغ هاي ريتوشدار  
بوده مجموع تعداد آنها به سي و  
هشت پارچه ميرسد. عرض



خوردن ترين پياز چه صفت اعصاب و  
هفت سانتی متر و بزرگتر يک  
آن سه سانتی متر است

آن سه سانی متر میا شد .  
تبع های نا مکمل بدون ریوتوش:  
آن بخشی از بارچه های آبی  
لکسین را در بر میگیرد که  
قسمت شکسته و نا مکمل بوده ر  
حصه لبه پاکتا ر های آبی خود  
فاقد ریوتوش اند . تعداد آنها در  
مجوع به یکصد و نه بارچه  
رسد . اندازه های شان در جدول  
شماره یک از آن گردیده است .  
عرض خود ترین بارچه صغر  
اعشار به پنج سانی متر و از بزرگی  
ترین آن سه سانی متر میباشد .  
علاوه از تصنیف فوق ابصار  
مذکور از نظر چگونگی و طرح  
مختار ی نیز به چندین نوع  
بوده و با این ویژه گی میتوان آنها  
را ذیلا تصنیف نمود :

تصنيف ابزار مكشوفه سا حه  
زاديا ن يك از نظر چكو نكي وطرح  
مستاخاري :

۱- تيغ ها ي بدون ريتوش  
اين نوع تيغ ها در حصصه  
كنار ه يالیه مایل خود صاف و لشم  
بوده شكل ريتوش يا دست كاري  
در قسمت ليۀ تيغ به مشا هده نمي  
رسد . اكثر پار چه هاي اين  
نوع تيغ شكسته و نا مكمل بوده  
در مجموع تعداد آنها به يكصد و  
بيست و شش پار چه ميرسد .  
آسروحه ها يا پار چه هاي كوچك  
بدون ريتوش

قسمت بیشتر پارچه های این  
کلکسیون از نوع ورقه های  
پارچه های کوچک بدون ریتوش  
بوده و عموماً ماشکسته و نامکمل  
ند. این ورقه ها به اشکال  
مختلف و گونه گون بوده و با  
جدا شدن از هسته مرکزی پارچه  
های دیگر بوجود آمده اند. تعداد  
نمای در مجموع به هشتصد و بیست  
هفت پارچه می رسد.

منشخصه دیگر می که در مورد قاتل  
ندکر میباشد اثبنت که این پاره  
های سنگی بر خلاف پاره های  
تبع یافته دارای دو انجام حلقی  
توقفا می نبود. بهین ان بیشتر  
صفت نه طول و عرض آنهاست.  
همچنین در تعیین جهت

این نوع پارچه هاشکسل  
مخروطی شکل دارد و در هر  
ایجاد شده در این پرده و شید  
پارچه های سطح جانبی به  
آمده است. در حصه قاعده نسبتا  
مسطح و از قاعده به طرف بالا  
بشکل مخروطی گول شده اند  
اکثر در حالت شکسته قرار دارند  
تعداد آنها به (نه) پارچه می  
رسد.

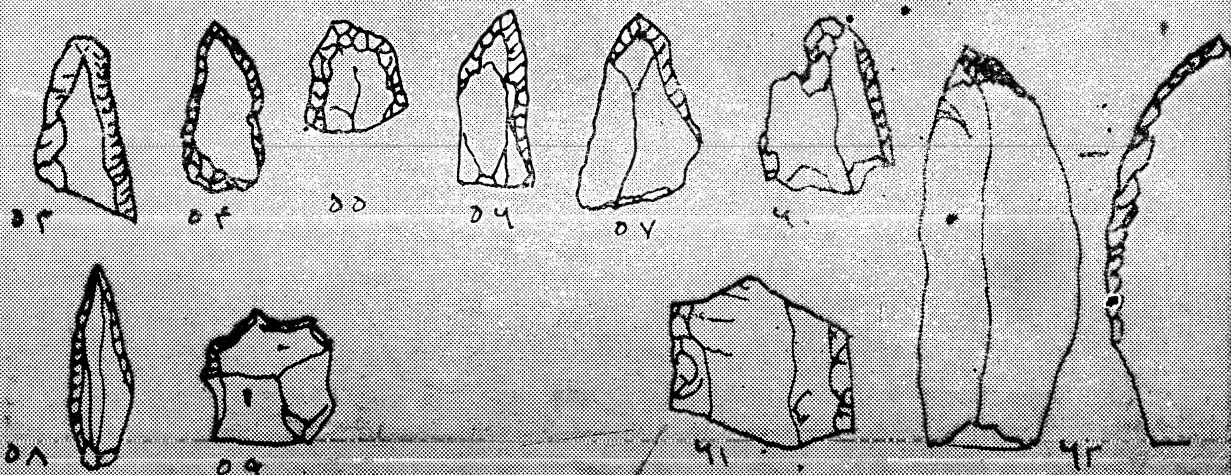
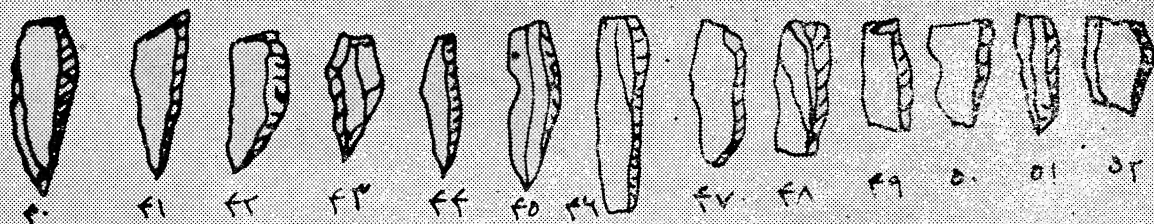
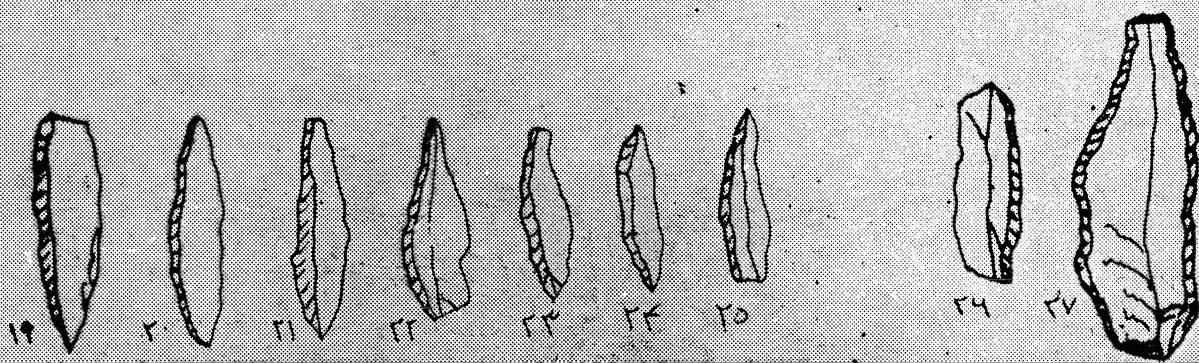
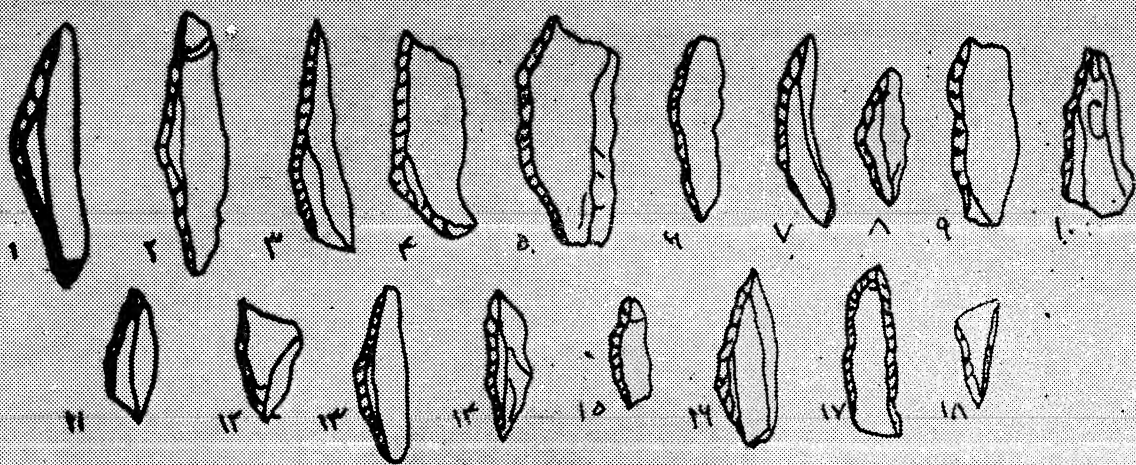
۶- تیغ های مثلث شکل را بزنو -  
شماره هشت دانه و ده و الا که  
الست متی، زده می ران / ۲

يك قسمت از بارچه های اين  
لكنتسيون بشكل تبخ. هاي ميشه  
كوشه بي يا مثلك اند كه حصه  
خلفي و قدامي آنها باريك و نوک  
دار بوده البته تبخ در حصه وسط  
شکل زاو به بن آمده گي سفته  
و نوکي به اختيار نموده است  
سمت كنار ه يالیه تبخ برنوشدار  
بوده بعضي از این بارچه ها محک  
برخی شکسته هستند و ميشوان  
آنها را نمونه های بارز ابزار  
سنگي نوع برنده های بر شمرود  
مداد این نوع تبخ ها يیست  
و بارچه ميرسد به اشکال  
ساره های يیست و دومرچه  
بود

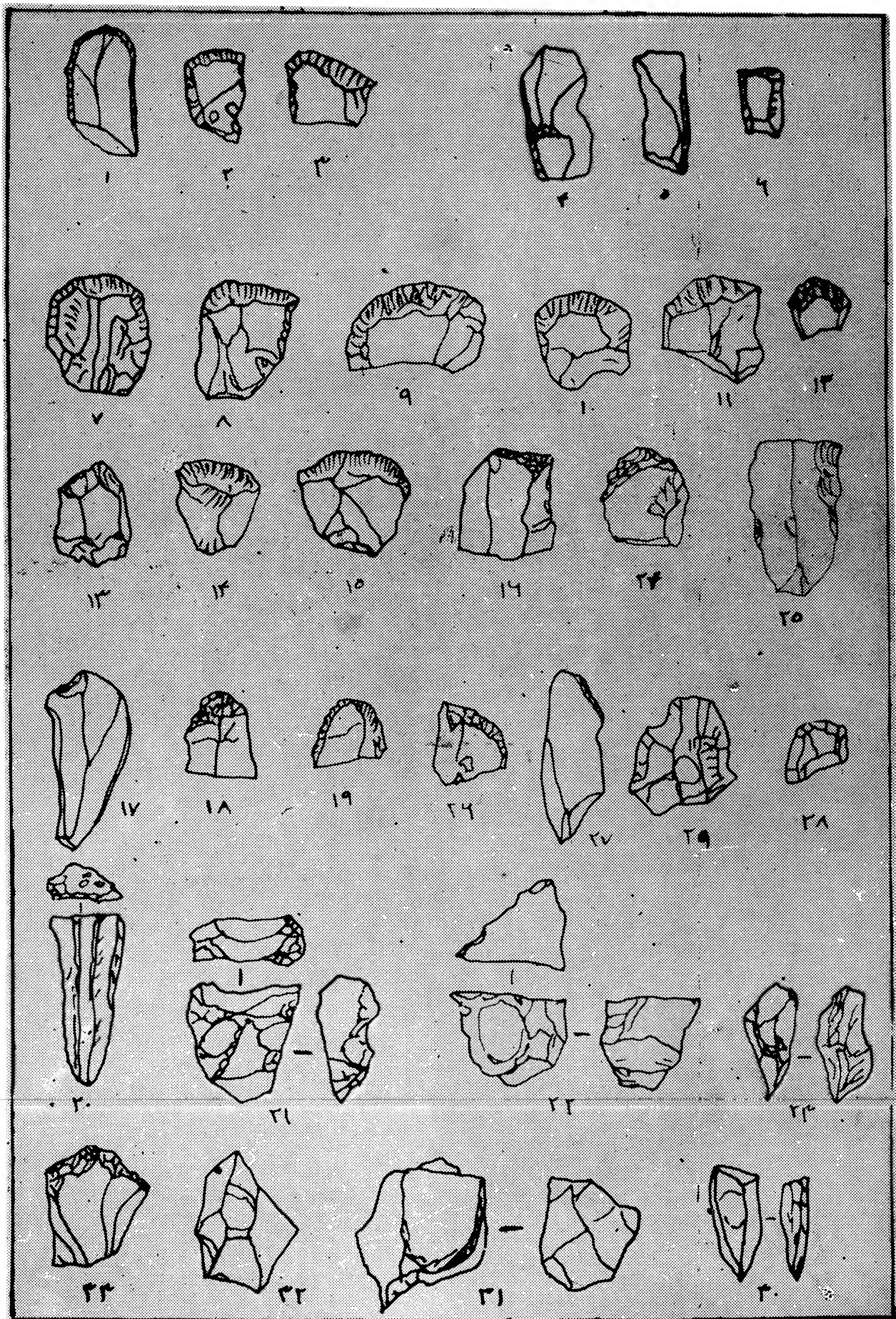
تینغ های لبه محدب شکل  
 یتو شدادر Segmenes  
 این نوع تینغ ها در حصه لبه  
 کنار خود قسما محدب شکل  
 ده ریتوش یا دست کاری در  
 حصه لبه آن دیده میشود اکثر  
 بار چه های این نوع شکسته و

نا یکدل و زده و مژده آید  
 شش بار که میرسد از شکیل  
 بیست و سه آبی تبحر و دو اشکال  
 آنها را متواتر ملاحظه بود  
 آتشی های نو کد را  
 از پنج های نو کد را در  
 ریتویی با دست کاری در  
 چایی صر و دو پار در  
 گلکسیو، به مشاهده میرسد آنها  
 دارای قاعده ای ضمیمه و معانی  
 می بود در صحنه قدما می باریک  
 و نو کد را انداخته زنده می کرد

[illegible][illegible]







جدول شماره ۲ اندازه های تیغ و سبتر

اندازه / نوع	۰-۷	۸-۱۰	۱۱-۱۲	۱۳-۱۴	۱۵-۱۶	جمع
تیغ های کامل بدون تراش	۴	۱۵	۱	—	—	۲۰
تیغ های نامکمل بدون تراش	۲۰	۳۰	۵۷	۲	—	۱۰۹
تیغ های کامل رتبه دار	۵	۵	—	—	—	۱۵
تیغ های نامکمل رتبه دار	۱۷	۱۰	۹	۲	—	۳۸
مجموع فیصدی	۴۲ / ۲۳,۱٪	۴۹ / ۲۹,۹٪	۸۶ / ۴۷,۲٪	۵ / ۲,۸٪	—	۱۴۲ / ۱۰۰٪

جدول شماره ۳ تیغ های شکسته (نامکمل)

اندازه / نوع	< ۱	۱-۱,۵	۱,۵-۲	۲-۲,۵	۲,۵-۳	۳-۳,۵	۳,۵-۴	جمع
تیغ های نامکمل رتبه دار	—	۵	۳	۱۱	۶	۸	۲	۳۸
تیغ های نامکمل بدون تراش	۳	۲۷	۴۲	۱۵	۸	۴	—	۱۰۹
مجموع فیصدی	۳ / ۲,۱٪	۴۲ / ۲۸,۶٪	۴۵ / ۳۱,۹٪	۲۶ / ۱۷,۷٪	۱۴ / ۹,۵٪	۱۲ / ۸,۱٪	۳ / ۲,۱٪	۱۴۷ / ۱۰۰٪

جدول شماره ۴ تیغ های کامل

اندازه / نوع	< ۱	۱-۱,۵	۱,۵-۲	۲-۲,۵	۲,۵-۳	۳-۳,۵	۳,۵-۴	جمع
تیغ های کامل رتبه دار	—	۱	۱	۳	۲	۴	۳	۱۵
تیغ های نامکمل بدون تراش	—	۲	۶	۸	۲	۱	—	۲۰
مجموع فیصدی	—	۳ / ۸,۸٪	۷ / ۲۰٪	۱۱ / ۳۱,۴٪	۴ / ۱۱,۴٪	۵ / ۱۴,۳٪	۴ / ۱۱,۴٪	۳۵ / ۱۰۰٪

اندازه ۱:۱



شماره	Tools on typology	تعداد	نوع ابزار سنگی
۱	Blads without retouch	۱۲۶	تیغ های بدون رتوش
۲	Flakes without retouch	۸۲۷	درجه یا پارچه های بدون رتوش
۳	Cores	۹	پارچه های هسته ای
Tools on blads			
۴	Triangular	۲۲	تیغ های سه گوشه ای رتوش دار
۵	Segments	۲۶	تیغ های لبه محدب شکل رتوش دار
۶	Points	۲	تیغ های نوک دار
۷	Notched blads	۲	تیغ های دندان دار
۸	Drill or borers	۶	تیغ های صراحی کن
۹	Backed blads	۳	تیغ های عقده دار
۱۰	Blads with side retouch	۶	تیغ های رتوش دار جانبی
۱۱	End scrapers	۱۳	تراشنده های خلفی
Tools on flakes			
۱۲	Burins	۲	پارچه های قلم حکاکی مانند یا سکنده
۱۳	Core scrapers	۹	تراشنده های هسته ای
۱۴	Flakes with side retouch	۱	پارچه های کوچک رتوش دار جانبی
	Total	۱۰۵۴	مجموع

## ۶- تیغ های عقبدار :

### Backedblads

ازین نوع تیغ سه پارچه درین کلکسیون دیده میشود ممیزات آنها طوریت که قسمت عقبی پهن و قسمت لبه جلوی دست کاری یا ریتوش بود و تقریباً شکل ساتور کوچک را دارند . به اشکال شماره چار ، پنج و شش صفحه دوم اشکال مراجعه شود .

۱۰- تیغ های ریتوشدا ر جانبی ساختمان این نوع تیغ ها طوریت که جناح جانبی بشکل منحنی بود و رویه جلوی مایل و در حصه قدامی باریک و ریتوش اند . از جمله شش پارچه تیغی که بدین نوع در کلکسیون وجود دارد صرف یک پارچه آن سالم و مکمل بوده مابقی به حالت شکسته و نامکمل اند . شکل شصت ، شصت و یک و شصت و دو در صفحه اول و شکل هجده ، نوزده و بیست و شش در صفحه دوم اشکال ملاحظه شود .

## ۱۱- تراشنده های خلفی

### Endscrapers

تیغ های نوع تراشنده دارای ساختمان ویژه بود و در قسمت لبه خود بشکل منحنی مایل و ریتوش و در حصه قاعده عریض و ضخیم شده اند رویه عقبی آنها صاف و لشم بود و در رویه جلوی قسماً فرو رفتگی ها دیده شده و هم دارای رخ های برجسته میباشد . تعداد آنها به سیزده پارچه می رسد . اشکال آنها را در صفحه دوم اشکال از رسم شماره یک ، دو ، سه و هفت الی شانزده میتوان مشاهده نمود .

۱۲- پارچه های قلم حکاکی مانند یا اسکنه :

### Burin

ازنوع تیغ ها یا ابزار سنگی ایکه شکل قلم حکاکی را داشته و به منظور کندن اشیاء از آن استفاده

میشد صرف دو پارچه دید می شود مشخصه آنها طوریت که در قسمت خلفی نوکدار بوده و به طرف قاعده قدامی عریض و ضخیم شده و در اطراف و جوانب پهلویی خود رخ های برجسته دارد چنانچه به شکل بیست و سی صفحه دوم اشکال بخوبی ملاحظه میشوند .

## ۱۳- تراشنده های هسته یی

### Corescrapers

ازین نوع ابزار سنگی در کلکسیون مورد نظر نه پارچه به مشاهده میرسد . اوصاف مشخصه آنها طوریت که قسمت قاعده پهن بدنه رخدار و در انجام باریک شده اند . طوریکه در شکل نیز به ملاحظه میرسد اکثر پارچه هاشکسته و نامکمل اند .

اشکال بیست و یک الی سی و سه صفحه دوم اشکال ملاحظه شود .

۱۴- پارچه های ریتوشدا ر جانبی flakes with sideretouch ازین نوع صرف یکپارچه دیده میشود . ساختمان آن طوریت که در جوانب و کنار ریتوش بوده نوک قدامی باریک و ضخیم و به طرف نوک خلفی پهن و نازک شده است .

شکل هفده صفحه دوم اشکال دیده شود .

با ملاحظه سرهمبندی و تصنیف ابزار از نظر چگونگی ساختاری میتوان چنین نتیجه گرفت که صنعت ابزار سنگی این دوره بیشتر متکی به ابزار نوع تیغ ها بود و اکثراً ریتوش اند . چنانچه در بسیاری از پارچه های مشخص ابزار سنگی تیغ مانند کنار هیا لبه های آن بوضاحت دیده می شود مجدداً دست کاری یاریتوش شده اند .

اکثر پارچه ها از نوع تیغ های کوچک و تیغ های متوسط بوده دارای

ابعاد هندسی سه گوشه بی و محدب اشکال اند .

طوریکه از مطالعه این آثار برمی آید ابزار بدست آمده یی ساحه زادیان با پارچه های ابزار سنگی ایکه فلیب گوین Ph. Gouin دانشمندان فرانسوی از مناطق شمال افغانستان از ناحیه تاشقرغان ( چهل ) طی یک سروی بدست آورد و شباهت کامل دارد . چون آثار بدست آورده گوین از نظر استراتوگرافی تصنیف نگردیده بنا مشکل است تاریخ آنها را دقیق تعیین نمود . و به همین منوال ، تاریخ گذاری در مورد آثار بدست آمده یی ساحه زادیان نیز قابل دقت میباشد . گرچه شبیه بعضی از آثار بدست آمده ساحه زادیان در کلکسیون های آثار بدست آمده مناطق جنوبی آسیای میانه اتحاد شوروی به مشاهده می رسند چنانچه در کلکسیون آثار و ابزار مکشوفه مغاره دم . دم چشمه دوم که در قسمت شرقی بحیره کسپین واقع است شباهت ابزار ساحه زادیان در آنها بخوبی مشاهده میشود . اما دانشمندان اتحاد شوروی معتقد بر آنند که آثار و ابزار سنگی مغازه دم ، دم ، چشمه دوم احتمالاً مرکب از چند دور بوده نمیتوان به طور دقیق از روی آن ساحات دیگر را تعیین تاریخ نمود - بنا بهترین ساحه ایکه آثار و ابزار بدست آمده آن بصورت مشخص تعیین تاریخ گردیده و ما را به طور نسبی در چگونگی تاریخ گذاری یاری میرساند . همانا ساحه توت کهول واقع جنوب تاجکستان اتحاد شوروی است که بر مبنای آن میتوان در زمینه تاریخ گذاری این آثار استفاده کرد و به کمک آن حدود تاریخی یی رانسبت به ابزار مکشوفه زادیان تعیین نمود .

آثار و ابزار یکی از قسمت لایه پائینی ساحه توت کهول بدست آمده بشکل پارچه های ابزار هندسی. مانند تیغ های سه گوشه یی بوده اما ابزار محدب الشکل در آنها دیده نمیشود هم چنان در عمق بیشتر آن آثار و ابزار مستطیل شکل و ذوزنقه نیز وجود دارد که این آثار در مجموع مربوط به لایه نمبر (سه) شمرده میشوند اما آثار و ابزار ی که از لایه میانه یا وسطی توت کهول بدست آمده دارای ابعاد سه گوشه یی و محدب الشکل مانند آثار و ابزار مکشوفه ساحه زادیان می باشد. در لایه میانه به طور مشخص آثار مربوط به لایه نمبر

(دو الف) شباهت بیشتر با ابزار کلکسیون ساحه زادیان دارد. چه در لایه نمبر (۲) آن پارچه های سه گوشه یی و محدب الشکل به مشاهده نمیرسد صرف میتوان از موجودیت پارچه های کوچک شکل نیم دایروی و محدب ییاد آور شد. بر اساس تصنیف آثار از نظر سترا توگرافی و مطالعه اقشار میتوان گفت صنعت پارچه های لایه دوم مربوط به دوره اوایل نوسنگی یا تقریباً شش ملیونم ق.م به حساب میرود. از جانب دیگر تحقیقات جیولوژیکی بعضی منابع لایه سوم آنرا مربوط به دوره اوایل میان سنگی یعنی -

ده الی نه ملیونم ق.م وانمود کرده اند. اما آنچه که مورد دلچسپی ما درین بخش قرار میگیرد همانا تاریخ گذاری آثار مربوط به لایه نمبر (۲ الف) توت کهول است که به گمان غالب به هزاره هشت ملیونم و هفت ملیونم ق.م ییاد او اخر دوره میان سنگی ارتباط داشته و بروفق آن آثار و ابزار سنگی بدست آمده یی زادیان رانیز میتوان بدان دوره منسوب کرد. اما در هر صورت آنچه در مورد اراشه شد بسنده نبوده تثبیت تاریخ دقیق این آثار باز هم مستلزم تحقیق بیشتر است.

#### پاورقی:

Retouch

۱-رتیوش

اصطلاحیست معمولاً در بخش آن پارچه های ابزار سنگی ای که به طور مجدد در قسمت لبه یا کناره خود قسمی دست کاری شده اند خاصیت برنده گی و تراشندگی را کسب نموده است بکار میرود. دست کاری در قسمت لبه تیغ طوری صورت گرفته که باضر به وارد کردن توسط پارچه سنگ بزرگ بالای جوانب لبه تیغ پارچه های کوچک از ناحیه مذکور پرانده شده و شکل دندانه را به خود گرفته است.

ماخذ:

- ۱- زیستگاه نیچکه (۳) مقاله یوسفزی مجله باستان شناسی افغانستان شماره دوم سال ۱۳۶۲.
- ۲- مغاره دم. دم چشمه دوم مارکوف ای. بی. باستان شناسی شوروی نمبر دوم سال ۱۹۶۶. متن روسی.
- ۳- زرنوف گروپ کواله توت کهول ص ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۷۱.
- ۴- اتلس قریه های افغانستان جلد دوم، ۱۳۵۳.
- ۵- تحقیقات در مورد آثار عصر سنگ شمال افغانستان، وینوگراذوف ا. و (با ختر قدیم) نشرات اکادمی علوم اتحاد شوروی جلد دوم سال ۱۹۷۹ متن روسی.

6— Gouin. Ph. 1973 Prospection prehistoric Period in the Archaeology of Afghanistan London, Academic Press.

7— Vinogradov. A. V. 1982 the mesolithic of Afghanistan in: International Union for Quaternary research. XI Congress Moscow, August 1982 Abstracts Vol. III

نویسنده: محقق صدیق الله عتیق زوی

## زیستگاه نیچکه V

پیشگفتار:

هیات مشترک باستان شناسان افغان - شوروی در سال های ۱۹۶۹-۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ عیسوی به کار مقدّماتی آغاز کردند در ابتدا وظایف عمده و اساسی این هیات عبارت از سروی، تثبیت و کاوش ساحات قبل التاریخ شمال ساحات قبل التاریخ شمال افغانستان بود. دانشمند شوروی داکتر وینو گراف باستان شناس و انتر وپالو جستاکادمی علوم اتحاد شوروی (مسکو) که جز این هیات بود ضمن سروی و مطالعات سه ساله اش در ساحات باستانی شمال کشور بویژه در کنار جنوبی دریای آمو موفق به کشف بیش از یکصد و هفتاد زیستگاه عصر سنگ گردید.

دانشمند مذکور در نتیجه تحقیقات خود و انمود ساخت که بیشتر اقسام این زیستگاه هادر اثر عوارض جوی تخریب گردیده است و بعضی ابزار سنگی نیز نسبت تاثیرات نم و رطوبت مغشوش و نامشخص به نظر می رسند. از جمله ساحات عمده و با ارزش یکی هم ساحه باستانی نیچکه می

باشد. که درین مقال آنرا مورد بحث و بررسی قرار میدهم.

درسال های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ عیسوی هیات مشترک باستان شناسان افغان - شوروی حین سروی و کاوش ساحات باستانی شمال افغانستان بویژه کنار جنوبی دریای آمو از ساحه نیچکه ولایت بلخ ابزار میان سنگی (دوره میزولیتیک) را کشف نمودند. ابزار میان سنگی شمال افغانستان بیشتر ازدا منه های ریگی سواحل جنوبی دریای آموحین سروی و کاوش بدست آمده است.

ساحه باستانی نیچکه پنج در فاصله هفت کیلومتری غرب قریه نیچکه و به طرف شمال ولسوالی دولت آباد مربوط ولایت بلخ موقعیت دارد. ازین محل یک تعداد ابزار سنگی دوره میزنو-لیتیک بدست آمد که ازین میان یک کلکسیون جهت تحقیق انتخاب گردید.

کلکسیون شماره (سه صد و بیست و دو) مربوط ساحه باستانی نیچکه پنج دارای (هفتصد و سه)

پارچه ابزار سنگی مختلف النوع و رنگهای گوناگون میباشد. ابزار میان سنگی این ساحه ازدا منه هاو نشیبی های تپه مذکور از ارتفاع یک متری تپه حین کاوش و قسمی سروی جمع آوری گردیده است. ساحه که این ابزار از آن بدست آمده دارای طول سی متر عرض بیست متر بود (شکل سه) ملاحظه شود.

در ادوار قدیم و قبل التاریخ انسان های عصر سنگ بیشتر از آن نوع سنگ و مواد دست داشته وقت که استفاد از آن هر چه بیشتر آسان می نمود بکار می رفت.

ابزار کشف شده این محل از نقطه نظر نوعیت ساختار دارای اشکال تیغ مانند چون تیغ های سوراخ کن، تیغه های تراش کن، تیغه های مثلث شکل، تیغه های نوکدار پارچه های ریتوش دار و بدون ریتوش و تیغه های ریتوش دار و بدون ریتوش و دیگر اشکال هندسی و غیر هندسی می باشد. صنف بندی این ابزار ازنگاه شکل ساختار در کلکسیون شماره (سه صد و بیست و دو)



ابزار میان سنگی نیچکه پنج صورت گرفته است .

در آغاز کار ابزار سنگی این کلکسیون به تیغه های مکمل ریتوش دار تیغه های مکمل بدون ریتوش تیغه های شکسته ریتوش دار و تیغه های شکسته بدون ریتوش صنف بندی گردید . تعداد مجموعی تیغه های مکمل و شکسته ریتوش دار و تیغه های مکمل و شکسته بدون ریتوش به یکصد و نود و سه پارچه می رسد خصوصیت این تیغه ها در جدول شماره اول ملاحظه شود .

۱- تیغه های مکمل ریتوش دار: قبل از اینکه به اصل مطلب برگردیم لازم به تذکر است که ریتوش چه راگویند . تیغه های ریتوش دار عبارت از تیغه های اند که بالای آن بار دوم کار شده باشد یا به عبارت ساده تر ریتوش ابزار ریتوش کاری مجدداً راگویند ابزار ریتوش دار از ابزار بدون ریتوش در صورتی از هم تفکیک شده میتواند که در کنار یا لبه ابزار ریتوش دار شکستگی و برآمده گی به مشاهده می رسد در بالا یاد آور شدیم که مجموع تیغه های ریتوش دار بدون ریتوش به یکصد و نود و سه پارچه می رسد ، از جمله این ابزار صرف چار عدد تیغه مکمل ریتوش دار می باشد ، این چار تیغه مکمل ریتوش دار دارای رنگ و اشکال مختلف میباشد اگر ما چار تیغه ریتوش دار را به صورت دقیق تحت مطالعه قرار دهیم ملاحظه میشود که در اصل ویژه گی یک تیغه را دارد . حد اصغری عرض تیغه مکمل ریتوش دار ( صفر اعشاریه هشت ) و حد اعظمی عرض این تیغه ها از (از یک اعشاریه یک تا دو ) سانتی متر باشد ، همین قسم حد اصغری وسط این چار تیغه از ( دو اعشاریه

یک تا دو اعشاریه پنج ) سانتی متر و حد اعظمی اوسط تیغه ها از دو اعشاریه شش الی سه سانتی متر می رسد که این چار تیغه ( یک اعشاریه نه ) فیصد تعداد مجموعی یکصد و نود و سه عدد ابزار را تشکیل میدهد جهت معلومات مزید جدول شماره یک و سه ملاحظه شود .

۲- تیغه های مکمل بدون ریتوش :

تیغه های بدون ریتوش تیغه های راگویند که به صورت سالم و دست نخورده باقی مانده باشد . لبه های این تیغه ها بدون پریدگی و برآمده گی میباشد از جمله یکصد و نود و سه پارچه تیغه های مکمل و شکسته ریتوش دار و بدون ریتوش صرف چهار ده عدد تیغه های مکمل بدون ریتوش موجود است . چون رنگ و سایز این تیغه ها از هم ماینت دار به همین ترتیب عرض تیغه های مکمل بدون ریتوش طوری که در جدول شماره اول ملاحظه میشود از همدیگر فرقی نداشته لذا حد اصغری عرض تیغه های مذکور صفر اعشاریه هفت سانتی متر حد اعظمی عرض تیغه های این صنف از دو اعشاریه یک الی سه سانتی متر بوده همین طور حد اصغری اوسط تیغه های مکمل بدون ریتوش صفر اعشاریه یک سانتی متر الی یک اعشاریه پنج سانتی متر و حد اعظمی آن از سه اعشاریه شش الی چار سانتی متر می رسد که شش اعشاریه هشت فیصد ابزار را احتوا میکند جدول شماره یک و سه ملاحظه شود .

۳- تیغه های شکسته ریتوش دار :

تعداد مجموعی این صنف تیغه ها به هفتاد و شش عدد می رسد طوری که از نام آن پیداست همه این

تیغه ها شکسته به اشکال مختلف دیده میشود . چون این تیغه ها از نوع تیغه های ریتوش دار بوده در قسمت لبه های آن پریدگی ها به مشاهده می رسد یا به اصطلاح دیگر لبه های تیغه شکل دنداندار را به خود اختیار کرده است . این ابزار دارای رنگ و نصواری ، قهوه ای ، سیاه ، کریمی و فولادی است حد اصغری عرض تیغه ها ( صفر اعشاریه هفت ) سانتی متر و حد اعظمی عرض این تیغه ها به سه سانتی متر می رسد ، به همین منوال حد اصغری اوسط تیغه های شکسته ریتوش دار یک سانتی متر و حد اعظمی آن از سه اعشاریه یک الی سه اعشاریه پنج سانتی متر می باشد این تیغه ها سی و هفت فیصد مجموع تیغه ها را تشکیل داده و غرض معلومات مزید جدول شماره یک و دو ملاحظه شود .

۴- تیغه های شکسته بدون ریتوش :

از جمله یکصد و نود و سه پارچه تیغه های ریتوش دار و بدون ریتوش که قبلاً تفکیک و صنف بندی شده اند از آن به تعداد نود و نه پارچه تیغه های شکسته بدون ریتوش میباشد در کنار و لبه های تیغه ها شکستگی و پریدگی به مشاهده نمی رسد یا به مفهوم ساده تر این تیغه ها سالم بوده بار دوم از این تیغه ها استفاده نشده و رنگ و سایز این تیغه ها از هم دیگر مغایریت دارد . در قسمت روی و عقب تیغه ها برآمده گی و فرورفتگی به ملاحظه میرسد . حد اصغری عرض این بخش تیغه ها صفر اعشاریه هفت ، سانتی متر و حد اعظمی عرض تیغه ها از دو اعشاریه یک تا سه سانتی متر ، حد اصغری اوسط تیغه های یک سانتی متر

وحد اعظمی اوسط تیغه هاز سه اعشاریه شش الی چهار سانتی متر می باشد ، پس باین حساب گفته میتوانیم که فیصدی آن پنجاه و چهار اعشاریه سه بوده و غرضی ازدیاد معلومات جدول شماره یک ودو ملاحظه گردد .

دربین این ابزار پارچه های متنوع چون: تیغه های بدون ریتوش، پارچه های شکسته بدون ریتوش، پارچه های شکسته هسته، تیغه های مثلث شکل، تیغه های نوکدار، تیغه های نوکدار جانبی، تیغه های پریده شده برمه یاسو را خ کن، تیغه کوچک عقبدار، پارچه های ریتوش دار جانبی، پارچه های پریده شده، تیغه های متحد الشکل موجود است اکنون می پردازیم به تیپو لوژی و نوعیت ساختار ابزار این کلکسیون :

۱- تیغه های بدون ریتوش : به صورت مجموعی تعداد تیغه های مکمل و شکسته بدون ریتوش (۱) به یکصد و سیزده عدد می رسد طوریکه از نام این تیغه هابر می آید کنار و لبه های تیغه هاسالم و دست نخورد و باقی ماند و قسمت های جلوی و عقبی آن فرو رفتگی و برآمده گی زیاد دارد . این تیغه ها شانزده فیصد مجموع آثار کلکسیون را تشکیل میدهد شماره اول جدول چارم ملاحظه شود . اگر مجموع تیغه های مکمل و شکسته بدون ریتوش مطالعه گردد . سائز و رنگهای آن بایک دیگر همگونی ندارد .

۲- پارچه های شکسته بدون ریتوش :

از جمله هفتصد و سه پارچه ابزار سنگی این کلکسیون به تعداد چار صد و نود و چار عدد پارچه های شکسته بدون ریتوش (۲) بوده ۷۰٪ فیصد کل ابزار را تشکیل میدهد که به اشکال مختلف

وسائز گوناگون خورد و کلان موجود است . به همین ترتیب رنگهای این بخش ابزار از هم دیگر مبانیت دارد اما رنگهای بیشتر این ابزار نوع کریمی، نضواری، فولادی و زرد مسی باشد روی تعداد اعظم ابزار را نسبت رسیدن نم و رطوبت قشر سفید رنگ منگ احاطه نمود . ابزار منگ گرفتگی رابه شکل غیر منظم و نامشخص در آورد . است . در رویه جلوی و عقبی این ابزار پریدگی و فرو رفتگی به مشاهده می رسد . انجام قدمی این ابزار که به اصطلاح نوک آن به حساب می رود اکثر نوک های آن شکسته و از بین رفته است جهت معلومات مزید به جدول چارم شماره دوم مراجعه شود .

۳- پارچه های شکسته هسته : تعداد مجموعی پارچه های شکسته هسته (۳) این کلکسیون به نزده عدد می رسد که دواعشاریه نه فیصد تمام ابزار را تشکیل داده است .

هسته گره اصلی تیغه هاوپارچه های مختلف ابزار بشمار می رود، زیرا تیغه ها وانواع دیگر ابزار از اثر وارد کردن ضرب به ازسنگ جدا ساخته شده این سنگ باقی ماند . بود که بنام سنگ هسته یاد می شود سائز و رنگهای سنگ هسته باهم دیگر یکسان نیست در روی جلوی و عقبی هسته پریدگی و فرو رفتگی زیاد دیده میشود به صورت عموم سنگهای هسته از نوع سنگ چقماق (۴) بوده پس باین حساب تمام ابزار این کلکسیون از سنگ چقماق میباشد .

۴- تیغه های مثلث شکل (۵) : تیغه های مثلث شکل طوری که از نام آن بر می آید دارای اشکال مثلثی میباشد رویه جلوی و رویه

عقبی پریدگی و برآمده گی دارد . لبه های این تیغه ها دارای ریتوش مکمل و نیمه ریتوش بود و تعداد تیغه های مثلث شکل چهارده عدد که یک اعشاریه نه فیصد تمام ابزار را تشکیل داده است که مادراینجا شش عدد آنرا انتخاب نموده ایم برای حل این مطلب به صفحه اول اشکال شماره ( شش اعشاریه یک) مراجعه شود . در این اشکال تیغه های شماره ( یک ، سه و پنج ) نوک دار بود نوک های سه تیغه مثلث شکل شاید در اثر استفاده زیاد شکسته و یابه همین شکل وجود آمده است . رنگ و سائز این تیغه ها از همدیگر تفاوت دارد . رسوب موادسنگی روی بعضی این تیغه ها در حقیقت ناشی ازرسیدن نم و رطوبت زیاد میباشد .

۵- تیغه های نوکدار :

تعداد تیغه های نوکدار (شش) کلکسیون ساحه باستانی نیچکه پنج به دوازده عدد می رسد که یک اعشاریه هفت فیصد تمام ابزار را احتوا می کند . این تیغه ها از نقطه نظر ساختار از نوع تیغه های نوکدار بود که به مقاصد مختلف از آن استفاده میشود چون نوک های بیشتر این تیغه ها از اثر کارو استفاده زیاد شکسته و یاساییده شده صرف علایم و نشانه نوک روی بعضی تیغه ها معلوم میشود . این تیغه ها دارای سائز و اشکال مختلف ساختار بود و بیشتر دارای رنگهای نضواری، کریمی و سفید مایل به خاکستری میباشد قسمت بالایی یا انجام خلفی تیغه ها هموار بود اما بخش پایانی یا انجام قدیمی که حصه نوک تیغه به حساب می رود شکسته و شاید ساییده شده باشد علایم و نشانه نوک بخوبی هویدااست .

۶- تیغه های ریتوش دار جانبی : از جمله ابزار تفکیک شده این

كلكسيون يك نوع آن تيغ های ریتوش دار جا نبی (۷) است تعداد این تیغ ها به چهارده عدد می رسد که يك اعشاریه نه فیصد مجموع ابزار میان سنگی ساحه باستانی نیچکه پنج را تشکیل میدهد. در صور تیکه این تیغ ها دقیق مطالعه و بررسی شود باین نتیجه می رسم این تیغ ها در يك جانب بایک بخش خود دارای ریتوشی پادست کاری دوم میباشد در اینجاصرف شش عدد این تیغ که بدون منگ و خراشیدگی است طور نمونه برگزیده شده جهت معلومات بیشتر این تیغ به صفحه اول اشکال شماره های (سیزده تا هجده) مراجعه شود تیغ شماره (سیزده و هفده) دارای تیغ دولبه بوده انجام قدامی یا قسمت پایانی تیغ شماره های سیزده و پانزده طوریکه در شکل دیده میشود شکسته و پریده است در حقیقت شکستگی و پریدگی انجام قدامی این دو تیغ همانا استفاده زیاد از تیغ هارانشان میدهد.

#### ۷- تیغ های پریده شده :

نوع دیگر تیغ های ایمن کلکسیون تیغ های پریده شده (۸) است، شمار تیغ های مذکور به بیست و چهار عدد می رسد که سه اعشاریه چار فیصد مجموع ابزار دست داشته کلکسیون مذکور را وانمود می سازد. در اینجا ازین نوع تیغ صرف شش پارچه تیغ پریده شده که قسما سالم و نسبت به تیغ های باقی مانده این بخش بهتر بود انتخاب گردید، صفحه اول اشکال شماره های (نزده - بیست و چار) دیده شود، اگر اشکال این نوع تیغ ها دقیق مطالعه گردد از آن چنین استنتاج میشود که قسمت اعظم لبه ها و انجام خلفی و قدامی تیغ ها پریده و شکسته است طور

مثال علائم پریدگی را در ناحیه بالایی راست و بخش پایانی شکل (بیست) که نوک تیغ گفته می شود پریدگی و شکستگی دارد، همین طور در شکل شماره (بیست و سه) لبه راست تیغ از بالا به پایین علائم ریتوش موجود است اما در وسط نشانه ریتوش غایب است که غیابت ریتوش و فرورفتگی ها خود پریدگی تیغ را گواهی میدهد در تیغ شماره (بیست و چار) پریدگی ها در ناحیه راست لبه تیغ علائم ریتوش در فاصله معین قرار گرفته بوضاحت ملاحظه میشود اکثر تیغ های پریده شده دارای تیغ دولبه میباشد.

این تیغ ها حینیکه از آن استفاده میشد از اثر وارد کردن فشار نوک ها و لبه های تیغ پریده و شکسته است، تیغها نسبت پریدگی زیاد بدون استفاده باقیمانده است. انجام بالایی یا انجام خلفی تیغ ها هموار و پهن و انجام قدامی یا حصه پایانی تیغ قسما نوکدار بوده و نوک بیشتر این تیغ ها شکسته است.

#### ۸- تیغ های برمه :

نوع دیگر تیغ های این کلکسیون عبارت از تیغ های برمه یا سوراخ کن (۹) میباشد تعداد تیغ های برمه شش پارچه است که يك اعشاریه نه فیصد مجموع ابزار را تشکیل میدهد. طوریکه از نام تیغ ها معلوم میشود. به مقاصد مختلف چون سوراخ کردن و برمه کردن ابزار یا مهره بکار می رفت. چون تیغ در مجاورت نم و رطوبت قرار داشت اگر اشکال تیغ های برمه ملاحظه شود تیغ ها در حصه پایانی یا انجام قدامی دارای نوکهای تیز، مانند نوک میخ میباشد. که غرض سوراخ کردن بکار می رفت، اما برعکس

قسمت بالایی یا انجام خلفی تیغ ها طور ی هموار و پهن ساخته شده تا حین وارد کردن فشار بالای تیغ به کف دست صدمه نرساند. رویه جلوی و رویه عقبی این تیغ ها دارای پریدگی و فرو رفتگی زیاد میباشد، نوک تیغ برمه شماره (بیست و پنج) شکسته است. ساین، شکل ساختار و رنگ تیغ ها فرق دارد همگونی ندارد. لبه این تیغ ریتوش دار است، جهت معلومات بیشتر صفحه اول اشکال شماره های (بیست و پنج و بیست و هشت) ملاحظه شود.

#### ۹- تیغ کوچک عقب دار :

تیغ عقب دار خیلی کوچک بود. در این کلکسیون صرف يك عدد تیغ کوچک عقب دار (۱۰) موجود است، رنگ تیغ کوچک کریمی بود. حصه پایانی یا انجام قدامی تیغ پریدگی دارد، ناحیه بالایی یا انجام خلفی تیغ قسمیکه در شکل بوضاحت دیده می شود. پریدگی و شکستگی حصه فوقانی نسبت پریدگی عمیق، شکل تیغ نوکدار را بخود گرفته است. رویه جلوی تیغ برآمدگی داشته اما رویه عقبی تیغ تقریباً صاف و هموار بنظر میرسد. ناحیه چپ تیغ ریتوش دار و بخش راست تیغ بدون ریتوش است صفحه اول اشکال شماره (بیست و نه) دیده شود.

#### ۱۰- پارچه های پریده شده :

نوع دیگر ابزار سنگی عبارت از پارچه های پریده (۱۱) میباشد تعداد آن صرف دو پارچه است در صفحه دو اشکال ابزار شماره يك و دوروی جلوی و عقبی این دو پارچه قسمی که در شکل دیده میشود دارای پریدگی های زیاد میباشد. طوریکه در شکل

ملاحظه میگردد در ابتدا شاید به شکل تیغ بود به مرور زمان در اثر استفادۀ اعظمی تغییر شکل داد و یاشاید حین ساختن به شکل کنونی در آمده است پریده گی عمده درین دو پسر چه ابزار در قسمت عقبی ناحیه بالایی راست و چپ شکلی اول و ناحیه راست و چپ شکل اول و ناحیه چپ جلوی و بخش راست عقبی شکل دوم به ملاحظه می رسد. حقیقت این مساله را در صفحه دو اشکال دیده میتوانید. چون پارچه های پریده ازنگاه شکل ساختار و ساینده همگون نبود و لذا رنگ این دو پارچه نیز با همدیگر یکسان نیست.

۱۱- پارچه های برمه یاسوراخ کن:

نوع دیگر ابزار دور میزو لیتیک عبارت از پارچه های مختلف سوراخ کن یا برمه می باشد تعداد آن به سه عدد می رسد. رسوب خفیف و جزئی مواد سنگی روی پارچه های شماره (سه و پنج) اشکال صفحه دو ناشی از نرم رطوبت زیاد بوده که در طول زمان بروی آن ترسب نمود است چون ترسب این مواد خفیف و نازک است لذا پارچه های برمه یاسوراخ کن (دوازده) به آسانی و سهولت تفکیک شده میتواند.

قسمت روی و عقب این پارچه هافرو رفتگی و برآمده گی دارد. حصه بالایی یا انجام خلفی پریده گی سطحی داشته تقریباً هموار است اما حصه پایانی یا انجام قدما می که نوک پارچه هانا میده می شود ازین پارچه هابه مقصد سوراخ کردن و برمه کردن استفاده می شد لذا نوک های آن نسبت استفا ده زیاد وارد کردن فشار شکسته واز بین بین رفته است علایم و نشانه نوک در ناحیه

پایانی پارچه های مذکور بوضاحت مشهود است.

۱۲- پارچه های ریتوش داری جانبی:

پارچه های ریتوش داری جانبی (۱۳) طوریکه از نام آن پیدا است دریک جانب خود دارای ریتوش جانبی اند. اشکال صفحه دوشماره (شش و هفت) ملاحظه گردد مثلاً در پارچه شماره (شش) در قسمت بالای و پایانی جناح چپ نشانه های ریتوش به فاصله معین، همین طور در پارچه شماره (هفت) در ناحیه چپ بالایی و قسمت تحتانی علایم ریتوش بیک فاصله دور از همدیگر قرار گرفته است. در رویه جلوی پارچه شماره (شش) فرو رفتگی، شکستگی زیاد نسبت به پارچه شماره هفت به مشاهده می رسد.

طوریکه همه تیغ ها به صورت دقیق مطالعه و تفکیک گردید چنین استنباط میشود آن عده تیغ های که عرض آنها الی یک اعشاریه هفت سانتی متر برسد بنا به تیغ های کوچک (چهارده) و تیغ های که عرض شان از یک اعشاریه هشت سانتی متر الی یک اعشاریه پنج سانتی متر باشد تیغ های متوسط (۱۵) و آن عده تیغ های که عرض آنها بیشتر از یک اعشاریه شش سانتی متر باشد بنا به تیغ ها (۱۶) یاد می شود.

این سه نوع تیغ که در فوق از آن نام بردیم در بین هفتادوشش عدد تیغ های ریتوش تیغ های کوچک تیغ های متوسط و تیغ ها وجود دارد. که ازین میان سه عدد تیغ کوچک، (۱۷) عدد تیغ متوسط و پنجاه و شش عدد تیغ کلان میباشد.

نتیجه:

مهم ترین صنعت ابزار سازی میان سنگی (دور) مینرو لیتیک

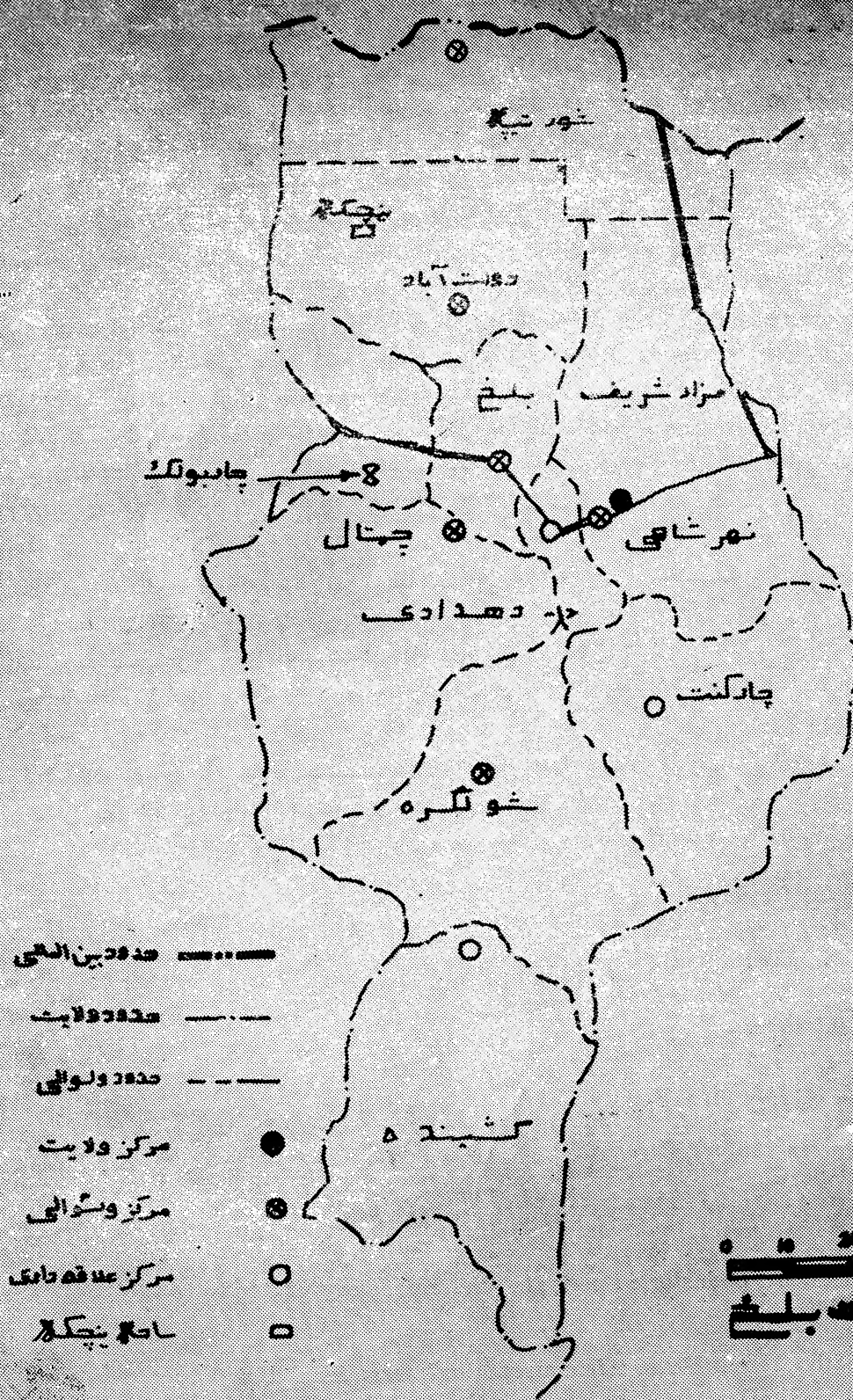
از ابزار نوع تیغ ها بوده که اکثر ریتوش دار میباشد. اکثریت بخش ابزار سنگی این دور نوع تیغ ها از نوع تیغ های کوچک و متوسط بود و این تیغ ها شامل تیغ های مثلثی شکل، تیغه های تراش کن، تیغ های نوکدار جانبی، ریتوش دار و بدون ریتوش، پارچه های هسته و غیره میباشد.




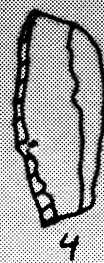
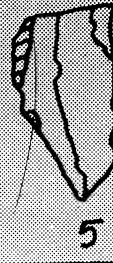







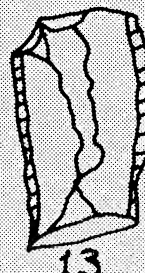






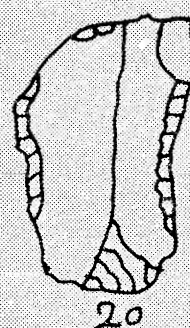

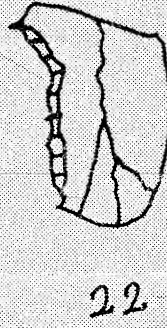

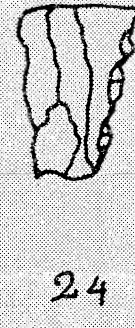
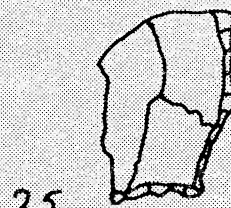




رنگ سنگهای که از آن ابزار ساخته شده اکثراً دارای رنگهای نضواری، خاکستری، کریمی، قهوه ای، سفید و سیاه میباشد. اقشار عده زیادی از زیستگاه ساحه در اثر عوارض جوی تخریب و صدمه شدید دیده، بدین ملحوظ روی بعضی از ابزار زیستگاه نیچکه پنج را قشر سفید رنگ یا به اصطلاح منگ گرفته است، ابزار را که روی آنرا منگ پوشانیده مغشوش و نامشخص بنظر میخورد، بعضی ابزار مذکور دست کاری شده و عده دیگر بدون دست کاری به حالت اصلی باقی مانده است.

ابزار سنگی که از ساحات شمال افغانستان بدست آمده با ابزار سنگی که توسط دانشمندان فرانسوی بنا به فلپ گوینن حین سروی و کاوش از تاشقرغان مربوط ولایت سمنگان کشف گردیده شباهت دارد، ابزار سنگی تاشقرغان از نقطه نظر ستراتوگرافی صنف بندی نشده لذا تاریخ گذاری این ابزار کاری است بس دشوار دانشمندان شوروی داکتر وینو گراف باین عقیده است که ابزار سنگی شمال افغانستان با آثار دم، دم چشمه دوم جنوب آسیای میانه از نگاه شکل ساختار شباهت دارد.

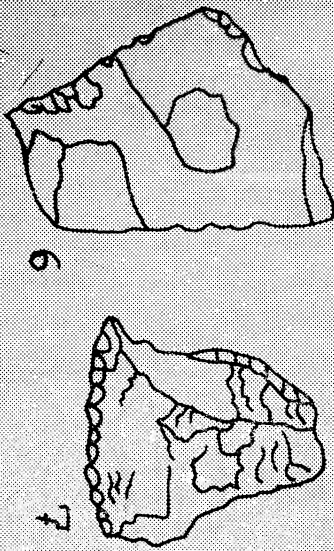
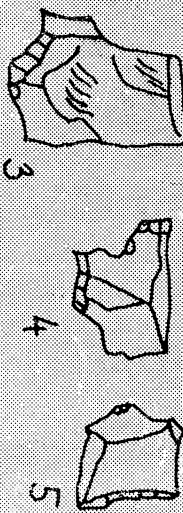
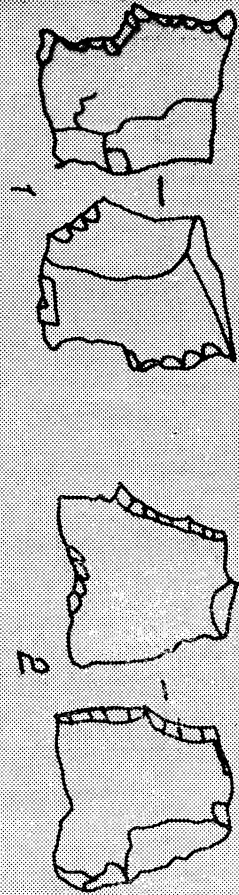
بهترین آثار و ابزار سنگی قبل-التاریخ از ساحه باستانی جنوب





 1	 2	 3	 4	 5	 6	Triangular Blade تیغی مثلثی شکل
 7	 8	 9	 10	 11	 12	Triangular & Sigmoid تیغهای کعبه ای شکل
 13	 14	 15	 16	 17	 18	Blades with Side Retouch تیغهای پهن با تیغی
 19	 20	 21	 22	 23	 24	Notched Blades تیغهای پهنه شده
 25	 26	 27	 28			Drill Blades تیغهای ریز
 29						Backed Micro Blade تیغهای ریز



		
<p>Flakes with Side Retouch</p> <p>پارچه های ریتوش داریجایی</p>	<p>Drill or Borer</p> <p>برس یا سوراخ کن</p>	<p>Notched Flakes</p> <p>پارچه های پریزه شده</p>

(جدول اول) عرض

مجموع	۴.۱-۵	۳.۱-۴	۲.۱-۳	۱.۱-۲	۰.۸-۱	۰.۷-	
۴				۲	۲		شیبهای مکمل ریش در
۱۴			۱	۷	۵	۱	" " بدون ریش
۷۶			۳	۵۶	۱۴	۳	" ریش شسته ریش در
۹۹			۱	۴۹	۳۲	۱۷	" " بدون ریش
$\frac{193}{100}\%$			$\frac{5}{2.5}\%$	$\frac{114}{59.3}\%$	$\frac{53}{27.4}\%$	$\frac{21}{10.1}\%$	مجموع فیصدی

(جدول دوم) اوسط تیغهای شکسته

مجموع	۳.۶-۴	۳.۱-۳.۵	۲.۶-۳	۲.۱-۲.۵	۱.۶-۲	۱.۱-۱.۵	۱	
۹۹	۵	۱	۸	۱۷	۱۷	۴۱	۱۰	تیغهای شکسته بدون چوب
۷۶	/	۳	۲	۱۶	۳۰	۲۵	۴	تیغهای شکسته ریش در
$\frac{175}{100}\%$	$\frac{5}{2.8}\%$	$\frac{3}{2.2}\%$	$\frac{10}{5.7}\%$	$\frac{33}{19.4}\%$	$\frac{47}{27.8}\%$	$\frac{66}{39.1}\%$	$\frac{14}{7.0}\%$	مجموع فیصدی

(جدول سوم) اوسط تیغهای مکمل

مجموع	۳.۶-۴	۳.۱-۳.۵	۲.۶-۳	۲.۱-۲.۵	۱.۶-۲	۱.۱-۱.۵	۱	
۱۴	۲	۳	۱	۵	۲	۲		تیغهای مکمل بدون ریش
۴			۲	۲				تیغهای مکمل ریش در
$\frac{18}{100}\%$	$\frac{1}{5.0}\%$	$\frac{3}{16.7}\%$	$\frac{2}{14.7}\%$	$\frac{7}{38.9}\%$	$\frac{2}{11.1}\%$	$\frac{2}{11.1}\%$		مجموع فیصدی



جدول چارم

شماره	نوع ابزار	تعداد	فیصدی
۱	تیغه‌ای بدون ریتوش Blade without Retouch	۱۱۳	٪ ۱۶
۲	پارچه‌ای شکسته بدون ریتوش Flake and Pieces without Retouch	۴۹۲	٪ ۷۰٫۴
۳	پارچه‌ای شکسته هسته Broken Cores	۱۹	٪ ۲٫۷
۴	تیغه‌ای مثلث شکل Traingular Blades	۱۴	٪ ۱٫۹
۵	تیغه‌ای نوکدار Points	۱۲	٪ ۱٫۷
۶	تیغه‌ای ریتوش دار جانبی Blades with side Retouch	۱۳	٪ ۱٫۹
۷	پارچه‌ای بریده شده Notched blades	۲۴	٪ ۳٫۴
۸	بره یا سوراخ کن Drill or Borer Blades	۴	٪ ۰٫۵
۹	تیغه کوچک عقب دار Backed Micro Blade	۱۳	٪ ۱٫۳
۱۰	پارچه‌ای ریتوش دار جانبی Flakes with side Retouch	۴	٪ ۰٫۹
۰	جمع	۷۰۳	٪ ۱۰۰

تاجکستان اتحاد شوروی بنام  
ساحه توت کهول کشف  
گردیده. ابزار این ساحه بیشتر  
دارای اشکال مثلثی و محدب  
الشکل نمی باشد. بلکه اشکال  
مستطیل و ذوزنقه را داراست،  
این ابزار از قشر پایانی ساحه  
باستانی توت کهول بدست  
آمده همین طور ابزار سنگی قشر

سوم که دارای اشکال مثلثی  
شکل و محدب الاشکل یافت شد  
که با ابزار مثلثی شکل و محدب  
الشکل ساحه باستانی نیچکه پنج  
یکسان است.

از قشر بالای توت کهول یعنی  
از قشر ۲- الف صرفاً بزاری  
بدست آمده که در این ابزار آثار  
مثلثی شکل و محدب الاشکل بچشم  
نخورد. در قشر دوم توت کهول  
ابزار کوچک نیم دایره و ی یافت  
شده ابزار کشف شده توت کهول  
مربوط به ابزار نیولیتیک بوده که  
تاریخ آنرا به شش میلیون قبل از  
میلاد تخمین زده اند.

عده از دانشمندان جیو لوجی  
قشر سوم توت کهول را بدوره  
میزولیتیک یا میان سنگی اولی که  
تاریخ آن نه یاده میلیون قبل از  
میلاد میباشد نسبت میدهند. ابزار

سنگی قشر ۲- الف ساحه باستانی  
توت کهول که تاکنون بدست  
آمده با مقایسه ابزار دیگر  
ساحات باستانی خیلی با ارزش  
و با اهمیت وانمود گردیده است  
تاریخ ابزار قشر ۲- الف ساحه توت  
کهول به هفت یا هشت میلیون قبل  
از میلاد وانمود شده که مربوط  
عصر میزولیتیک بعدی میباشد.

لذا آثار و ابزار سنگی ساحه  
باستانی نیچکه پنج با مقایسه  
ابزار باستانی ساحه توت کهول  
مربوط عصر میزولیتیک بعدی بوده  
که تاریخ آن در حدود هشت میلیون  
قبل از میلاد تعیین گردیده است.

#### ماخذ :

- ۱- زیستگاه نیچکه سه مقوله عبدالظا هر یوسفزی. مجله باستان شناسی افغانستان شماره  
دوم سال ۱۳۶۲.
- ۲- اتلس قریه های افغانستان جلد دوم سال ۱۳۵۳.
- ۳- مغاره دم چشمه د و مارکوف ای، بی، باستان شناسی شوروی، نمبر دوم سال ۱۹۶۶ متن  
روسی.
- ۴- تحقیقات در مورد عصر سنگ شامل افغانستان و ینوگرادوف ا.و. (باختر قدیم) از  
نشرات اکادمی علوم اتحاد شوروی جلد دوم سال ۱۹۷۹.
- ۵- انوف کروپکوا، مقاله درباره ساحه توت کهول ص ۱۴۱-۱۴۲ سال ۱۹۷۱.

- u(1) Blade without Retouch
- (2) Flake and piece without Retouch.
- (3) Broken cores
- (4) Flint
- (5) Traingular Blades.
- (6) Points
- (7) Blads with side Retou
- (8) Notched Blades.
- (9) Borres or Drill Blades.
- (10) Backed Micro Blade.
- (11) Notched Flackes
- (12) Drill or Berres Flakes
- (13) Flakes with side Ret-ch.
- (14) Micro Blades.
- (15) Bladelets.
- (16) Blades.

6- Gouin ph. 1973. prosspe-ction prehistoric periodin the archeology of Afg  
hanistan, Academie press.

7- Vinogradov. A. V. 1982 the Mesolithic of Afghanistan in International Uni  
on for Quarternary rese-arch. XI congress Moscow. August 1982 Abstruch vol  
III.

## مند یگک

اشیا ی سنگی :

اشیا ی که درین جا مورد مطالعه قرار میگیرند در بر گیرنده آن اشیا ی هستند که مورد استفاد ه واستعمال قرار گرفته اند. اشیا ی از قبیل مهره ها تعویذ . ظروف کوچک و غیر ه اشیا ی ساخته شده از سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی و یک تعداد دیگر اشیا تحت عنوان اشیا ی گوناگون کوچک مورد بررسی و مطالعه قرار خواهند گرفت . در تمامی دور ه مسکونی در مند یگک او غور مستطیل همرا ه با دسته بیضوی الشکل ثبت گردیده است . ( شکل ۳۷.۳ ب) اغور های سنگی از پارچه سنگ های در شست مرمر سیاه ساخته شده اند اکثر سطح هموار داشته و گاهی نظر به میزبان استعمال شکل معقر را به خود گرفته اند و گاهی به شکلی که انجام آن بالا آمده باشد نیز به نظر رسیده اند . بعضی ازین اغور های سنگی سطح بدو ن استفاد ه یعنی صاف داشته اند دسته این اغور ها از سنگ مرمر سیاه صاف ساخته شده و نشانه یا علامه سایش دریک یا هر دو سطح آنها دیده میشود . علاوه بر اغور های مستطیلی

ودسته های آنها بعضی ها و ندهای در شست و ناصاف از دور ه اول مند یگک نیز کشف گردیده اند (شکل ۳۷.۳) نوع دیگری تخته سنگ که جهت ساییدن و کوبیدن حیوانات از آن استفاده میگردید از مرحله پنجم دور ه اول الی مرحله ششم دور ه سوم کشف گردیدند و سنگ مذکور سوراخ شده می باشد .

سنگ پهن از آهک سفید «وزنه» نیز از ین دور ه ها کشف گردیده اند . سنگ های همرا ه با محور های طویل ترسیم شده در مرحله چهارم دور ه سوم نمایان گردیدند و به طور قابل ملاحظه تا دور ه های متبای قی افزایش یافتند (وزنه - برابر ؟ (شکل ۳۵.۳ شماره پنج) کج بیل های ذوذنقه شکل دست کاری شده جهت دسته نمودن و دارای صیقل که در نتیجه استفاده چنین صیقلی را به خود اختیار نمود ه اند از پایان دور ه اول الی تمامی دور ه های بعدی ثبت گردیدند .

از آغاز مرحله چهارم دور ه اول تا تمامی دور ه های بعدی در

مند یگک نوع تراشند ه کارد مانند که از قشر پارچه های بزرگ تولید و ساخته میشدند (شکل ۳۴.۳ شماره های یک و دو) کشف گردیده اند این پارچه ها معمولاً دارای یک لبه دست کاری شده داشته اند و گاهی در اثر استعمال زیاد صیقل یافته اند . ابزار چقماقی اولین بار دور ه دوم بشکل تیغه ها و نوک ها پدیدار گشتند .

در ابتدا این تیغه ها بزرگ مثلی ( دور ه دوم ) ( شکل ۳۴.۳ شماره سه ) و ذوذنقه شکل ( دور ه سوم ) بوده اند ( شکل ۳۴-۳ شماره چار ) ابزار دارای برش های متقاطع ندر تا به ملاحظه رسید ه اند . در مراحل پنجم و ششم دور ه سوم استعمال ابزار کوچک ( مایکر و لیت ) ( دو الی پنج سانتی متر ) و تیغه هابه پیمانه زیاد معمول گشتند و در سرا سر دور ه های متبای قی نیز معین گردیدند . پارچه های دولبه نوک دار حقماقی اولین بار از مرحله دوم دور ه دوم کشف گردیدند و تا دور ه های متبای قی ادامه یافتند . ( شکل ۳۴.۳ شماره

های هشت و ده دونوع آن به اسامی انداز . های بز رگ و کوچک همراه با چند نمونه بی نهایت نوک ها که از مرحله ششم دوره سوم کشف گردید . اندقابل دوره سوم کشف گردید . اندقابل تشخیص میباشند . در دور چهارم نوع جدید نوک سه گوشه بی داری قاعده مدور ساخته شد که تادوره پنجم ادامه پیدا نمود ( شکل ۳۴.۳ شماره یازده و سیزده ) این نکته مهم قابل تذکر هست که تمام نوک ها به یک پیمانه و کمیت مساوی کشف گردید . اند . دوره چهارم نیز با چندین نمونه کوچک از اشیای استوانه دارای پهلوهایی محدب الشکل که قسمت مرکزی آنها سوراخ شده میباشد و شیوه ترسیمات هندسی که در ظروف کویته بکار رفته در جوانب آنها حک گردید . متمایز میگردد . ( شکل ۳۴.۳ شماره هاشش و هفت ) این اشیای از مرمر سفید و دیگر سنگ های سخت تولید شده اند . چند پارچه کار نشده سرب طبیعی نیز از دور چهارم کشف گردید اما تاحال منظور بکار برد و یا استفاده از آن واضح نگردید . است .

#### اشیای استخوانی:

ازنگاه نوع محدود بوده و تنها به صورت فزاینده در دوره های اول الی سوم ثبت گردید . اند. کزل (۱۹۶۱۰۲۳) برین عقیده هست که بخش اشیای استخوانی نوک دار همراه با استعمال نوک های برونزی یکجا توسعه یافتند . اکثریت متعدد اشیای استخوانی شامل صدها پارچه درفش و سوراخ کن ها میشوند (شکل ۳۴.۳ شماره چار) این درفش ها یاسوراخ کن ها از استخوان های طویل حیوانات متنوع (گوسفند یا بز؟) ساخته شده و در اثر استعمال و استفاده پالش یافته

اند . اولین نمونه ازین نوع در مرحله سوم دور اول ثبت گردید و تا مرحله سوم دور دوم به صورت فزاینده افزایش یافتند (هشتاد و هشت پارچه) و به طور متداوم در سراسر دور سوم کاهش یافتند تا اینکه در دور چهارم کمیاب گردیدند . نوع دیگر ساخته های استخوانی که تنها از دور اول کشف گردیدند (سه نمونه) . این اشیای استخوانی عبارت انداز پارچه های کوچک پالش شده مستطیلی که دارای چندین سوراخ می باشند . استفاده و بکار برد از آن ها تاحال معلوم نیست . مرهم کش های استخوانی به کثرت از دور سوم کشف گردیدند . وبرخلاف درفش ها و سوراخ کن ها از سراسر دور چهارم نیز باز یافت گردیدند . نمونه های کمیاب و نادر میله های استخوانی همچنان از دور های سوم و چهارم نیز کشف گردیدند .

#### ساخته های فلزی :

ساخته های فلزی اولین بار از مرحله دوم دور اول کشف گردیدند و از تمامی دور های بعدی نیز بدست آمدند . قدیمی ترین نمونه فلزی عبارت از آله هموار تیغه مانند میباشد که دارای یک انجام برآمده بوده و شاید حصه دسته نمودن تیغه بوده باشد (شکل ۳۵.۳ شماره ده) ساخته فلزی که در تمام دور های مندیگ کشف گردید عبارت از نوع نوک با سوراخ کن برونزی میباشد که دارای برش های متقاطع و دایروی بود (شکل ۳۵.۳ شماره یازده) و این ساخته فلزی اولین بار از مرحله چهارم دور اول آشکار گردید و در دوره چهارم جاگزین درفش و سوراخ کن استخوانی گردید . یگانه نمونه این سوراخ کن یا درفش از

مرحله سوم دور چهارم کشف گردید که هنوز هم در دست استخوانی نصب است و این خود استعمال و بکار برد آنرا بحیث آله سوراخ کن معین میدارد . اولین نوک های پرتاب شوند که شکل و صورت نیز راداشته و دارای برش های متقاطع بیضوی بود و در مرحله سوم دور دوم تشخیص گردیدند و این نوع آله به کثرت و به صورت فزاینده در دور های بعدی به ملاحظه رسیدند (شکل ۳۵.۳ شماره های دوازده و سیزده) در دوره سوم ساختن نوک لوزی مانند زبانه دار و در دور چهارم نوک بیضوی الشکل معمول گشتند . سلاح هایی که از دور چهارم کشف گردیدند عبارت انداز نیزه سر دار بزرگ (شکل ۳۵.۳ شماره شانزده) و کارد (شمشیر) (شکل ۳۶.۳ شماره چهارده) اما این ساخته ها بسیار نادر و کمیاب بوده اند .

اولین نمونه اشیای (تجملی) فلزی در مرحله سوم دور دوم معین گردیدند که شامل دوساخته فلزی میشود که هر دو عبارت از سیخک فلزی که انجام یکی آن دارای دو حلقه بوده و دیگر آن دارای انجام پهن سوراخ شده می باشد . (شکل ۳۶.۳ شماره هاشش و هفت) همچنان سیخک های مشابه که دارای انجام های پهن و میله های تاب خورده بود از دور سوم نیز کشف گردیدند . (شکل ۳۶.۳ شماره هشت) ساخته های فلزی (تجملی) به تعداد بیشتر و انواع مختلف ازمرحله اول دور چهارم کشف گردید . در جمله اشیای مکشوفه ناانلیک (اسچظک - سزکخک) سر آیینی های دسک مانند معقر (شکل ۳۶.۳ شماره سیزده) سیخک های دارای انجام های دو حلقه ای

تا ب خورد ه سیخك های دارا ی سر پهن و هموار ( شكل ۳۶.۳ شماره هجده و بیست ) دسته های آینه ها شامل میباشند . این نکته مهم قابل تذکر هست که حد اقل دو نمونه دكمه تزینی گذاخته (۴)

شده آهنی در جمله اشیای بازیافت شده میباشد که در دوره چهارم کشف گردیده اند اشیای فلزی که بیشتر در دور ه های سوم و چهارم مورد استفاده قرار گرفته اند عبارت اند از کارد های منحنی الشكل یا داس ها (شكل ۳۶.۳ شماره های هجده و بیست ) دست های آینه ها و سگك شامل میباشند . این نکته مهم قابل تذکر است و دو نمونه دكمه تزینی گذاخته (۴)

شده آهن در جمله اشیای بازیافت شده می باشد که از دوره چهارم کشف گردیده اشیای فلزی که بیشتر دور ه سوم و چهارم مورد استفاده قرار گرفته اند عبارت اند : کارد های منحنی شکل یا داس شماره های يك و دو) اسكنه ها و چنگك های شانه مانند: که تنها چند عدد محدود آن هادر دوره چهارم مورد استفاده و استعمال قرار گرفته اند . سه ساخته فلزی مهم از مرحله ششم دور ه سوم کشف گردید که شامل دو عدد تیر و يك عدد تیشه میگردند . (شكل ۳۶.۳ شماره های سه و پنج) (۳۸۹.۳) همچنان ساخته های فلزی زیادی قابل بکاربرد و استفاده و اشیای (تجملی) فلزی از دوره پنجم نیز کشف گردیدند .

تجزیه و بررسی عناصر بعضی از این ساخته های فلزی نمایانگر جهات دلچسپی هست در مورد مغلقیت صنعت فلزکاری اشیای ساخته شده . تجزیه و بررسی يك ساخته فلزی مرحله پنجم دور ه اول نشان دهنده این

امر است که برونز مذکور دارای مقدار پایین قلعی بود ه یعنی مقدار یا انداز ه قلعی در آن يك فیصد آهن صفر اعشاریه پانزده فیصد و باقی ماند ه مواد مذکور مس میباشد . این ترکیب شنیده بر عكس مواد کشف شده از غار مار میباشد که دارای مقدار زیاد قلعی بود ه و ازنگاه تاریخی ساحه مذکور مقدم بربر مندیك می باشد . ساخته های فلزی که از دور ه سوم مورد تجزیه و بررسی قرار گرفته اند تنها تبر ها و تیشه آن همان مقدار معمول موادراجهت ساختن برونز در خود دارند . این ساخته فلزی تقریباً دارای پنج فیصد قلعی میباشد که بلند ترین رقم ثبت شده در مندیك می باشد . این تباین و فرقی است نسبت به ترکیب ساخته های فلزی این دور ه که مشابه هست با دور ه اول مندیك . قدرت بکاربرد تبر ها و تیشه ها به حیث ابزار متکی اند برونز ، قوت و سختی آنها . چنین مشخصات با داشتن مقدار بلند قلعی حاصل میگردد . اشیای دیگر چون نوك ها ، سیخك ها و یا کارد ها که بکاربرد آنها مختلف بوده و دارای مشخصات مختلف نیز میباشد درین امر در داشتن مقدار پایین قلعی آنها منعکس گردیده است . ازینرو در دور ه سوم مشخصات مختلف ترکیب الیاژهای متنوع شناسایی گردیدند و صنعت فلزکاری وارد يك مرحله جدید مغلقیت و یا احتمالاً تخصصی قرار گرفته بود و یا در حالت وارد شدن قرار داشت . در دور ه چهارم مقدار قلعی بعضی از اشیای مانند سیخك ها به پیمانه کمی ( يك اعشاریه پنج ) فیصد افزایش یافتند مقدار سرب ( يك اعشاریه شش) فیصد معین گردید و عناصر دیگر نیز در ترکیب برونز شناسایی گردیدند .

اشیای متنوع كوچك : حلقه های دوک :

از مرحله چهارم دور ه اول و دور ه دوم دونوع حلقه های دوک تیکری کشف گردیدند نوع عمده آن عبارت از دوک مخروطی الشكل (شكل ۳۴.۳ شماره پانزده ه ) نوع دیگر آن عبارت از مخروطی شکل بدون سر میباشد ( شكل ۳۴.۳ شماره های شانزده و هفده ) هر دونوع آن در وسط خویش دارای سوراخ میباشد . در دور ه سوم هر دونوع مخروطی الشكل کاهش یافته و در مرحله پنجم دور ه سوم الی دور ه پنجم دوک های تیکری و سنگی ( سنگ صابون ) دسك مانند جاگزین آنها گردیدند . ( شكل ۳۴-۳ شماره های هجده و نوزده ) .

ظروف سنگی :

نوع عمده ظرف سنگی عبارت از کاسه معمولی میباشد که جدار های آن مستقیم گوشه دار بود ه و از سنگ رخام ساخته شده است (شكل ۳۵-۳ شماره های يك ، دو ، ۳۶۹.۳) این ظرف اولین بار در مرحله دوم دور ه اول ثبت گردید و در مرحله ششم دور ه سوم افزایش یافت و بیک کمیت بیشتر در دور ه چهارم معین گردید . در دور ه چهارم افزایش مهمی ازنگاه نوعیت شکل ظروف و نماسه الی نه ) که شامل ظروف ذیل میشود . جام های كوچك دارای جدار راست و برآمد کاسه های دارای جدار خمیده ، پیاله ها یا قدح های پایدار . کاسه های دارای جدار کوتاه عمودی ، ظروف كوچك پنج ضلعی و قدح های گردندار . بسیاری ازین ظروف سنگی دارای تزینات حک شده هندسی بود ه و شباهت به تزینات ظروف تیکری دارند که در جدار آنها چنین تزینات به ملاحظه رسید ه هست .

مهره ها : تنها چند عدد محدود  
 مهره ها از مرحله سوم دوره اول  
 و دور دوم کشف گردیدند اکثری  
 شکل مهره های که در دور ه های  
 اولی تشخیص گردیدند در تما می  
 دوره های بعدی نیز یکسان بوده  
 اند و عبارت اند از : انواع مهره  
 های دسک مانند لوله یی، دوزنقی  
 استوانه یی، مخروطی دوجانبه،  
 بیضوی و لوزی، اشیای مذکور  
 از سنگ های ذیل ساخته شده اند  
 انواع مختلف سنگ های سفید  
 سلیت آهکی. صد ف لاجورد (؟)  
 ششم سبز (؟) سنگ آبی رنگ  
 (فیروزه) سنگ سیاه یا خاکی  
 (سنگ صابون ؟) عقیق جگری  
 (دودانه) کوارتز و تیکر، دوره  
 سوم شاهد افزایش مهمی مقدار  
 کمی مهره ها بود که نصف  
 این باز یافت ها مرتبط با قبور  
 مرحله ششم دور سوم بوده و  
 اکثریت متباقی آن نیز از مرحله  
 ششم دور مذکور باز یافت گردیده  
 اند مهره های عمده این دوره از  
 سنگ صابون (یازده دانه) کوارتر  
 (سیزده دانه) سلیت آهکی و  
 لاجورد (چار دانه) ساخته شده اند  
 دوره چهارم و به خصوص مرحله  
 اول آن زیاد ترین تعداد مهره ها را  
 دارا بوده هست. گذشته از شکل  
 مهره ها که قبلا تشریح گردیدند یک  
 تعداد مهره های دیگر که دارای اشکال  
 جدیدی میباشند تشخیص گردیدند  
 و عبارت اند از : مخروطی دوسره  
 کوچک مخروطی دوسره چندین  
 رویه ستاره دارای هشت نوک.  
 مخروط بدون سر. مستطیل دارای  
 برش های متقاطع بیضوی، بیضوی  
 همرا با برش های متقاطع ستاره یی  
 و مهره های دارای اشکال غیر  
 منظم. لاجورد. عقیق جگری و  
 صد ف از زمره مواد اند که بیشتر  
 مهره ها از آنها ساخته شده اند.  
 مهره مثبت کاری شده اولین بار

در یک مهره از عقیق جگری مستطیل  
 الشکل که سنگ دیگری بشکل  
 هشت انگلیسی در آن مثبت کاری  
 بود به ملاحظه رسید. همچنان  
 مهره های پروزی اولین مرتبه به  
 شکل لوله وزنگ کو چک که در  
 وسط خویش دارای زنگوله توپ  
 مانند میباشد کشف گردید.  
 مهره های مشابه (به استثنای  
 لاجورد) در دور پنجم تشخیص  
 گردیدند اما مقدار و تعداد آنها  
 اندک اند.

مهره ها: (شکل ۳، ۴، الف و  
 ب) یک نمونه مهر حجره دار  
 دارای تزئینات هندسی ساخته  
 شده از سنگ صابون از مرحله  
 دوم دور دوم کشف گردید. چنین  
 مهره ها به صورت فزاینده در  
 مرحله ششم دور سوم (۳۰ طغرا)  
 افزایش یافتند گرچه یک تعداد از  
 این مهره ها از مراحل قبلی دور  
 مذکور نیز کشف گردیدند. بطور  
 مثال از مرحله چهارم دو طغرا و  
 از مرحله پنجم سه طغرا اکثریت  
 بیشتر از این مهره ها مستطیل  
 شکل بود و دارای دوسوراخ در  
 مرکز خویش میباشند همچنان مهر  
 های همانند ساخته شده از  
 استخوان از مرحله پنجم دور  
 سوم (یک طغرا) و از مرحله  
 ششم دور مذکور (سه طغرا) کشف  
 گردید. افزایش مهمی دیگری در  
 رابطه با مهره ها در دور چهارم  
 واقع گردید بدین معنی که چندین  
 نوع مهره ها که دارای اشکال  
 هندسی جدید بودند شناسایی  
 گردیدند. مطلب قابل تذکری در  
 رابطه با شکل مهره ها عبارت از  
 شکل مهری میباشد که لب های آن  
 پریده گی داشته و این پریده گی  
 تمام اطراف مهر را احاطه نموده  
 هست.

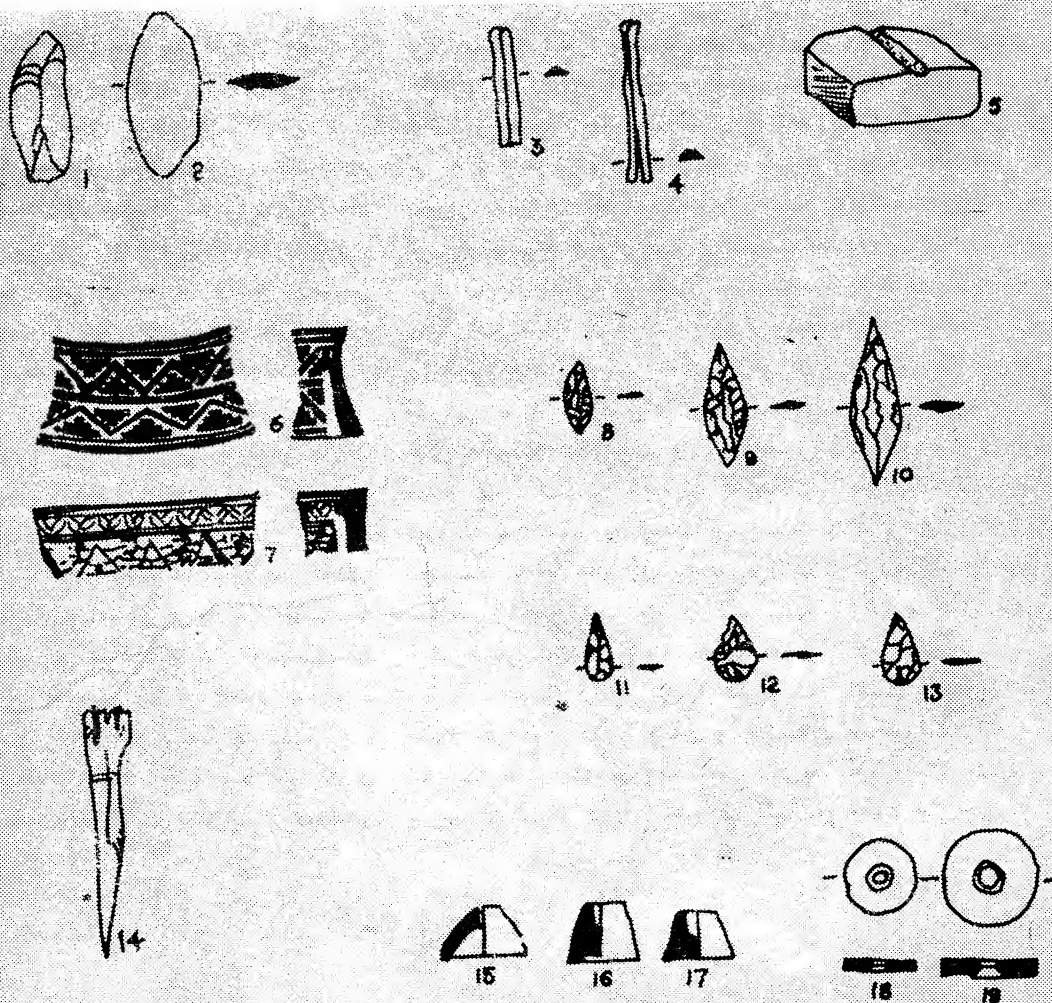
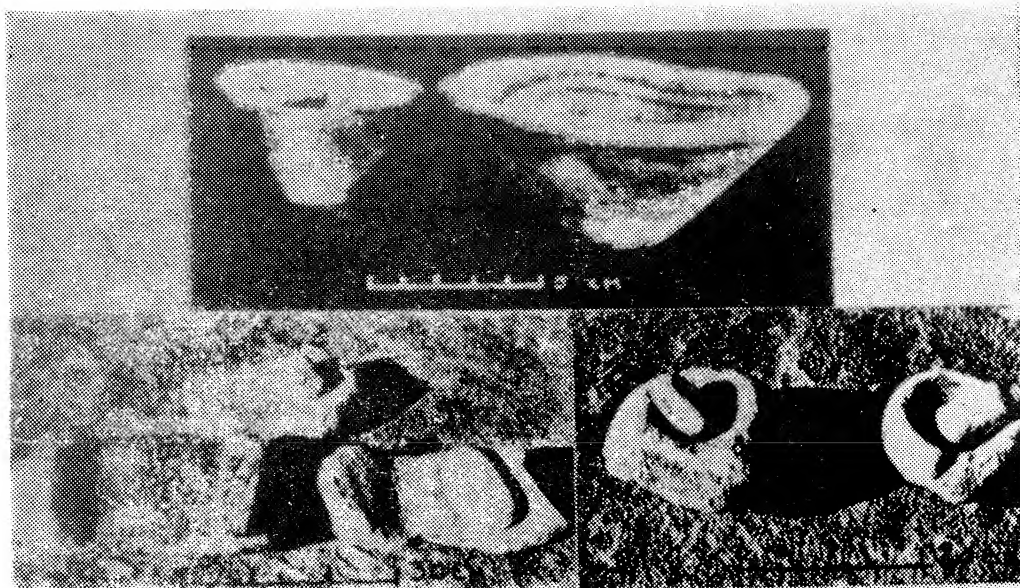
مهره های فلزی که از آخرین  
 مرحله دور چهارم کشف

گردیدند خیلی اندک بود و تنها  
 یکی از آن دارای تزئینات حیوانی  
 میباشد. تنها یک مهر حجره دار  
 متعلق بدور پنجم دانسته شده  
 است.

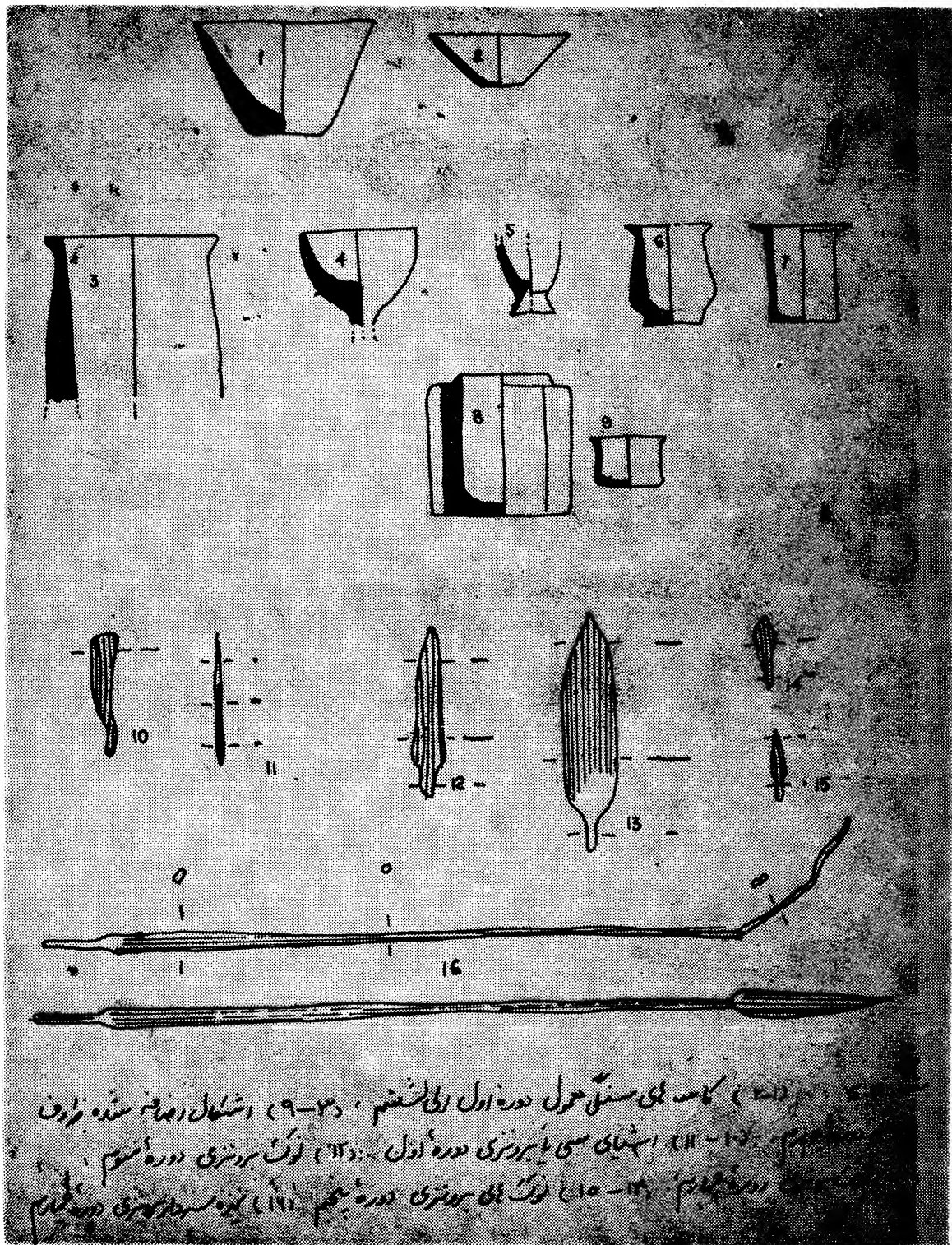
مجسمه های کوچک تیگری :  
 (شکل ۳۹.۳) تنها چهار مجسمه  
 کوچک گاو کوهاندار از مرحله  
 سوم الی پنجم دور اول کشف  
 گردیدند. گزل اظهار نمود که  
 این مجسمه ها در دوره دوم افزایش  
 یافته اند اما کمیت آنها را تذکر  
 نداده است. یک نمونه مجرور  
 مجسمه کوچک انسان از دور دوم  
 کشف گردیده است. این مجسمه  
 کوچک انسان ناتمام بوده و بدون  
 دست و پا میباشد و جنس آن هم  
 نامشخص میباشد.

مجسمه های کوچک حیوانات  
 و انسان ها به تعداد زیادی از  
 دور سوم کشف گردیدند. مجسمه  
 گاو ها مخصوصا در مرحله  
 اول دور سوم زیاد بوده (در  
 مرحله اول دور سوم) (هفتاد و  
 یک مجسمه) اما بعدا به صورت  
 تصاعدی در مراحل بعدی دوره  
 مذکور کاهش یافتند (در مرحله  
 ششم دور سوم سی مجسمه) هم  
 چنان دو مجسمه کوچک که شباهت  
 به بز دارند از مرحله اول دور  
 سوم باز یافت گردیدند. افزایش  
 مشابها را میتوان در مورد مجسمه  
 های کوچک انسان ها نیز معین  
 نمود. متاسفانه گزل محاسبه  
 دقیق و درستی در مورد ندارد اما  
 راجع به افزایش آنها اشاره  
 نمود است (مرحله اول دور سوم  
 پانزده مجسمه کوچک انسان)  
 این مجسمه های کوچک غالباً مجسمه  
 زن ها بوده که دارای سینه های  
 برجسته و در حالت استاده می  
 باشند بازوان آنها مانند بال ها  
 پیش برآمده نشان داده شده در  
 حالیکه قسمت پایین تن آنها توسط ران

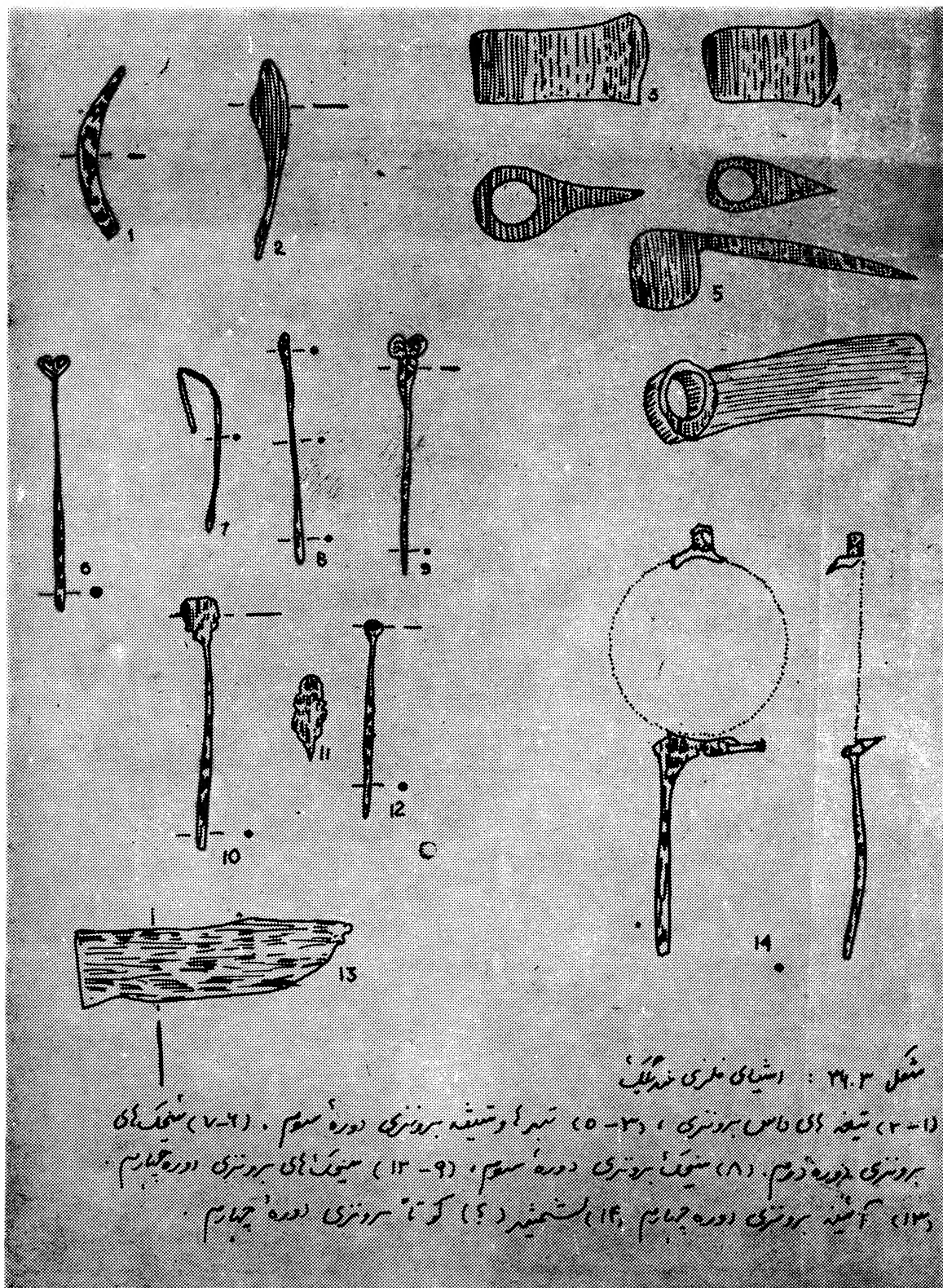




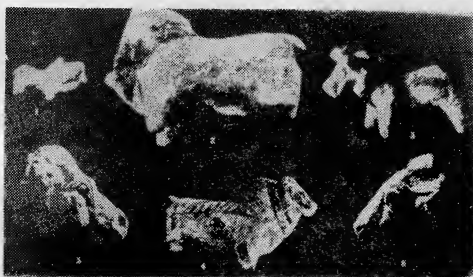
شکل ۳۳. اشیای سفوفش نندگیلک : (۱-۳) پارچه‌ای رنگ‌کاری شده، (۴-۷) تیغه‌ای از سنگ تراشیده روشن  
 (۵) سنگ خط‌کوبه شده (۶-۷) اشیای سنگی حک شده، (۸-۱۰) لوک ۴ از تراشیده روشن دوره اول الماشتم  
 (۱۱-۱۳) لوک ۴ از تراشیده روشن مرحله ششم دوره معظم و دوره ششم (۱۴) لوک رستخالی (۱۵-۱۷) لوک مخروطی تیکری  
 (۱۸-۱۹) لوک‌های رستک مانند تیکری رستخی





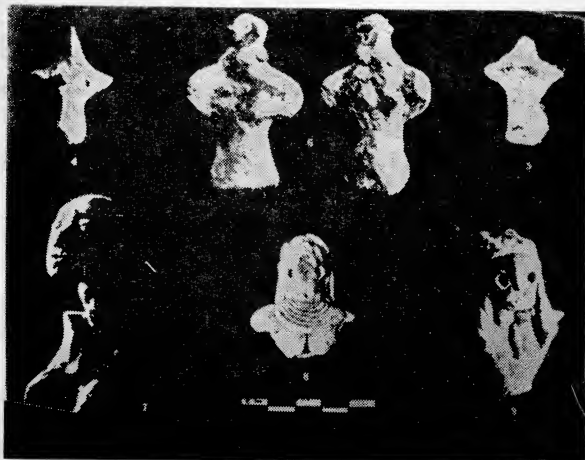


شکل ۳: ۳۸ مندیگک و  
اشیای مسی یا برونزی آلف  
تیرها و تیشه برونزی ، کارد  
مسی یا برونزی همراه یادسته  
استخوانی .

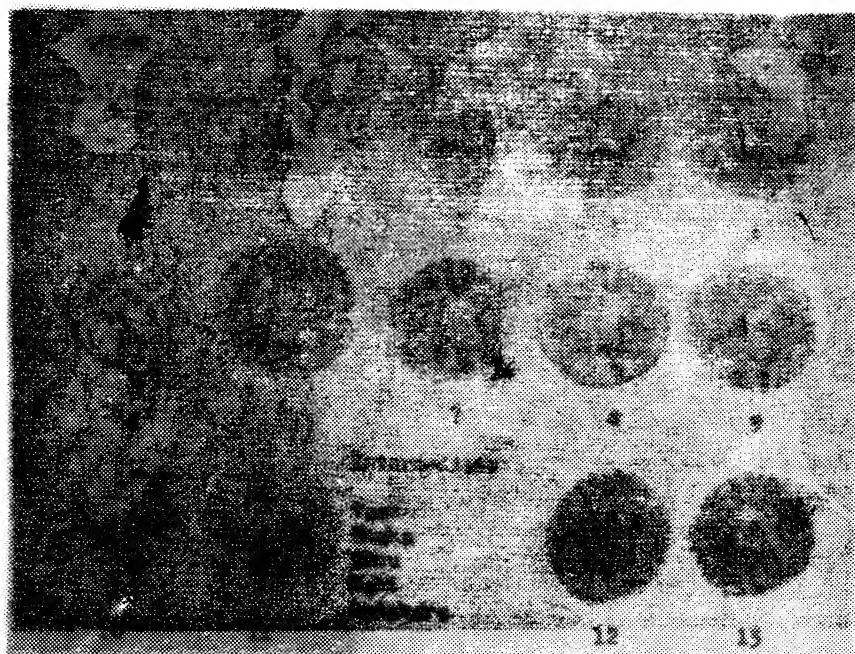
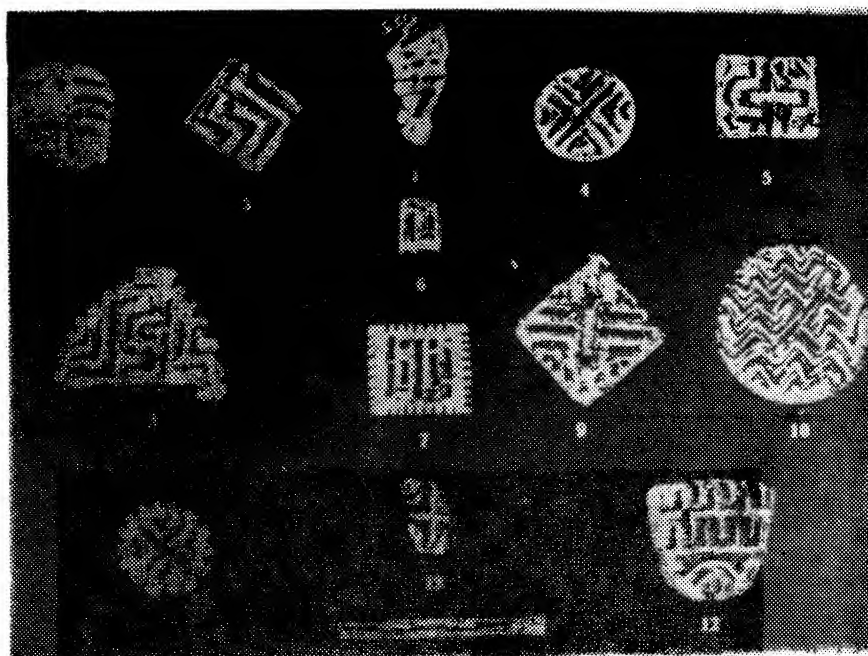


شکل ۳: ۳۹ (الف) مندیگک  
مجسمه های کوچک حیوانات  
(تیراکوتا) دوره های مختلف

شکل ۳: ۳۹ (ب) مندیگک  
مجسمه های کوچک انسان  
(تیراکوتا) دوره های مختلف.



شکل ۳: ۴۰ (ای) مندیگ  
مهر دکه مانند سنگی .



شکل ۳: ۴۰ (ج) مندیگ  
سر مجسمه از سنگ آهک  
سفید مر حله سوم دوره چهارم

هموار و پهن منماید گردیده. قسمت پایین تر از آن ها هیچ ریخت یا قالب نگردیده است. مجسمه كوچك دارای تزئینات نقطه گذاری در حصه گردن خویش بوده که نمایندگی از گردنبند آن می نماید.

دوره چهارم آخرین دوره هست که مجسمه های كوچك تیکری به يك کمیت کم در آن به مشاهده رسیده دونکنه مهم در مورد مجسمه های كوچك دوره چهارم قابل یادداشت میباشد.

یکی آنکه ساحت مذکور بصورت افقی کاوش گردیده که نظری بدور ه های قبلی که کاوش در آنها انجام پذیرفته مابینت دارد و کمیت مجسمه ها درین دوره اندک به نظر می آیند و این مساله راطوری وانمود می نماید که واقعا درین دوره ساختن مجسمه ها نظر بدوره های قبلی کمتر بوده هست.

دوم اینکه مطابق با معلومات حاصل شده این مجسمه ها بصورت واضح و آشکار از هر دو بنا (قصر) و (معبد) غایب اند. کشف مجسمه ها محدود به ساحه مسکونی میگردند که توسط دیوارهای احاطوی محاط گردیده اند و یا از همان ساحت دور ه های قبلی کشف گردیده اند. اکثری مجسمه حیوانات عبارت از مجسمه

های گاو های کوها ندار و یا گاو میباشند. چندین مجسمه حیوانات که دارای تزئینات رنگ آمیزی شده رنگی و یا دارای تزئینات به شکل بافته شده در حصه گردن خویش میباشند کشف گردیده اند چند مجسمه که نمایندگی از بره بزغاله و یا بز و یا بز کوهی می نماید همراه با یک مجسمه خوگ نیز کشف گردیده اند مجسمه انسان ها غالباً شامل مجسمه های زنهای میشوند. مجسمه با ارزش واستثنای مردی که توسط چند رنگ منقوش گردیده نیز از جمله باز یافت های این دوره به حساب می آید اکثریت مجسمه زن ها دارای روی کشیده سینه های برجسته چشمان ساخته شده از مواد دیگر باز و های بال مانند سرین پهن و گدشته ازین ها نیمرخ نسبتاً هموار دارند گردن بند های نقاشی شده و ساخته شده از مواد دیگر و ترتیب وتنظیم مواد که نمایندگی از موی سر می نماید در بسیاری از نمونه های مجسمه ها تثبیت و تشخیص شده اند. تمامی مجسمه ها بحالت ایستاده اند و به استثنای يك مجسمه که پا های آن به صورت متقاطع به نظر می آید و تا پیشرویش امتداد یافته است. دو نمونه مجسمه زن ها که به صورت مدور طرح و قالب شده و به مجسمه های «ذوب» نسبت داده شده اند - از دوره چهارم کشف

گردیده اند. تنها قسمت با لای این مجسمه هابدون دست و پا کشف گردیده اند. این نوع مجسمه اکثراً به حالت نشسته از ساحت دیگر باز یافت گردیده اند. برعکس دوره چهارم تنها یک نمونه مجسمه زن از دوره پنجم کشف گردیده است.

#### بقایای حیوانی و نباتی :

بقایا و باز مانده های حیوانات اهلی اولین بار در دوره اول تشخیص شدند که شامل باز مانده های گوسفند، بز، گاو، خر، اسب و سگ میگردند. بقایا و باز مانده های حیوانات وحشی عبارت اند از بقایا و باز مانده های آهو، بز کوهی و پشک وحشی دوره دوم عین ترکیب بقایا و باز مانده حیوانات اهلی و وحشی دوره اول را داشته با اضافت بقایا و باز مانده های پرنده های شکار شده. اولین باز مانده مهمی نباتی که این دور ه کشف گردید عبارت بود از گندم اهلی شده، در دوره های بعدی عین بقایا و باز مانده های حیوانی که قبلاً تذکری از آنها رفت کشف گردیدند اما هیچ نوع بقایا و باز مانده های نباتی تشخیص نه گردیدند با آنهم این مساله واضح است که ساکنین مندیگك از اوایل سکونت گزینی شان در ساحه از حیوانات و نباتات اهلی شده سود می جستند.



# د تاريخ نه مخکې د سمبوليزم پر نسيپونه

د نقطې نظره يو لړ مطالعې او څيړنې ايجې بوي . بيله شکه دسمبول د تعريف او تو ضيح په باب بيلا بيل ډول تعبيرونه مو جود دي چي مونږ دلته دمو - ضوع درو بڼا نه کو لو په مقصد د موضوع په ارتباط ديو لړ - مسايلو يا دونه کوو :

سمبول د دواړو برخو يعنې دعلامو نښو اوهم د مفا هميو او مجسمو لرونکي دي . چي د هغه پوهيدل دخبرو اترو د قر يني څخه ښکاري . بايد څر گنده کړو چي بيله شکه نښي او علامي دتصوير اومجسمو په پر تله زيات لر غو - نتوب لري . دهغه وخت را هيسي چي هغه دحرو فو څخه بيل شوي دي لر غوني بڼي يي په حيوانا نواو دهغو د ژوند په طرز پوري اړه لري آهنک يي يوبل ډول تشکيلوي چي دنښو او علامو په پر تله زيا ته لومړي سر کي دنښو او علامو سيستم او وروسته هنري تصوير - ونه او مجسمي او د هغه سره مطاب - بق دتاريخ نه مخکې دورا ن دسمبول - ليزم ظهور Anthropologenesis په دوره کي دپو لنيز وپيژندل شوو آهنکو نو په وسيله ټاکل کيږي .

شوي ده چي دا رمنيا نو د کلتوري اوهنري سټ ونزو د حل په برخه کي په اروا نا کي په ۱۹۸۲ کال جوړ شوي او پخپله دمقا لسي ليکوال هم گډو ن پکي کړي و . نوموړي کنفرانس کي دمناقشو او مقالو په ترڅ کي حتي يو لړ هغه موضوعات چي په پرو گرام کي شاملې نه وې هم و څيړل شوي . چي په هغه لړ کي د هنر داصلي منشاء مسئلې زيا ته يا ملر نه خائنه را وا ړو لسه په تيره بيا په ارمنستان اونورو هيوادو نو کي دتاريخ نه مخکې آثارو او دپاد گارونو په باب د زيا تو تحليلي څيړنو په لړ کي په هنري فعا - ليتونو کي دسمبول دريځ او نقش په هکله مربوطي پوښتنې رامنځ ته شوي ځکه چي په واقعيت کي سمبولو نه چي د هنري فعا - ليتو نو سره نه شليدو نکي اړيکي لري دبشر د لر غو ني کلتور په زړه پوري برخه تشکيلوي .

بر سيره په دي حقيقت چي دا ډول پو ښتنې بيلا بيل اړخونه لري او تاريخي فيلو لو جکي او نورو اړخونو له پلوه مطالعو ته اړ تيا لري خو سره له دي هم دغه برخه دهر څه نه زيات د تاريخي او لر غو ن پيژند نسي

په دي و روستيو وختو نو کي د لر غوني پړاونو دهنري ودې پو لنيز فکر او شعور اوهمدارنگه په مجموع کي دبشر د غير ما دي فرهنگ داساسي برخي په ارتباط د تاريخ نه مخکې سمبولونو په باب علاقه او پا ملر نه زيا ته شوي ده . ددي موضوعاتو په باب څيړنه ځکه دزيات اهميت وړ - گرځيد لي ده چي دبشر دپيژندني ساحه اودتاريخ نه مخکې کلتور - رونه او په تيره بيا د بشر لرغوني تقليد شوي هڅي دهغو سره نژدي اړيکي لري .

د تاريخ نه مخکې د لر غوني هنر په باب څيړ نو په پو له نړي او په تيره بيا په يور شيا کي ښود لي ده چي پيره په خوا يعني په حقيقت کي د تاريخ نه مخکې دورا ن کي انسانانو هڅه کړي ده چي دوي دسمبولونو درا مينځ ته کو لو مربوطو فعاليتو نو ته دهنري پوهي او احساس سره ځانگړي ترکيب ور کړي او دغه دواړه فعاليتو نه سره گډ کړي . داوسنيو څيړ نو يو هدف دا دي چي د لر غو نو سمبولو نو پټ او مبهم مسايل رو بڼا نه کړي . دغه مقاله د هغه پنځ - جمهوري کنفرانس لپاره تهيه

موږ نن ورځ دښو اوغلا مو  
 څخه دسمبول پهخوا دحر کت او  
 بدلون د لاری په برخه کی څه ناڅه  
 رو ښا نه نظر یات چی نسبی هما-  
 هنگی سره لری په اختیار کی لرو  
 مون په عمده چول دارو پا دلو یی  
 و چی یعنی هغه سیمی په باب  
 بڼغیرو کوم چی دلومپی خل لپاره  
 یی دبشری او سید لو له امله خپله  
 بڼه بد له کړه ( تقریبا یو ملیون  
 کاله مخکی ). کله چی پخوانیو-  
 انسانانو اروپا و موند له نو دوه  
 عمده سرکو نه کش شول چی په  
 همزمانه تو گه یی دافریقا یی-  
 اوسیدو نکو سره و دهوکله او  
 تر اوسه پوری دغه دوی لاری  
 پیژندل شوی دی . (۲) باید وویل  
 شی چی لویدیځه لاره یی دجبرالتار  
 هسپانیا او فرانسی پهخوا کشی  
 شوله په داسی حال کی چی ختیځه  
 لاره د قفقاز څخه تیره او دختیځی  
 ازو پا جنو بی برخی ته ورسیده.  
 دسمبولو نو د تعبیر او  
 تفسیر په برخه کی د همدی مقالی  
 دلیکوال د عقیدی له مخی ویلا ی  
 شو چی سمبولو نو د خپلی-  
 منشاء او اساسی څخه دوه جریانه  
 او دوه بیلا بیل تمایلات تعقیب کړی  
 دی : دښو او علامو تمایل او لاره  
 چی په وروستی تحلیل کی دعلم او  
 ساینس د ودی سره سم ظهور کړی  
 دی ، ( د حساب او ریاضی  
 دسمبولو نو سره یی مقایسه کړی)  
 او بل تمایل هم د تصویرو نو او  
 مجسمو په برخو کی و چی دنری  
 د ښکلا پیژندنه سره یو ځای  
 شوی دی ډیری داسی بیلگی شته  
 چی دهغو له مخی د لرغونی ډبرو  
 د عصر په لومړی پړاو کی تولید  
 شوی دکا رافزارو یو شاتنه والی  
 څر گندیږی . ( چی په ارمنستان  
 کی د تبرو نو د بیلگو یا دونه کولای  
 شو ) چی هغه هم د لرغونی زمانی  
 د گرافیکو تصویرو نو ددوه اړخیزه  
 خصوصیا تو لرو نکي دی .

( د معیاری سامان او وسایلو  
 په فو سیلو بدلیدو مفکور ه ) (۳)  
 دهغو بڼه اصلا دخپلی اصلی بڼی  
 څخه دوخت په تیریدو سره بدلون  
 مومی همدارنگه د تکنالوژی دودی  
 له مخی تولید شوی سامان آلات  
 اومحصولات هم دیوه نسل څخه  
 بل نسل ته وده او پرمختیا کوی.  
 اړ واز په واز یی ښکلا او گټورتوب  
 لاپسی زیاتیری . بیلگه شکه د ډبري  
 د لرغونی عصر د لومړی پړاو  
 مربوط سامان آلا تو داندازی  
 او شمیر دسیستم په رامنځ ته  
 کولو کی یی ستر رول لوبولی  
 دی چی په وروسته کی دهمدغی  
 نظری په بنسټ را پیداشوی سیستم  
 عنعنوی او روا جی بڼه ومونده. چی  
 هغه دلومپی خل لپاره پ-  
 نژاتین او ډیزاین شوو گاهو کی  
 او وروسته بیا په لومړنیو او حتی  
 ډبرو ساده اونطفه یی هنری تصو-  
 یرونو کی چی د تاریخ نه مخکی  
 د لرغونی ټولنیز ژوند او دبشری  
 ټولنی لومړنی نښی ښای رامنځ  
 ته شوی، را څر گند شوی دی .  
 لکه څنگه چی دډبري د لرغونی  
 زمانی د موادو د پراخو او منظمو  
 مطالعو له مخی څر گنده شوی ده  
 چی دافزار وثابت شکلونه د سمبول-  
 لیکو دندو سره نه شلیدو نکي اړیکی  
 لری (۴) دا هم د لرغونی پیژندنی  
 د خپرو له مخی رو ښانه شوی  
 ده چی د لرغونی کلتور مسا دی  
 شواهد په دغه برخه کی لومړی  
 درجه نقش لری . د تاریخ علم د  
 مادی کشفیاتو او نوو برسیرو نو  
 په بنسټ ورځ په ورځ و دهکوی او  
 نوی حقایق خپری .  
 دمثال په تو گه دنو لسمی  
 پیړی دوروستی نیما یی مربوطی  
 برسیرو نی زمون د پورتنی ادعا  
 څر گند ثبوت دی چی د هغی جملی  
 څخه د کنگل دعصر دما موت دفیل  
 اوبو کان لرونکی و حشی غوا یی  
 د ښکار مربوط آثار چی دارو پا په

جنوب لویدیځ کی موندل شوی دی  
 همدارنگه دهمدغه زمانه نی هغه  
 نقاشی شوی ډبري چی دهسپانیا  
 او فرانسی په هیوادو نو کی په  
 ډبرو ژورو غارونو کی موندل شوی  
 دبیلگی په تو گه د یا دونی وړدی.  
 دغه نوو برسیرو نو او دهغو  
 په باب مربوطو معلوما تو نن ورځ  
 یو لړ زیاتنی مناقشی اوبو ښمتنی  
 رامنځ ته کړی دی . چی ددارنگه  
 مناقشو او خبرو اترو او دهغه  
 لرغونو موادو درا ټول لیدو څخه  
 پرته چی د هنری فعالیتونو په-  
 بیلا بیلو برخو کی د مربوط پوهانو  
 په وسیله راټول لیری د علمی نتیجو  
 را ایستل امکان نه لری یعنی هغه  
 مواد چی دډبرو په نقاشیو پوری  
 اړه لری باید دا ستر لیا امریکا او  
 نورو لری سیمو د بومی اوسیدونکو  
 د لرغونی پیژندنی دیو لړ فوق العاده  
 برسیرو نو په باب په اړو پا کی  
 یو لړ تحقیقاتی څیړنی او خبری  
 روانی دی په تیره بیا دتاریخ نه  
 مخکی نښی اوسمبولونو او هنری  
 تصویرونو په باب رها اچو لو ته  
 زیاته پا ملرنه شوی ده . دنوموړو  
 څیړنو له مخی اوس څر گنده شوی  
 ده چی دهغو لرغونی (چی دډبري  
 د لرغونی لومړی دوری د پلیو  
 انثرو پوسس Palaeoanthropuses  
 کلتوری پړاو ته رسیږی .  
 تر ټولو لرغونی تر کیبی  
 نښی او علامی په اچولیس-  
 (Acheulian) او مو سترین  
 (Moastrian)  
 کی رامنځ ته شوی دی تقریبا  
 (۳۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰) کلو نو څخه  
 مخکی (۵) به لومړی سر کی یی  
 متناظر غا ښی لرونکی ، تکی او  
 سوری لرونکی ((رنگه تکی)) دایروی  
 سکچو نه او مستطیل شکله-  
 چلیبوی په بر کی نیولی وروستی  
 دری شکله (( دایره متقاطع او اوکر  
 (Ocher) ) یو چول سره او ژره

خاوره ده چی د نښو او علا مـو  
د ټا کلو لپاره کار ځینی اخستل  
کېږی ( مړبو طی نښی او علامی په  
لومړی سر کی د لمر دسمبو لونو  
په څیر لیدل کېږی ددی علا موټول  
ډولونه یوا زی حسا بی واحدونه  
نه دی . یو شمیر څیرو نکی په دی  
عقیده دی چی هغه څه چی موږ یی  
اوس په واك کی لرو د هغه لومړنیو  
ار لرغو نو شکلو نو څخه عبارت دی  
چی دگرا فیک په بڼه رامنځ ته شوی  
دی چی دتاریخ نه مخکی لیکنی سره  
اپیکی لری (۶) ښایی په تدریج سره  
وروسته بیا تصویرو نو ظهور کړی  
وی . ترهغه ځایه چی د گرا فیک  
ثبت په خاص کتاب کی لیکل شوی  
دی لومړنی گرا فیکي تـوری د  
(۳۵۰۰۰) څخه تر (۴۰۰۰۰) کاله پوری  
مخکی دوران پوری اړه لری چی  
د ډېری د لر غونی عصر و روستی  
زمانه اود ډېری د لر غونی عصر  
لومړی زما نه په دوران کی د  
ثابتو نښو او علامو دسیستم د  
موجودیت څر گندوی دی په هم  
هغه زما نه کی په مجموعی تو گه  
د تاریخ مخکی زما نی هنر د نښو  
تصویر سمبو لیزم بڼه لرله. (۷)

په شوروی اتحاد کی د ډېری  
لر غونی عصر په باب مطالعا تـواو  
څیړنو د لومړنی ځل دپاره دا  
امکانات را مینځ ته کړل چی د لرـ  
غون پیژند نی د نقطه نظره موجوده  
سمبو لونه او د هغه لر غو نی بڼی  
په مسلسل ډول تحلیل شی خو د  
هغه په مرسته د تاریخ نه مخکی  
ټولنیز حالت او کلتور و څیړل شی  
او په دی تو گه یو لړ تیاره مسایل  
روښانه شی .

دیور شیه د ډېری د لرغونی  
دوری نقاشی نخشی او طر حـی  
(چی دهغوی مجموعی شـمیر  
۱۰۰۰۰ ته رسیږی) د ځا نگړو یادـ  
گارونو په پر تله د زیا تو ستونزو

سره سره تر څیړنی لاندی نیو ل  
شوی دی چی په هغو کی زیات  
سمبو لونه شامل دی . دغه مطالعی  
دهغوی دنخشو او د موضوع په  
اړوند سر ته رسید لی دی .

د تاریخ نه مخکی دپراخو او  
ژورو مطالعو جدی هڅی هغه نتیجی  
ته متوجه وی چی د هغه له مخی  
دا څرگنده شو چی دکیونری دیسمل  
qainary - decimal دشمیر سیستم  
دتاریخ نه مخکی مینځ ته راغلی دی.  
بڼه مهمه نتیجه داده چی د ډېری  
دلر غونی عصر په گرا فیک کی پر  
۳-۴ او ۷ عدد دونو باندی متکـی  
د شمیر سیستم موجود و . همدـ  
رنگه د ډېری په عصر کی دشمسی  
جنتری د سیستم موجودیت په  
عیسی وخت کی هم په شوروی اتحاد  
او هم د امریکا په متحده ایـا لا تو  
کی کشف شوی دی . چی دغه  
نظر په فرانسه هسپانیا، او هنگری  
کی بیا هم ثبوت او تائید شوی  
دی (۸) .

د ډېری د لر غو نی عصر  
وروستی زما نه کی د لر غونی هنر  
او سمبو لیزم دشان او شوکت  
د اوج په دوران کی د مغز د چټکی  
ودی د زما نی مربوط دلمریز نظام  
جنتری را مینځ ته شوه چی په  
نتیجه کی دمخه تر لا سه شوی  
حقیقت دهغه دوران دیـا لوژ یکی  
از سو سیو لو جیکی څیړنو په  
لړ کی دزیات ارزښت وړ دی .  
نن ورځ د تاریخ د علم عمومی  
پراخی مطالعی او څیړنی د ډېرو  
لر غونی عصر هم په برکـی  
نیسی (۹) .

یـا په بله وینا د علم ټول  
مورخین دلر غونو آثارو اوانتیکو  
یاد گارونو د ژورو رښو او دهغه  
دار زښت څخه خبردی . د تاریخ  
نه مخکی آثارو کی دسمبو لونو

د مسئلی د تحلیل او پر هغه باندی  
درېا اچو لو له مخی د هغو مهم تکی  
رابر سیره کیږی چی ددغو تحلیلونو  
او علمی څیړنو په اساس یو لـړ  
داسی د ډاډ وړ حقایق رابر سیره  
کېږی چی دهغوی په مرسته د علمی  
پوهی ریښی رو ښانه او لا پسی  
غنی کیږی . داهغه اساسی لاره  
نه چی د هغه په مرسته کړای شو.  
چی بیلا بیل تاریخ، کلتوری برخي  
اودهغه مربوط مسایل تربحث لاندی  
اړخونه څر گند شی . (۱۰)

لکه څنگه چی مخکی وو یل  
شوه ریتم د نښو او اشارو په پرتله  
لر غونی بڼه لری په داسی حال کی  
چی دبشری شعور و روستی پوهه  
او هنر د تصویرو نو په نسبت  
مخکی دی .

دغه څر گند ونه د محلی  
نژادی اړخو نو د منشا په روښـ  
ننیا کی په زړه پوری رول لری او  
همدارنگه د هغو درو ښانتیا په  
مرسته د تاریخ مخکی هنری سمبو  
لونو په ریتم سره چی دانسان او  
حیوان د تصویرو نو سره اپیکي  
لری . ښه ترا څر گندید لای شی.  
په هغو دواړو کی یعنی څـه  
ستايلستیکي وی او که ذهني یا  
تصویری ښځه یی د مجسمو مرکزی  
تصویر جوړه وی . دهغوی تو پیر  
دنړی پیژند نی پر مسئله تکیه دی.  
بل تو پیر او بدلون یی په میزان  
(Malta) ( په اکراین کی ) او  
په مالـتا (Mezin) ( ساییریا کی )  
د مرغانو او مارانو په برخه کی  
دی چی په (۳) سره بیلیدو نکـی دی  
(چی هغه په حقیقت کی ددی مفهوم  
منعکس کوو نکي ښه ده چی د عالم  
ټوله هستی پر دریو نړیو باندی  
په عمومی ډول ویشی ) دهغوی  
په تصویرو نو کی هم د ځمکی کره  
او هم ستوری منعکس شوی چی  
ماریی د مخکی داو سیدو نکـی

دسمبول په توگه او مرغه یی—  
دالوپری برخی (جنت) داوسیدو نکي  
دسمبول په خیر دیوه هنری تصویر  
په ډول راوړی دی .

دغه مثالونه د تاریخ نه مخکي  
دوران دهنری پر نسیمو نو بشپړ—  
تیا نښی :

دنژادی فرهنگ هر ه برخه د  
نړی دیوازی برخی څخه بحث کوی  
(مثال په توگه د هغه دمو دی  
او یا هم دا فقی محور څخه ) هغوی  
دنړی جامع او کلی تصویرواندی  
کوی چی هغه (۷) ځانگړی نښی او  
یا یو نیتو نه لری ( چی ۳ یی افقی  
او ۴ یی عمودی دی ) او د هغه  
داوسیدلو ټول عناصر ( دهغو ی  
د شاوخوا د ساحی دڅرگند و  
توضیحا تو سره ) (۱۱).

وروستی څپر نی او مناقشی  
د قفقاز او دارو پا جنو بی ختیځو  
سیمو په برخو کی ترسره شوی دی  
دماموت د فیل داورو دهغو کی څخه  
جوړ شوی تیغ چی سور یان لری  
ار رنگه پتی پری ښکاری داری په  
شان د غاښو نو لرونکی دی په  
دی وروستیو وختو نو کی ددوهم  
موسترین په طبقه پوری مربوط  
په مولو دو ف (Moldovo-I)

کی موندل شوی دی (څه دپاسه  
۴۰۰۰ کلونه لرغونتوب لری )  
دغه لرغونی اثر ته د مربوطو  
پوهانو او علاقه لرونکی جدی پا—  
ملرنه ورته را اوښتی ده . یوشمیر  
لرغون پیژندو نکو هغه تر ژوری  
څپر نی لاندی نیولی او ځینی څلور  
اڅیز شکلونه یی دتی لرونکی  
حیوانا تو تصویر و نه گڼلی دی .  
دهغه څلور اڅیز و مستطیل ډوله  
ترټولو غټ او څرگند شکل چی  
آهو د ډبری څخه جوړ شوی او  
ډبری د لرغونی وروستی دوری  
پوری اړه لری او په قفقاز کی—  
دمخکی څخه دکیندلو په نتیجه کی  
توستا (Tsona Cove) د غار دمو—

سترین په وروستی طبقه کی—  
موندل شوی دی . نن ورځ څرگنده  
ده چی د ډبری د لرغونی عصر  
د وروستی زما نی هنری تصویرونه  
او هندسی دیزاینونو دسبک ،  
سوریانو ، رنگ او شکلونه له  
مخنی واضح توپیر سره لری داهم  
روښانه ده چی درېتم له مخی جوړی  
شوی بیلگی دانسان د ژوندانه  
د فعالیتونو او روحی ژوندښکا—  
رندوی دی (۱۲) چی دا په حقیقت  
کی دموستترین دوران دگرافیک  
هنر عام خصوصیت دی . د بلی  
خوا په مجموع کی دموستترین تر—  
کیبی ښی دهغه بدلونونه د هغه  
د کار سبک او نور دپوربکی—  
(Bourbaki) د توضیح او  
تعریف ( دریا ضی مربوطو جوړ  
ښتونو ) سره بشپړ مطابقت لری .  
(۱۳) یو شمیر زیات د لایل موجود  
دی چی دهغو له مخی ثبوت کیدای  
شی چی دموستترین گرافیکی علامی  
اونښی د معبدی سلسلی کیفی—  
سمبولونه دی . دغه دنده په  
څرگنده اړ پالیو لیتیک ددوران  
دنجومی جنتری د گرافیک—  
هنرو نو درا تلو نکي ودی او پر—  
مختیا سره اړیکی لری کوم شی  
چی زموږ دلته په ذهن کی دی هغه  
دادی چی لمریز او نه ده دوران  
د ډبری د لرغونی عصر مربوطو  
هنرو نو بیلا بیلې ښی ثبت شوی  
دی . زما په عقیده دهغو ی په  
هنری سپمانیکي عنعناتو کی هم  
عمودی او هم افقی بدلونونه او  
توپیرونه موندل کیدای شی چی  
په لومړی حالت کی هغه زیات  
څرگند دی . تر ټولو بشپړ اوښه  
ساتل شوی هنری اثر چی دما—  
موت فیل دښی یا دای څخه  
دبنگړی ددیکور په شان په کوپون  
ډول سره حکا کی شوی دی ،  
دیا دونی وړ دی همدارنگه دمیزن  
څخه شیو رنس (Shevrans)

او دما لټا څخه هموارغا بو نه چی

دما لټا اومیزین د کلکسیون  
(۱۴) له مخی په نسبی ډول دهم  
هغه وخت د لرغونی کسبگرو او  
هنرمندانو روحیات وپوه او  
علم په باب ددوی ددرک درجه  
اټکل کیدای شی . دریا ضی دجنتری  
لاندی څلور لرغونی پړاو نه  
د میزن په لاره تللی دی .

۱- هغه دری خو کی لرونکی  
چاپه چی دما موت دښی څخه  
جوړ شوی ده . هغوی دشمسی  
میاشتی په لومړی نیما یی کی  
دور څو شمیر دری واړه تکرار  
کړی دی .

او دهغه سره سم یی خپل  
هدایت ۹۰ درجی بدل کړی دی .  
۲- هغه ښکړی چی د څلور—  
وېلیتو نو څخه جوړ شوی او هر  
یو یی د موازی هویتو نو لرونکی  
لینو نو څلور گروپونه لری چی  
دمیاشتی نیما یی دور څو اودشپو  
شمیر ښی دغه لینونه دیو بل  
قطع کیدو په وخت کی خپل استقامت  
مت ته ۹۰ درجی بدلون ورکړی  
دی . چی مجموع کی لینونه یی  
خطونه دلسو لمریزو میاشتو—  
دور څو او شپو سره مطابقت او  
سمون لری .



۳- دېنېو بنگر يانو د بېلګې په توګه يو بنگرې دی چې په ډېر دقت او هوښياري سره جوړ شوی دی دمنځ کړه برخه يې د ۲۸۲ کرښې چې دلسو لمريز ومياشتو سره سمون لري لرونکي ده متناظر و برخو باندې چو کا مټ شوی ده چې هر دښپن و کوزوا لو منکسر خط لرونکي دی (چې هر کسر يې بيا په خپل ځان کې په وار سره اوه کرښې لري) چې هغه په مجموعې ډول ۳۶۶ (۲۸۲ جمع ۴۲ جمع ۴۲) کرښې او لينو نه لري. چې بېله شکه د شمسي کال ښکارندوی دی. ښايي چې کوم څو ګ هغه فقط دسکي وهلو نښه و ګڼي. نه دا چې هغه دی په دومره احتيا ط سره تر تيب شوی وي (په تيره بيا دهغه وړيتم. تناظر او دکرښو دموازی والی دنقطه نظره) او د کرښو شمير يې هم دبنګرې دهغه خطو نو سره مساوی دی چې مخکې تو ضيح شول.

دغه راز دما لټا څخه تر لاسه شوو مربوطو شیانو کې هم يـو شمير په زړه پورې لرغونې آثار مو جود دی چې پر هغو باندې ګڼې نښې او علامې يعنې په ترکيبـي حالت ښکاري چې هغه هم دشمسي يا لمريز کال سره مطابقت اوسمون لري.

دما لټا د ډېرې د لرغونې عصر مربوط او سیدو نکي په تيره بيا دبایکال په جهيل ((Lake Baikal))

کې دګوزن (reindeer) په ښکار لثياو ه چې د هغوی ددغه ښکار په سلو کې ۹۰ برخه تشکيلوی. دا هم دپا دوني وړ ده چې تر اوسه پورې د ډېرې د عصر مربوط بل حيوان نه دی موندل شوی. دغابښو نو دلوی زامی څخه جوړ شوی يو اثر چې پر هغه باندې ددرو ما رانو او پنځو حلزو نو نو تصويرو نه ښکاري تر لاسه شوی

دی. مرکزي نمو نه يې د هغه اثر څخه عبارت ده چې دخپلو او پېچو نو يا حلزو نو نو پر شا وخو باندې ۲۴۳ سور يا ن او غارونه لري. هلته د ۱۲۲ سور يا نو دوه سيټه پليت يا زامی د غابښو نود څوکو په استقامت مو جود دی. چې هغه ټوله په تر کيبي شکل دلمریز کال درځو سره مطابقت لري (۲۴۳ + ۱۲۲ = ۳۶۵) دا هم نا څایي نه ده چې داسمايېر يا د شما لی سيمو بومی اوسیدو نکي دهم دغه ډول جنتری څخه ګټه اخلي داړ پي موسم دکال يوه دريمه برخه احتوا کوي په داسی حال کې چې ژمی يې دکال پا ته نوری دوی دریمی برخې په بر کې نیسي.

دهغو وخت او موده تقریبا ۲۴۳ ورځې کیږي. چې دنړهو سی او ګوزن د مستیدو ددوران سره سمون لري. مار پېچ سوري لرونکي جنتری داو نی دور څو شمير اوه ښيې او په لمريز کال کې دغنغوی نومونو له مخې دمياشتو نومونه دډيزو لړ جکی دوری (دمستیدو ډز میاشتی) څخه را اخستل شوی دی. چې هغو تراو سمنی عصر پوری پایښت کړی دی په حقیقت کې په زر ګونه کلو نه وروسته دار مینا تور د مخکو يو يي کوونکو او دگلور موروزو نکو دمیزن دد کال د وړو څو شمير په بنسټ خپل دور څو سیستم جوړ کړ او فارمول يې هم دنوموړي سمبول له مخې تر تيب شـو (۵۰۳ او ۷) او همدارنګه د لمريز سیستم جنتری او دهغه ګڼ شمير ځانګړي ګرا فيک عناصر هم په نا څایي او نابېره تو ګه نه دی را مينځ ته شوی حیوانی شکلونه او دهغو رسمو نو پړيو شمير ډېرو باندې دغیغام (Ghegham) په غرونو کې موندل شوی چې دهغه تصويرو نه دما رانو اومر -

غانو د لړ غونې منشاء نمایندګي کوي. چې دهغو له مخې د نارېخ نه مخکې دوران دسمبو ليـزم (عمودي) تو پيرو نه ښکاري د نارېخ نه مخکې دوران دښکار يانو لرغونې زوا جونو او ددوی په وخت کې داو سیدو نکو حیوانا نو دانخورو نو مربوطو مو ضوعاتو د قفقاز په هغه خوا کې دبرو نزر په عصر (۱۵) کې زیا ته و ده وموند له.

که چیرې موږ د غه نظر چې نوموړې غنغه د ډېرې د عصر څخه سمن جينه اخستې ده او نوموړي نظر هم د بېلا بېلو حقا یقو په مرسته تائید شوی دی و منوونوبه د ډېرې د عصر دسما نتيك مربوط زیات اړخونه رو ښا نه شی. او دهغه د تخنيک مبهم اړخونه به څرګند شی. داسی ښکاري چې کسمبرو او مربوطو ما هرانو د ټاکل معیار سره سم خپلو فعا ليتونو ته دوام ور کړی او دجوړ شوو سور يا نو هر ګرو پ یی سره پرتله کړی دی.

کله چې به ديوه کسمبر اړ هنر مند دا دنده په غاړه وه چې ټا کلی شمير سور يا ن جوړ کړی دی به مجبوره و چې خپله لومړنۍ او ابتدا يي مېند سی نمو نه اړ بیاګه بد له کړي او هغه متنا ظر سور يا ن چې پخوا لا مخکې له مخکې په نښه شوی وی سرچېه او ګډوډ کړی. په دی ډول به نود سور يانو ټا کلی ساييز او د غغو ترمينځ فاصلو هم تو پير اوبد لرون موند لی دی.

له همدی امله کسمبران ما هران او هنر مندان به په نسبي ډول په (حساب) ریاضي باندې پوهیدل ځکه نو دا ډول کارونه دپېچلو کارو نو او دندو د جملې څخه شميرل کیدل چې دهغو له مخې دهم هغه وخت

د نکنا لو چی څخه داسه استفادی  
سمنله څر گندیږی . چی نتیجه  
بی دهنر د نقطه نظره ډیره په زړه  
پوری او دیوه تزئین شوی تر کیب  
بنه لری .

دیوه دقیق از درست تحلیل  
له مخی څر گنده شوی ده چی دهغو  
ریتم او تناظر په یو شمیر آثارو  
کی وړان شوی او دو همه درجه  
ارزښت یی موندلی دی او حتی په  
یو شمیر نورو کی بیخی لسه  
مینځه تللی دی . چی همدغه  
پرنسپ په قفقاز کی هم په کار  
لویدلی دی . چی هغه د جوارجیلز  
Gvargilas (دگرچستان  
په لویديځه برخه کی) څخه تر لاسه  
شوی او د هغه لاسی صنایعو په  
وسيله تائید شوی دی کوم چی  
دهغو کو څخه جوړ او سنگار شوی  
بنه لری او په دېږی د لرغونی  
دوران پوری اړه لری : هنر مند  
او کسبگر مجبور وو چی د  
عنا صرو دوه گرو په حکا کی او  
پا کلی تناظر او تناسب سرچپه  
اونسکور کړی (۱۶) د جنتری او  
نجوم تر مینځ دا ډول گوی اړیکي  
ډیری رو ښانه او د هغو سره  
بیا لو ژیکي اړیکي هم څر گندی  
دی او نشی کیدای چی پر هغو  
باندی دی بیا لوژیکي اغیزی نه وی  
موجودی کسبگرانو په مسلسل  
پراونو کی کار ته دوام ور کړی  
دی . نجومی جنتری حساب هندسه  
او نکنا لوژی . چی هغه ټوله دیوه  
کسبگر دکار دو سایلو د جملی  
څخه شمیرل کیدل دیوه مستقل  
هدف په تو گه په وسایلو کی  
دارنگه پر مختیا یی بدلون دروحی  
نقطه نظره داخلاقیو فعلا لیتو  
د ځانگړی انگیزی ثمره ده (۱۷)

دمنلو وړ ده چی دما لئا او میزین  
دکسبگرو په کار ونو کی هم دا ډول  
بدلون را غلی او هغوی د جنتری

سنگار او حکاکي مسئلې نه نوی  
ار عصری بنه ور کړی ده . پرته  
دهغو پورتنیو مسلسل او پر له  
پسی پراو نو څخه چی پورته  
اشاره وړ نه وشول بله هیڅ دمنلو  
ډله لاره او طریقې نشته ځکه چی  
هغه په درست ډول د علمی فعلا  
لیتو نو یوه برخه جوړوی پرته له  
دی چی دهغی قرینی اونوری برخی  
(مذهبی دو دونه شکلا پیژندی او  
نور) په نظر کی ونیسو . په  
داسی حال کی چی نه مذهبی  
روا جونو او نه هم هنر او ښکلا  
دا زمینه برابره کړی ده چی دارنگه  
سنگار شوی جنتری دی را مینځ  
ته شی او پتر و گرا فیک

(د ډبرو سیستماتیکه  
تشریح او طبقه بندی) مربوط  
تر کیو نه چی پر د قیقاوادرستو  
رڼا ضیا تو تکه دی داو سنیو  
عصری هند سی او نکنا لوژیکي  
پرنسپور نه چی سره نژدی او  
گډی اړیکي لری .

دهغو سیما نتيکی بشپړو  
مطالعو او څیړنو له مخی چی  
د میزین اوما لئا د جنتری دسنگار  
په باب ترسره شوی څر گنده ده  
چی د هغو دژدی لوړ پراو دمو  
سترن وروستی پراو شاوخوا نه  
زیمیری چی واقعا هم که یسی  
ددمو ستړین نه مخکی زمانه یی  
دلینو نو اړ سوز یا نو سره نو  
موړی کاژد اومار پیچ ډول له سنگار  
شوی فورمو نه او شکلو نه پرتله  
کړو پورتنی ادعا په ډا گه ټوبه  
تیمیری . بيله شکه چی جنتری د  
علمی پوهی یو شکل دی چی  
دنړی د عینی خصوصیا توتنه په  
هکله دمنطقی معلوماتو او د ډبرو

لرغو نو پدیدو او جریا نونواکول  
دتر کیب څخه جوړه شوی ده دهم  
روښانه ده چی په لرغونی مصر  
سومر او دتاریخ نه مخکی د قفقاز

خلکو جنتری تو پیر سره درلو  
دلی دی . چی دا ډول بیلا بیل  
شکلونه او بنی د هغوی دا تنکی  
او تاریخی حالت او جوړښت  
زیژنده دی خو یو بنسټیز عنصر  
پکی مشترک دی . جنتری د وخت  
دیوه سیستم په تو گه د طبیعی  
پدیدو په اساسی جوړی او ثبت  
شوی دی . چی پرته له هغه هیڅ  
جنتری نه ده موندل شوی . وخت  
دلیری و پراو نو او مو سمو نو  
په بنسټ تیرین ی چی د کلنی  
شمسی سلسلې په اساس ټاکل  
کیری خو هغه هم نجومی مشاهدو  
او دشمیر لمبرو نو ته اړتیا لری .

دمنطقو او روح پوهنی له  
مخی دغه کړنلاری به لومړی سرکی  
د علمی جوړښت دمریو طو فعلا  
لیتو نو سره نژدی اړیکي لری .  
هغوی د ژوند نورو روحی پدیدو  
سره هم اړیکي لری په داسی حال  
کی چی د تاریخ نه مخکی دوران  
کی دهغوی بنو دو همه درجه  
ارزښت درلودی . په دی ډول  
نو وروسته دریا ضی دشمیر د  
لمبرونو څخه یو لړ سترار قام  
را مینځ ته شول او د هغه پیر  
بنسټ دمو هو ماتو زمانه دوخت  
دانعکاس په تو گه د طبیعی او  
روحی پدیدو د بدلون په څیر  
محاسبه شوی ده . دی کی شک  
نشته چی د جنتری نقاشی او  
سنگار شوی ډول نه او حتی ساده  
شکلونه یی هم پرته دریاضی او  
نجوم په علم کی دهر اړخیز او  
جامع معلومات د لرلو څخه دپوهی  
اودرک وړ نه دی .

دریا ضی علم ته په رجوع  
کو لو سره دمو ستړین په ورو  
ستی پراو کی د تاریخ نه مخکی  
انسان خپل هنری چوکاټونه په  
مذهبی او موهومی عنا صرو باندی  
تزئین او سنگارول چی په دی

ډول نو دجنتری مربوط مذهبی دودونه حتی په نژدی او گاونډیو سیمو کی توپیر سره را مینځ ته کړی و. په دی ډول وینو چس دغیغام دغرو نو او دداغستان د غرنی سیمو د لمریزی جنتی دسمبو لو نو تر مینځ نژدی اړیکې را مینځ ته شوی دی. چس دهغی جملی څخه چس تر اوسه پوری یی نښانو نه او علامی د پوهانو د تبصرو و پر گرځیدلی دی دهغو سیمو لو نو څخه عبارت دی چس خپرو نکو هغه د ډیری لرغونی عصر په دوران پوری مربوط گڼلی دی (۱۸).

د تاریخ نه مخکی ښکار کولو د ځمکی دیو یی کولو او گلـو رمود رو زلو د لرغونی دوران د جنتری په فستیوال کی ډیر د تعجب وړ مسایل را څرگند شول چس په هغو کی د ټولنیز شعور دواړه شکلو نه یعنی هنر او ښکلا او هم نوری یی علمی ښی منعکس شوی وی چس د هغو له مخی په افکارو کی څرگند بدلون ښکاری. او دمجرد و افکارو څخه دشاوخوا عینی نړی پرځـو! دافکارو چټکه وده محسوسه ده.

همدارنگه دا حقیقت رو ښانه شو چس دتاریخ نه مخکی انسان مذهبی دو دونه د بشری رو حیا تو دمجموعی په توگه د لرغونی نړی عقاید تشکیلول (۱۹).

پورتنی یا دونی د لرغون پیژندنی پر همیشنی پراختیایی بنسټ باندی و لاری دی او په دی مقاله کی دنوموړی بنسټ یوه برخه تر بحث او څیړنی لاندی نیول شوی ده.

په دی ډول داندري لیر یو گورهن (Andre Leroi Gourhan) داحصائیوی اساسی نتیجه اخستی له مخی څرگنده شوی ده

چس دغارونوپه رسمونو او نقا شیو کی دتاریخ نه مخکی انسانانوهغه تعبیرو نه او تفسیرو نه چس دجنت په مقابل اړخ باندی متکی وه، منعکس شوی دی یعنی (نرغواپی او آس یا نرغواپی او ښځه) په دی ډول نو په نتیجه کی ددوی توافق د ښځینه پرنسیپو نو (لکه په غارونو کی چس د ښځی درحم تصویرو نه او یا هم دا چس په مجموع کی ښځینه تصویرو نو مرکزی حیثیت غوره کړی دی) باندی متکی شول په عمومی ډول مونږ دلته د دوو ژبو څخه بحث کوو چس هغه دواړی یو له بله سره ورته دی شمیر د سیمو لونو ژبه او د حیوانا تو او انسانانو د تصویرونو او مجسمو د تعبیرو لوژبه مونږ وینو چس د خپو مومو څخه جوړی شوی او پر ډبرو باندی نقا شوی شوی تصویرو نو کی د ښځینه پرنسیپ پر ریتمکی جوړښت اود (۷) او (۵) پر شمیر باندی ټینگار شوی دی.

(۲۰) مونږ په دی پوره باور لرو چس دغه ورته جوړښتونه د ډبرو دوری دانسان د ژوند ډول، د فکر دطرز او روحیا تو په باب بنسټیز ارزښت لری دهغه وخت را هیسی چس دغه شیان دعا مو لرغو نو آثارو په توگه دیور شیا د بیلا بیلو کلتورو نو نژادی مسایلو په ارتباط د ډبرو دوروستی دوری د آثارو په توگه موندل شوی دی زیا ته پاملر نه ورته را او ښتی ده.

همدارنگه په ما لټا او میزن کی هم مونږ ددو داسی ژبو څخه بحث کوو چس دواړی تر زیا ته حده کمهت سره یوشان دی: دسنگار او گانو ژبه چس په هغه کی د طبیعی پدیدو دجنتری اوسیگا لوجی مربوط تعبیرونه اوتفسیرونه

شامل دی او همدارنگه دمجموعی اوانځورو نو د تعبیر ژبه چس په هغه کی د ژوندیو مو جودا تو دخپو اومو مو څخه جوړ شوی اناتومی څرگند پری د لسولمیزو میاشتو هغه گرافیکی سلسلی د مزن پر ښکلیو باندی ښکاری کیدای شی چس هغه دی فکر د چټکی ودی د زما نی یوا زنی لرغون انځور وی او یا هم دغـوا (دوحشی غوا پی مو نه) تصویری یو چس دهغه سره توافق او برابری لری.

بر سیره په دی دما لټا د تصویرو نو هغه تخته چس دو حشی هو سی د حاکملگی دوران وړ باندی انځور شوی دی (داوو مار پیچو نو څخه د مرکزی مار پیچ پر شاوخوا باندی یو شمیر سور یا ښکاری) د لمریز یا شمسی کال سره نژدی اړیکی لری. چس هغه د ژوندانه دچاپیریال او هغو مسایلو سره ارتباط لری چس دانسانو ژوند اړه پوری لری لکه د هغوی ژوند او حیثیت چس د هو سیمو پر ښکار باندی متکی و.

دسمبو لونو په تیره بیلا د تاریخ نه مخکی دوران د کلتور د سیمو لونو تر مینځ عدم توپیر او ورته والی د خپرو نکو زیا ته پاملر نه ځانته را اړولی ده. مونږ د شمیر هغه سیستم چس پر (۵ او ۷) باندی ویشل کیدی په یادو لرو په داسی حال کی چس په ځینو کی پر (۵ او ۱۰) ټینگار شوی دی چس هغه بیله شکه د دی ټکی څرگند ثبوت دی چس په هغه وخت کی ددو لا سو دپنځو گوتو، او دپنځو پنځو گو تو دشمیـر سیستم ظهور کړی دی چی وروسته بیا په تدریج سره دنړیوال کلتور په توگه خپور شوی دی.

دسمبو لونو په تیره بیلا د تاریخ نه مخکی دوران د کلتور د سیمو لونو تر مینځ عدم توپیر او ورته والی د خپرو نکو زیا ته پاملر نه ځانته را اړولی ده. مونږ د شمیر هغه سیستم چس پر (۵ او ۷) باندی ویشل کیدی په یادو لرو په داسی حال کی چس په ځینو کی پر (۵ او ۱۰) ټینگار شوی دی چس هغه بیله شکه د دی ټکی څرگند ثبوت دی چس په هغه وخت کی ددو لا سو دپنځو گوتو، او دپنځو پنځو گو تو دشمیـر سیستم ظهور کړی دی چی وروسته بیا په تدریج سره دنړیوال کلتور په توگه خپور شوی دی.



خو عمومي بنسټ دگو تو پرشمير  
تکيه دی . د تاريخي او لرغو ن  
پيژندني په برخو کې د معلوماتو  
د زيا توالي په نتيجه کې دامکانات  
رامينځ ته شول چې د هغودجوړه  
بنسټ اصلي منشاء تعقيب اووموندل  
شي .

نه يوازي دانسانانو انا تومي  
او جوړښت (لس د لاسو نوگوتي  
او لس دپنبو گوتي ) بلکي همدار  
نگه لکه څنگه چې مخکې يي يادونه  
وشوه د هغوی روحي اړخ  
زدانسانانو حاکملي دوران او  
د ټاکلو حيوانا تو اندول لس  
شمسي مياشتي ) په دغه سيستم  
کي راغلي دي همدارنگه (۷) او  
هغه عددو نه چې د هغه په وسيله  
سره بيليږي په بيلا بيلو  
مليتونو کې په پراخه پيمانه  
پيژندل شوي او د هغه دعا لي  
خواصو، مرموزه بڼه دنړۍ په  
بيلابيلو برخو کې په مختلفو زمانو  
کي مروج شوي او آشنا يي ورسره  
پيدا شوي ده . د شمير عددونو  
سمبو لونه عام خصوصيت لري:

خو کيدای شي چې هغه په خاصو  
او مو قتي توگه دفضا ، ژوند،  
مرگ، دنړۍ او بشر دنشأ او  
نورو معيارو نو سره محدود کړو  
مخکي له دي چې د تاريخ نه مخکي  
دوران د سمبو لو نو په هکله  
مفصل معلومات وړاندې کړو  
راځي چې د هغو منل شوي اپيکي  
دلوم پښو چو کا تونو او کالبدونو  
(ددرود عدد عمودي او د څلور  
دعدد افقي تقسيم) دنجو مـ  
وخت د جنتري دثبت سره( دلـ  
دپرا ونو اوه ورځي او په يوشمير  
غړو شکو او سره يو ځای شوو  
ستور کي دستور و شمير ) او  
همدارنگه دهغه پر نسپو نوسره  
چي د بشر سيکا لو جي احتوا  
کوي و څيړو (تجربوي سيکا لو-

جي ډيره پخوا تا سييس شوي ده  
چي هغه ظرفيت، د مسئلي سره اړه  
لري ) په اووه عددونو سره  
محدوده شوي او ژپړو هني او د  
انسانانو په باب دنورو علومو په  
وسيله يي ملاتړ کيږي (۲۱).

په دي ډول سره له دي چې  
تاريخ نه مخکني وړانـ ژا دي  
کلتور ، تخنيک، هنر او د هغه  
ځانگړي سبک او بڼي ، د ودې او  
پرمختيا له پلوه تو پير سره لري  
خو بيا هم د هغه وخت د سمبولونو  
ترمينځ زيات شباهت او ورته  
والي ښکاري . او هغه ځانگړي  
مشخصات يي دزمان او مکان د  
تغير سره سره په خپل ځان کي  
ساتلي دي . هغوی دپخوا نيو  
خلکو د علمي پوهي او شناخت د  
فعاليتو نو سره د ژوندانه دنورو  
اړخونو په پرتله زيات مطابقت  
درلودي . دا هم تضادفي نه وه  
چي دډبري دلرغوني عصر په  
گرافيك کي دثبت شوو نمبرونو  
ټولي بڼي اونموني منعکس شوي  
دي. چې هغه هم د قلم په شان  
کښل شوي کرښي سور يا ن ،  
ټکي اوچولي لري چې لرغوني  
رياضي هم پر دغو بنسټونو  
ولاره وه . چې په هغو کي (۷) لمبر  
خاص ځای لري .

څرگنده ده چې دمکان، زمان  
او پراخي نړۍ سره دهغوۍ  
د زياتي آشنا يي له امله ددوي  
فکري وده نوره هم پسي پراخېږي  
دغه راز د لرغو نو برسيرونوله  
مخي د پراخو گرافیکي سرحدونو  
ترمينځ دعدم توپير مسئله داوسني  
عصر د محققينو له خوا په ژوره  
توگه څيړل شوي چې تر ټولو  
جامع او ژوري څيړني په عامه  
توگه دتاريخ نه مخکي سمبوليزم  
په برخه کي ترسره شوي دي چې  
په وروستي تحليل کي دا ډول

څيړني د ټول بشریت سره اپيکي  
لري .

دا دواړه اړخونه يعني هم  
دتاريخ نه مخکي دوران دمربوطي  
ټولني دتنويري برياوو ترمينځ  
ورته والي اوهم دنژادي کلتورونو  
ترمينځ توپيرونه د لرغوني  
ختيځ د ساينس اساسي برخي  
جوړوي .

دا بيا هم ديا دوني وړده چې  
دهغو دنور او عصري مطالعو او  
څيړنو له مخي چې په دي وروستيو  
وختونو کي د تاريخ نه مخکي هنر  
په باب ترسره شوي دي څرـ  
گنده شوي ده چې دلرغو نـ  
زماني ( دډبري عصر) د شمير  
ريتم او دننبو او علامو د سمبو  
ليزم دعنا صرو څرگند ترکيب  
په مجسمه جوړولو کي څرگند  
شوي دي .

په يورشيا کي د هنري  
عنعناتو پرمختللي خلاق فعاليتونه  
چي د ډبرو وروستي دورې په  
زمانه پوره اړه لري په عمو مي  
ډول په دو بڼو او شکلو نو کي  
تشخيص شوي دي .

لومړۍ بڼه يي دمکان افقي  
توپير په باب ځانگړي ميلان دي  
چي دڅلورو اساسي نښو او دشيديو  
ورکونکو د ځمکو د حيوانا تو  
دمجسمو او تصويرونو سره په  
نښه شوي دي . دوهم ډول يي چې  
ښايي په ډيره لرغوني عنعنه پوري  
اړه ولري يعني چيري چې حسابي  
ريتم ظهور او پياوړتيا موندلي  
او پر ځانگړو عمو دي تېرونو او  
درو جها نونو ( لوړه منځني او  
کښته نړۍ ) او د هغوي داوسيدو  
نکو (مرغان د لوړي نړۍ ماران  
دمنځني نړۍ کب او داوبومربوطه  
مسایل په عمو دي ډول د کښته  
نړۍ دسمبول په توگه ) باندې  
ټينگار شوي دي . دوهم ډول  
رواجو نو يو لړ داسي روښانه

او مشخصی بیلگی لری چی دمو- سمی اونجومی مشخصا تو بنکا - رندوی دی او په حقیقت کی دتاریخ نه مخکی دوران سمبو لیزم اساسی او بنسټ جوړ وی .

پورتنی مشخصات واقعیتونه او دنو موړو ستونزو مربوط تفصیل دسینگار او تزئینی مجسمو جوړو لوازو پر ډبروباندی دانځور گری په برخو کی داصلی انگیزو په توگه موړ دیو لږ نورو پوښتنو سره مخامخ کوی خو طبیعتا موړ مجبوره یو چی پر فرضیو او اټکلونو باندی تکیه وکړو

ماخذونه او یادداشتونه :

International des Sciences Prehistoriques et Protahistoriques, Colloque XIV, Nice 1976, PP. 8-23  
12 - P. Fraisse Les structures rythmiques, Brasse-  
ls, 1975 idem, Psychologie  
du temps, Paris, 1967;  
A Leroi - Gourhan, La  
memaire et Les rythmes,  
Paris, 1965.  
13 - N. Bourbaki, "L'archi-  
tecture des mathematiques.  
Les grands courants  
de la pense mathematique",  
cahiers du Sud, 1948,  
P. 41.

14 - B. A. Fraalov, Numbers  
in palaeolithic Graphics.  
PP. 48-49, 63-66, 124, 133-  
138.

15 - B. B. piotrovsky, Archaeology of the Transcaucasus. Lenngrad, 1949.

PP. 93-94; S. A Esayan, Sculpture of Early Armenia, Erevan, 1980 (60th in Russian).

16 - A.A. Formozov, Prehistoric Artistic Monuments in the USSR, Moscow, 1966, 27; ed; Moscow 1980 1980 P. 83 (in Russian).

او خپل ځانونه د اټکلو په چوکاټ کی محدود کړو . دا هم دیادو لوړو ده چی تر اوسه پوری د لرغونو هنرونو د تر ټولو غوره هغه بیلگو دڅپر لوړ په لږ کی چی ددو هم ډول سمبو لیکو رواجو، نو د جمای څخه څرگندی هنری نمونی په برکی نیسی داو کراین په اما زین دډبری دوری د مربوطی سیمی څخه تر لاسه شوو آثارو څخه عبارت دی که څه هم هغه سیمو د قفقاز داخوا (Trans Caucasus) بایکال او د ختیځی مدیتره نی څخه نسبتا لری واقع شوی ده خو بیا هم دڅپر نکو له خوا د هغه څخه یو شمیر زیات

هغه لرغونی او باستانى مواد او آثار چی دډبرى د عصر او دفلز د عصر څخه مخکى زما نه پورى اړه لری اواصلی ځانگړی خصلتونو او بڼی یی د میزان د هنری سمبو- لونو په شان دی چی دغه طرز سبک او عنعنه بیا جنوب اولویدیځ ته خپره شوی ده اوداسی ښکاری چی هلته دی هغه دو باره راژوندی شوی او په لرغونی بایکال او وروسته بیا د کریت میسینین (Crete - Mycenian) په کلتورونو کی په نوی شکل او سطحه کی دو باره رواج موندلی وی .

#### NOTES :

1 - A History of Prehistoric Society, Moscow, 1983 in (Russian)

2 - Vestnik AN SSSR No. 10, 1981 PP. 13 - 24.

3 - V. Gordon Childe, Archaeological Documents for the Prehistory of Science, Journal of history. Paris, 1954. Vol 1. No. 4. P 746.

4 - Technology of the Palaeolithic, Leningrad, 1983 (in Russian)

5 - A History of Prehistoric Society, PP 397 - 406; G. Behm - Blanke, "Altpalaeolithische Gravierungen Von Bilzingsleben, Kr. Artern" Ethnographisch archaologische Zeitschrift, Berlin, 1983, Part. 2. PP. 304 - 320.

6 - For more detail See I.J. Gelb, A Study of writing, Chicago - London, 1963.

7 - A. Leroi - Gourhan, Prehistoire de L'art occidental, Paris 1965; idem; Prehistoire; Annuaire du college de France; Paris, 1969 - 1982.

8 - B.A. Frolov, Numbers

in Palaeolithic Graphics, Novosibirsk, 1974 (in Russian); A. Marchach, the roots of civilization, New York, 1972.

9 - Ch. Singer, A Short History of Science Oxford 1941; J.D. Bernal, Science in history, 1954; Histoire generale des Sciences Vol 1, Paris, 1957;

A History of Russian Mathematics, Vol 1. Kiev, 1966. A History of Biology, Vol 1. Moscow, 1972, D; ya Straik. A short Essay of the History of Mathematics, Moscow, 1984; Essay of the History of Natural Scientific Knowledge in Antiquity, Moscow, 1982 (the last four are in Russian).

10 - A. R. Demir Khanyan. "On the problem of symbolism of Early Armenian Tripartite compositions" Istoriko-filologicheskoy Zhurnal, No. 4. 1982.

11 - B. Frolov, ((Variations Cognitives et creatrices dans L'art Paleolithique: rythmes, nombres images)) IX Congress

نوشته از ا.ج.دی سنکا لیاوا م.کا. دها والیکار

ترجمه : معاو ن محقق غنی نیک سیر

## هنر تیرا کوتا در هند

از دور ترین گذشته های زمانی انسان ها به ساختن تجسمات گلی و هنر مربوط به آن علاقمند بودند . طوریکه عمرا این بخش هنری فقط تا اندازه عمر انسان دور می رود که متأسفانه انکشاف نخستین این اشکال تجسمی هنر ثبت نگردیده و از آن نمود های مستند وجود ندارد .

در تولید هنر تیرا کوتا آتش همیشه به حیث عامل اصلی نقش داشته و انسان عصر سنگ قدیم در چین کار برد آتش را در حدود پنج لك سال (پنج صد هزار سال) پیش فرا گرفت . که البته این موضوع شامل تولید آتش و کنترل آن که ارزش حیاتی دارد . نیز می گردد . شواهد قدیمی نشان دهنده آنست که نشانه های هنری ساخته شده از گل توسط انسان فقط تا پانزده هزار سال عقب می رود . مردم هند اشکال تجسمی زنان و مردانه و تجسمات حیوانی را معمولاً از خیلی قرون قدیمه تزیین می نمودند ولی هنر تیرا کوتا از دوره پالئو - لیتیک (کهن سنگی) آن گونه که در اروپا عقب می رود در هندوستان دور نرفته است اما با وجود آن هم میتوان گفت که انسان عصر سنگ در هند گل را به منظور فورم های

هنری شکل داده و بروی مقاصد مذهبی ازان استفاده کرده است . این احتمال زیاد هم در زمینه تیرا کوتای قدیم هند وجود دارد که شاید تکنیک های قالب ریزی و طرح های مربوط به آن نیز دارای پیشرفت های بوده باشد . در بخش تاریخی مساله ممکن بتوان گفت که تیرا کوتای هنری دارای سابقه پنج هزار ساله یا بیشتر از آن باشد . این نکته هم وجود دارد که هنری ها هرگز در شکل دادن و استفاده از شکل پذیری انواع گل خسته نشده اند زیرا هنر یکی از چندین کشور نیست که در آن تیرا کوتا به پیمانه غیر قابل تصور ساخته آمده و مقاصد ساختن این هنر نیز گوناگون بوده است - که این عنعنه هنوز هم به صورت گسست ناپذیر جریان دارد .

گل به عنوان وسیله ساختمانی نوعی از هنر های متوسط انعطاف و نرمی آن را دارد تا انسان آن را به هر شکلی که خواسته باشد درآورد و نقاط نظر عوام را در آن پیاده نماید . هنر تیرا کوتا به گونه نوعی از هنر های فقیرانه یعنی منوط به مردم تهی دست شهرت یافته . بدون شك در بعضی کشور ها حدفاصلی

را بین هنر های درباری و مردمی (فولکلوری) نیز به وجود آورده است قدیمی ها این هنر را قسمتی از هنرهای شاهانه به حساب می آوردند . که بعداً نوعیت هنرهای عمومی و مردمی را به خود گرفت . ولی تاریخ تیرا کوتا نشان می دهد که فن استفاده از گل موقعیت مساوی را بین ثروتمند و غریب به طور یکسان داشته است (پنا) شاعر قرن هفتم میلادی می گوید که امپراتور (هارشا) در موقع عروسی خواهرش دستور داد تا هنر مندان و قتل از میوه های خوش مزه و سعادت آور درختان و مخلوقات دریایی تیرا کوتا های برای مقاصد تزیینی جشن عروسی خواهرش آماده گردانند . باید افزود که این کمی مقدار و ارزش فن استفاده از گل و قابلیت انسان آن برای ساختن انواع فورم های گوناگون به پیمانه وسیع کلمه و در عین حال به واسطه رسوبات ساحلی (کنگام) که زیاد بدسترس می نماید استفاده از آن را بسیار سهل می نماید که آن را زیاد مورد توجه قرار داده است . همچنان این مساله منوط به موقعیت این هنر در مراکز در حدود شمال هندوستان میشود . زیرا این هنر در جنوب به نسبت نبودن گل خوب توسعه

پذیرفته و در (دکن) نیز موضوع چنین بوده، برای اینکه گل آن جا مناسب به این منظور نبوده است ولی در (کولن) این فن رشد نموده که تنها استثنای در (دکن) زیر ادا ره سلسله (ساتا واهانا) آنند ر ندر خشیده است.

قدیمترین نوع تیرا کوتا ی مردمی درقریه های مرتفع سرحدات شمال غربی نیم قاره جنوبی هند معمولاً توسط دست شکل گیری و شکل دهی می شد. لیکن درجریان فاصله کم زمانی نشانه های انکشاف در جریان تکنیکی این منطقه در (هریه) در نیمه آخر هزاره سوم پیش از میلاد پدید آمد. کوزه گران شهری حوزه (اندوس) نه تنها تیرا کوتا ی بهتر به وجود می آوردند. بلکه آنرا با قالب گیری های جالب تزئین و شبکه کاری می نمودند. که در عصر تاریک (دوره رکود فرهنگی) این گونه قالب گیری فرا موش شده بود و در قرن سوم پیش از میلاد دوباره احیاء گردید.

این نکته هم روشن گردیده که نمود های بعضی اشکال (عصر موریایی) از قالب های منوط به آن بر روی لوحه های که ساخته می شد به گونه برجسته مجسم می گردید. به این معنی که تأثیرات موریایی بر آن ها آشکار بود در دوره (سونگا) نوعی قالب گیری ویژه معمولاً به روی لوحه های کلان و هموار پیا پی می گردید. لیکن بعد از شروع عصر میلاد مسیحی. هنر مندان کوشانی طرز العمل قالب گیری را فراموش نمودند و فوراً های گوناگون و متنوع را بدست ابداع می کردند در عین عین زمان در (دکن) هنر مندان قالب های دوگانه را تجربه می نمودند که اینگونه تکنیک منشأ رو می راداشت که در زمان (گوپتا) و پیش از آن بعد از چهار قرن این هر دونوع تکنیک

ساختن تیرا کوتا به کار گرفته می شد.

یک نگاه زود گذر و سطحی بر سلسله وسیع تولید تیرا کوتا بصیرتی تمام برای انسان می دهد تا بتواند. زوایای گوناگون شکل و نوعیت این هنر را به شناخت گیرد. تیرا کوتا ی قدیم با مفاصم مسیحی و عقاید دهقانان پیشقدم همراه بود که از (الهه مادر) و معبد (گاونر) پیروی می کردند و بدان روح الهی (هریه) دست به ساختن انرا غرض شک های بازی اطفال زدند. و آلی مفاصم دینوی را هنرمندان موریایی روی دست گرفتند که با استفاده از آن مجسمه های کوچک تزئینی پسران و دختران در حال رقص را به وجود آوردند. طوریکه تیرا کوتا ی (سونگا) به گونه جوهره های عاشق (میتو ناس) نیز تجسم یافت که بعداً به نوعی ناو و داستان شفاهی عوام ازان استقبال می گردید. به عین سلسله در قرون نخستین مسیحی هنر مندان دست به ابداع تیرا کوتا های گلی زدند که واقعاً به شکل مجسمه های مینا توری به نظر می رسید، ظهور مجدد هندوویزم و انعکاس آن به پیمان وسیع در تولید لوحه های منقش تیرا کوتا نمایانگر صحنه های اساطیری با ارتباط به مضامین حماسی (پوراناس) گردید.

معیار های هنری مربوط به این مساله در عصر پیش از گوپتا و به نابودی و فساد رفت و تولید این نمود هنری در یک فاصله معین زمانی در دوره های میانه به رکود مواجه گردید.

### تیرا کوتای پیش از هریه:

قدیمترین نوع تیرا کوتا از نواحی شمال شرقی نیم قاره جنوبی هند توسط دست ابزار جوامع نخستین تولید کننده مواد غذای تمدن های (ژوپ) و (کولی) بدست آمده است.

این مردم پیش از هریه صا حبان تکنیک های شایان در زمینه تزئین اشکال حیوانی و انسانی بشمار می رفتند. که تمام دست ساخته های شان در شروع هزاره سوم پیش از میلاد عرض اندام نموده و ازین دو نوع (کولی) پر یار ترو به پیمان وسیع بوده است. این جوامع ابتدای در بسیاری جهات همزمان بوده اند و کم و بیش با هم تلاقی های نیز داشته و موازی با هم سطوح انکشاف خود را پیش برده اند. ولی طوریکه از مطالبات بر می آید کمتر روی هم تأثیر گذاشته و در گذشته های نخستین از نگاه هنری گاهی علایقی بین شان وجود داشته است - دهقانان و دهاتی های (کولی) دست به ابداع اشکال زیبای حیوانی به خصوص شکل های از نرگاوها می زدند که همه آن ها با خطوط سیاه رنگ آمیزی شده و چشمان شان بادایره های رنگین مشخص می گردیدند. و تما می شباهت و یکسانی بارنگ آمیزی های کوزه گری به هم می رسانید. این هم قابل تذکر است که این گونه رنگ آمیزی اشکال نرگاوها به تعداد وسیع در محدوده های مشخص حفريات (می هی)، (کولی) و (شاهی تمپ) نیز یافت گردیده است. که این گمان را به وجود می آورد، تا ممکن آن ها را برای تحفه دادن در مراسم تشریفاتی تهیه کرده باشند

اشکال و نمود های نرگاوها معمولاً کوچک به اندازه (تقریباً پنج تا ده سانتی متر یا ۲ تا ۴ انچ) بوده که دارای پاهای دراز و کوچک و کوهان برجسته به نظر می رسیده اند. که از مطالعه آن همه شواهد و نمود های طبیعت گرایانه به نمایش می آید. و بعضی ازان ها به گونه وسیع بازی به کار می آمده اند. برای اینکه هر کدام در حوضه پای هادارای سوراخی برای کشیدن بوده است.

اشکال وانواع مونث مجموعه تجسمات فر هنگه (کولی) دارای مضامین و سوره‌های ویژه خوداند. بدین مفهوم که هموار بوده و دارای بینی پهن اند و بعضی از قسمت های وجود شان چون چشمان موها، ناف و سینه‌ها بابر جستگی و گلوله های کوچک گل به چشم می خورند. تمام این مجسمه ها از سر تا پا بالباس نشان داده شده و زیورات گوناگون در آن ها به ملاحظه می رسد. دست های شان معمولا به کمر زده شده و بعضی از آنها استثنا با سینه های عریان به نظر می آیند با وجود یک طبیعت اصلی و هدف واقعی این اشکال - مونث مبهم باقی می ماند ولی در میان آنها فورم های دیده می شود که با دست هاد و طفل را به آغوش گرفته اند که ممکن این حالت نمایانگر بودن بعضی از آنها به حیث (الیه مادر) باشد. مشخصه مهم درین مجسمه ها اینست که آن ها معمولا بر روی استنادی استوار و محکم تعبیه شده اند که نشان می دهد به روی مقاصد مذهبی بر روی لوحه دایمی نگه داشته شده باشند.

نرگاو های (ژوب) نسبت به انواع (کولی) به گونه وافر و کافی نیستند ولی هر دو نوع هموار بوده و از نگاه تیپ شناسی با هم شباهت های به هم می رسانند.

نرگاو های (ژوب) تنو مند و قوی بوده و گرایش و نمود های زیادی به طبیعت وجودی خود دارند. در قبال این دریافت ها اشکال و نمود های تجسمی اسپ نیز دیده شده که نمایانگر نوع و حسی این حیوان در گذشته این ناحیه بوده است.

انواع مونث (ژوب) شکل (۱) - نشان دهنده یکنوع پیشرفت در تکنیک موضوع می باشد که تمام آن از حصه کمر به استنادی محکم تعبیه

شده اند. بسیاری دارای چهره های خشن و ترسناک با بینی و چشمان فرورفته به نظر می خورند.

اطراف سینه های شان بابرآمدگی ها چون نوک سینه نشان داده شده که نموداری از حاصل خیزی و پرمیزی میباشد. مثل انواع (کولی) تماما بالباس ها و جواهرات آراسته اند و نقاط گلوله مانند در وجود شان دیده می شود. مشخصه جسمی آنها اشاره به این دارد که (الیه مادر) درجا مع ابتدایی و اولیه وجود داشته است. که نمود نه های از آنها در آسیای غربی و زیاد تر در ایران دیده شده است که الهام گیرنده از همان گونه جامعه میا شد.

#### تیرا کوتا در هرپه:

در هرپه به گونه فراوان تیرا کوتا تولید گردیده است. انواع مونث این پدیده شبیه الیه مادر (شکل ۲) توسط دست ابداع شده که چشمان آن با گلوله ها مشخص شده و دهان با نواری باریک از گل نشان داده شده است. سینه و شکم بانو عی شکل مخروطی و گلوله از گل مجسم گردیده است. بر روی سر این مجسمه های گلی فورمی از باد زده دیده می شود که گاه لامشخص می نماید. تکنیک تزئینی این تجسمات شباهت های بانو ع (کولی) و (ژوب) را به هم می رسانند و تنها فرق در میان اینست که در نوع (هرپه) زمینه استنادی وجود ندارد و در انتقال این گونه مجسمه ها سهولت وجود نداشته و مانند انواع گذشته از تپه های پست و بلند شمال غرب بدست نیامده اند. زنان هرپه یی در حالت های گوناگون ظهوری دیده می شوند که فقط در حالت مالش دادن خمیر و یا پرورش و خزانند اطفال اند. بعضی از آنها نمایندگی از یک گونه الیه مادر را می نمایند که دارای سینه های برجسته و لب

های عریض بوده و زینت و آرایش در آن ها بسیار وافر دیده میشود. اشکال دیگری ازین مجسمه ها

بشکل عریان در (هرپه) دیده می شوند که بازوی شان بالای زانو گذاشته شده و به گونه نذری طوری معلوم می شوند که بروی آن نشسته اند و این حالت برای هنر مند ی که آن ها راساخته یکنوع کسب و اعتبار هنری را بدست می دهد. انواع مونث و الیه مادر در (هرپه) و (مو) هنوز دارم زیاد دیده می شود.

ولی بر عکس از نوع مردانه آن کمتر است. این نکته نیز از اهمیت متبازل بر خوردار بوده و قابل یاد آوریست که در کلکسیون (کولی) و (ژوب) حتی یک مورد تنه امردانه دیده نمی شود. و این مساله ناشی از آن میگردد که معابد الیه مادر در آن جایزاد دیده میشود. به ویژه در جوامع مادر خواهی و طرفداری از مادر یا غیر از آن زیاد رواج داشته است. ولی برخلاف این مناسط در کالی بنگال (راجستان) و اوتال (کجرات) نوعیت زنانه بسیار رانند دیده میشود. زیرا در آنها انواع مجسمه های مردانه زیاد است که همه این انواع مردانه بگونه وافر بدوی و ابتدای بوده و در تکنیک آن ها کدام پیشرفتی دیده نمی شود.

در حدود ونواحی (هرپه) انواع بیشمار اشکال حیوانی وجود دارد که میان همه نرگاو ها قابل یاد آوریست زیرا از نگاه مشخصات طبیعی مودل قابل ملاحظه در (کولی) و (ژوب) اینگونه حیوانات دیده می شوند و موجودیت زیاد نرگاو در این نواحی این گمان را به وجود می آورد که ممکن در وادی (اندوس) پرستش گاو مروج بوده است. چنانچه مارشال اظهار می دارد: در زمانه ماقبل التاریخ پرستش نرگاو در حدود مناطق وسطی و شرق



نزدیک نیز رواج داشته ، نقاطی که بعضی اوقات این حیوان در آن جاها به قسم حیوانی محافظ و نفع رسان مسکن و جای بود و با شش و گاهی هم همانند سمبول شیطان و وحشت معرفی گردیده است. (۲)

انواع دیگر حیوانات در کنار نرگاو ها چون خر، قوچ، بز، کرگدن، فیل، خوک، شیر و برعلاوه همه گوره خرویک شادی نیز از (لوتل) دیده شده اند و این خود نمایانگر آنست که جوامع موصوف از حالت بدوی و روستایی به شهری بدل شده اند

درین میان نرگاو ها با داشستن شاخهای کوتاه و غبغب برآمده دارای مشخصات جداگانه اند. که در بعضی آنها شاخ کوتاه و زیر گلو بشکل اغراق آمیز برآمده می باشد. (شکل ۳) پشم قوچها بشکل علامات چنگال (ناخن مانند) نشان داده شده و چین خوردگی پوست بینی بواسطه افزودن بار یکهای گل یا لوله های کوچک گلی مشخص شده است. بخش زیادی از این حیوانات راسک ماهی یا خوک های دریای تشکیل میدهد که وجود شان نمایانگر موجودیت انتقادی مردم برانهاست. معلوم میشود که بسیاری ساخته های شبیه حیوانات برای دادن تحفه بوده اند تعدادی زیاد از آن ها اسباب بازی بوده و بگونه مشخص تمیز داده می شوند. بعضی هم دارای وسایل تحرک بوده و به روی ارا به سوار اند. طوریکه امروز اطفال علاقمند بازی به بازیچه های ارا به دارزیادی باشند. ازین قسم مثال ها در تمام ساحات (هرپه) یافت شده است. بخش جالب این ساخته ها مجسمه های پرندگان چون خروس ماکیان طوطی، طاوس ترا اند که بعضی همراه با ارا به بوده و بعضی نیز آواز

از خود می کشند و تعدادی نیز توسط رانک آمیزی صابروبال شده و بعضی هم دارای حلقه های سرخ به نظر می آیند.

تعدادی از تیرا کوتا های (هرپه) توسط دست بسیار محکم و مضبوط ساخته شده اند. که از جمله اشکال انسانی دارای مشخصات جداگانه میباشند لیکن بعضی انواع مردانه این تجسمات نشان می دهند که هنرمندان آنها صاب پیشرفت های خوبی بوده اند و در زمینه ساختن تیرا کوتا های حیوانی این هنرمندان توانسته اند بسیاری جهات طبیعی و حیوانی آنها را به تماشا گذارند و در عین حال آنها را سخت و محکم بسازند از روی جسامت بسیاری از آنها معلوم میگردد که در میان ساختمان وجودی آنها کدام سیم یانی تعبیه شده است یعنی در وقت پخش گل آن لیم داغ یا سرخ وسط خالیگاه آن گذاشته شده که این طرز العمل نمایانگر قالب گیری این مجسمه ها بوده است، ماسک های کوچک از (هرپه) و (مو هنجو دارو) با نا زکی های خاص توسط قالب های نا زک ساخته شده میباشند. بعد از پختن بارنک سرخ شسته شده و بعد با ماده لغزنده بران لباس تعبیه شده است. این وجهه نمودار و حاکی پیدا بودن تیرا کوتا های رنگین در آن زمان می باشد. (۳)

### تیرا کوتای بعد از هرپه (عصر مس)

در حدود بیست سال پیش دوره بین تمدن آخر وادی اندوس و فرهنگ هرپه و دوره تاریخی قدیم تقریباً تاریک به نظر می رسد لیکن درین زمان یعنی در سال ۱۹۹۴ تصویر موضوع تغییر پیدا کرده زیرا بعد از استقلال نمودن های ازفر - هنگ عصر مس در حدود غربی و

مرکزی هند و (دکن) روشن گردیده است. آورندگان اینگونه فرهنگ پیشقدمانی بودند که در زمینه معرفی اقتصاد تولیدی منطقه اقداماتی را انجام داده و در ساختن ظروف ایستاده و ماهر بوده اند. در زمینه ساختن تیرا کوتا توسط آنها کدام معلومات درستی بدست نیست. زیرا شواهد و اسناد کافی درین مورد وجود ندارد. تنها موردی که نمایانگر موضوع می باشد اینست که معیارهای هنر بعد از (هرپه) روبه اضمحلال و خرابی گذاشته است. زیرا جوامع عصر مس هند میانه و غربی پیش ازینکه به مراتب تجدید حیات خود دست به زنند بیشتر به مسایل تجملی می پرداختند که این مساله از روی شواهد بدست آمده از حفريات چندین منطقه نواحی جنوب آشکار گردیده است. تنها روشنی امید از (مالوای غربی) جایی که هنرمندان کوزه گر (مالوای) و (اهار) تمایل خود را در هنر تیرا کوتا نشان داده اند، به ملاحظه میرسد، حفريات در «کایاتایا» یا ناحیه اوچین (میدی) - هاپردیش (به ابتکار (دکن کالج) و (پونه) و (پوهنتون ویکرم نمایان گر انواع تیرا کوتاها به اشکال حیوانی میباشند که اینگونه دست یافته ها در نوع خود ممتاز بوده و در دیگر نقاط به ملاحظه نرسیده است در عین حال این تیرا کوتاها باز مایشات (کاربن ۱۴) در حدود ۱۳۰۰ تا ۱۹۰۰ قبل از میلاد رانشان داده اند.

نوعیت این تیرا کوتاها غالباً حیوانی بوده و در میان شان اکثریت اشکال نرگاوها وجود دارد (شکل ۶۹) آنها از نگاه تحلیل و ارزیابی بدو گروپ مشخص تقسیم میشوند که یک نوع آن قرا بت با طبیعت خویش دارد و دیگری حالت های آن متمایل به انواع دیگر میشود. تمام آنها از

گل خوب ساخته شده و بدو ن کدام کثافت و در عین حال حرارت شایان یکسان می نماید. هیچ کدام از آنها بادیگری شباهت ندارد و در هیچ یک آثار رنگ آمیزی به ملاحظه نمی رسد. تنها مشخصه تزیینی علائم ناخن مانند درو ی جسم اشکال حیوانی میباشد که این علائم یادآور شباهت ها با انواع موجود در (هرپه) است - در بعضی از آن ها نکات تزیینی که توسط دست ایجاد گردیده نیز به نظر می آید. مدل های دیگری هم وجود دارد که کج و کوله بوده و نمود های شاخ مانند در آن ها دیده میشود. در این اشکال کوهان برجسته پدیدار بوده و دهان شان بسته می نماید. یعنی چشم و دهان به دید نمی خورد و پا های کنده مانند آنها شباهت به تیرا کوتا های ماقبل التاريخ به هم می رسانند.

نشانه های طبیعی در وجود نشان ظاهر نیست و این تنها نکته می باشد که توجه را به آن ها جلب می سازد و تأثیرات شیوه های گوناگون نیز بر این تیرا کوتا ها هویدا است زیرا در حالت های مختلف با سر های همراه با شاخ و کوهان های برآمده اند که تمام وجود شکل کلوله درازی را به خود گرفته است. (اشکال ۴ تا ۷) در بعضی اوقات دم آن ها هموار می نماید که گویا بر روی استنادی تعبیه شده و برای مراسم تشریفات به کار برده می شده اند. (اشکال ۴ تا ۱۰) در بعضی از این اشکال شاخ های کوتاه وجود داشته و بدنه آن هموار معلوم میشود و در بعضی از آن ها شاخ داشتن یاد آور شاخ مورد پرستش الهه (مینا نس) در قصر نوسوس می باشد که از اینگونه اشکال فراوان دیده می شود که هر کدام بایک جوره شاخ به نظر می آیند که تنها همانندی فامیلی بین شان بوده در دیگر

بخش ها شباهت های بین شان وجود ندارد.

درو عیت های طبیعی و اشکال غیر طبیعی از اول تا آخر موضوع به نظر می رسد ولی اختلاف و تباين شان همیشه وجود دارد. که این سخن مبین تکامل تدریجی آنها می باشد. نر گاوها همانند شیوه های دیگر در نوع خود بی مانند بوده و هیچگونه مثالی برای شان وجود ندارد و تا امروز موجودیت شان به گونه معما و رمز باقی مانده است.

هنر تیرا کوتا ی مربوط به دهقانان نخستین روزگاران هندمرکزی و (دکن) شامل اشکال حیوانی و زیاد تر نرگاوها و اشکال مونث است که دارای مشخصات هموار و کج بوده و بسیار ابتدای می نمایند. نوع مونث اینگونه تیرا کوتا ها معمولاً با پا های پهن و دست های مخروطی شکل اند و چهره آنها نامشخص بوده و سینه های شان از موادی دیگر برجسته نشان داده شده است. بعضی اوقات این قبیل اشکال حیوانی با تجسمی بزرگ توسط دست ساخته می آمده و به عنوان سمبول حاصل خیزی ویا الهه مادر نمایان می شده اند. واز میان شان یکی از (نیواسا) به گونه وسیع درخشش داشته و با دست های پهن و کوتاه میباشد. (شکل ۵) و دیگری از (بها ل) (مها را شترا) به کلی هموار به نظر آمده و همراه با ارزش های تزیینی میباشد (۵) از (ناو داتولی) نیز انواع تیرا کوتا های حیوانی و مونث گونه به دست آمده است (۶) نمونه دیگر از آنها به شکل لاک پشت از (پراکاش) حاصل آمده که حاوی ارزش خاص میباشد (۷) لیکن زیاده تر این گونه تیرا کوتا ها به اشکال بوتل های - کلان از (نیواسا) و (چاندولی) شکل (۷) پیدا شده اند که همه این

ها واقعاً دارای شیوه های برجسته کار بوده و از نگاه اهمیت مذهبی با وجهه خاص خود اند.

تیرا کوتا های زارعین عصر - سنگ جدید (نیو لیتیک) از دکن جنوبی که بیشتر شان نیز نرگاوهاست در ترکیب ساختن خود خام و نارس بوده و مثل اینکه توتة سنگی راضیقل داده و برس کرده و رنگ نموده باشند.

حفریات تازه در (انا مگون) ناحیه (پونه مهاراشترا) اشکال مرکب تیرا کوتا ی گلی را به روشنی تازه تری مصادف گردانیده است. (شکل ۸) همچنان معلوم میگردد که بسیاری از آنها ساخته دست مردمان قدیم (جوروی) است که از روی مطالعات قشر زمین به (۸۰۰ تا ۱۲۰۰) قبل از میلاد مربوط می شوند و دارای مشخصاتی چون پاها و دست های گوتاه و پهن و جسمات هموار اند نکته عمده در این تیرا کوتا ها اینست که نا پخته بوده و بانو عیت خوب به نظر نمی آیند و به ویژه بانو ع الهه مادر کاملاً تمایز دارند. شبیه این این کار ها اکنون توسط مردمان قریه های اطراف (انا مگون) با - خصوصیات تازه خود ساخته می آید که معمولاً از آرد گندم تهیه گردیده التماسی هست بمنظور موفقیت در تشریفات مذهبی اینگونه تیرا کوتا ها به نام (گنیش) معروف بوده که شاید از نوع (گنیش) آخری اقتباس شده باشد.

دردوره مس کلکو لیتیک نیز انواع گوناگون این تیرا کوتا ها شاید گونه ویژه یعنی به شکل خام ساخته می شده اند.

و خود نشان میدهد که چرا خام ساخته می آمده اند بهمین ارتباط شاید اظهار داشت که شبیه این تیرا کوتا های نرینه و نا پخته کلی

در حفريات تازه (شهر سوخته) در سيستان ايراني مربوط به مردمان عصر مس بدست آمده باشد.

اشكال كمانچه مانند تيراكوتا از هند مركزي مربوط به دوره مس (۱۲۰۰-۱۷۰۰) قبل از ميلاد نيز نمايندگي از الهه مادر را مي نمايد (شكل ۶) كه شباهت هاي فاميلى بين اشكال مرمرين جزاير (سيكلاديديك) يونان و اين تيراكوتا ها به ملاحظه مي رسد كه بعدا اين ارتباط تدو م نيافته است.

متاسفانه شواهد مربوط به زمينه هنري تيراكوتاي هر په همراه خود آثار هنري از ميان رفته و حال چيزي كه به نظر مي خورد حتي به حساب سايه بير و حهم نمي آيد.

در حدود شروع نخستين هزاره پيش از ميلاد در زندگي هند تغير شگرفي در تمدن و فرهنگ بـ واسطه شناخت و معرفي آهن پديد آمد. زيرا اين فلز عالي کاربردي در زمينه تسليح انسان و كش كردن ارايه هاي اسپي رابه ميان آورد.

اين عصر فتح آهن داراي عنا صر هنري نبود تنها نشانه هاي محدود از اشكال گلي در حدود وادي (گنگا) رابه عنوان ابتدائي ترين عنا صر هنري ميتوان ياد كرد. و چيزي كه باقي مانده نمايانگر قدرت خلاقانه گذشته هاي قديم است و مربوط به نسلهاي نوين منطقه نميشود زيرا فساد و خرابي معيارهاي هنري ناشي از حالت غير اسكان پذيري است و مدت زيادي رادربر گرفته تا كه دوباره حيات هنري تيراكوتا تجديد شده است. زما نيكه حالت هاي مشابه مطالعه ميشود مي توان كوشش هاي هنرمند رادردوره هاي نخستين تاريخي مشا هده نمود كه با اين كوشش هاي خود چيز هاي رابه وجود آورده كه كدام تجربه و

لياقت درانها نبوده ولي در عين زمان ادعائي كرده كه آنقدر زيادهم از پيشقدمان مسلك خود دور نرفته است. تيراكوتا هاي اوليه بوسيله (ستيلاگرام ريش) از نگاه روش بسيار عجولانه صنف بندي شده و نتيجه گرفته كه آنها توسط دست شكل داده شده و داراي سرهاي كلوله اند.

تيراكوتا هاي مربوط به دوره قديم تاريخي شامل اشكال و انواع حيواني، انساني و بعضي اوقات بازيجه هاي ارايه دار نيز مي شود كه بعضي از آنها از (بيهار) و (بوکسار) و پتنه بدست آمده اند و كم يازياد به گونه هموار بادست هاي جاني و كوتاه ديده مي شوند و از روش مطالعات تيپ شناسي نزديكي زياد با اشكال الهه هاي مادر ماقبل التاريخ دارند موازي با آن در نقاط ديگر به مقدار زياد در (كوشا مبي) و (بهيتا) (اوتراپديش) ديده شده و نيز اشكال فرا موش شده از متيو رانيز با اين نوع متذكره نزديكي هاي به هم مي رساند.

نوعيت اشكال (پتالي پوتره) حاكي وجوه متمييزي اند. زيرا اين ها با داشتن شاخ ها و اعضاي زياد بوده و در چهره آنها عناصر ي به ملاحظه مي رسد.

طوريكه بيني تقريبا هموار بوده و چشمان دايره مانند و دست هاي به كمر زده آنها را مشخص مي سازد سینه ها و ناف هاي اين اجسام نيز باداييره ها برجسته گردیده و گردن و كمر و پاهاي شان با خطوط پريده ديده مي شود. و در عين حال شكل پكه مانند سر اين تيراكوتاها و پا هاي كنده مانند آنها نمايانگر عنعنه و كار (هر په) مي باشد.

در حدود (ميكدا) تعداد زيادي از لوحه هاي حامل تيراكوتا هاي مر

غوب بمشاهده مي رسد كه نقش بوده و در آنها سر (ناگا) بدنه انساني به چشم مي خورد. چشمان در اين مجسمه ها با گلوله هاي سـ چمه مانند مشخص گردیده و خطوط افقي تمام جسم آن را پوشانده است زير سر آن كمر باريك ديده شده و سرين هاي آن بسيار حجيم به نظر مي آيد و تمام اين مسايل نشان مي دهد كه تيراكوتا ي مورد نظر از نوع مونث است كه ممكن اينگونه ساخته هانمايندگي از الهه مار (مناسا) را به نمايد. كه بايكنجاي نوعيت هاي حيوان و انسان بسيار جالب بنظر مي آيد (گرام ريش) اينگونه تيراكوتا هارا به زمان (سونگا) و (كوشا ني) يعني در حدود صد قبل از ميلاد و بعد از ميلاد متعلق مي دارند. ليكن اين تاريخ از روي تحقيقات زمين شناسي و حفريات جديد باستان شناسي تجديد نظر گردیده كه نشان مي دهد اشكال (ناگا) با صيقل سپاه گردیده و تاريخ آن به ۲۰۰ تا ۶۰۰ قبل از ميلاد بر مي خورد (۱۱) مباحث جديد درين زمينه مفروضات جديد ي رابه روشني قرار مي دهد و ويژه مطالعات زمين شناسي در زمينه كاوش هاي تازه مرا حل و وجه هنر تيراكوتا رادر هند به مسير گروه نولوژي نويني مواجه مي سازد. كه اين موضوع باشواهد با ستان شناسي و حفريات در شهر مركزي شمال غربي سرحد تا ييدو تقويه گردیده است.

كاوش هاي باستان شناسي در (چارسده) (پوشكر اواتي) قديميك تعداد اشكال تيراكوتا هاي كه به پيمانه وسيع در حدود غربى (اندوس) معرفي گردیده فقط دوياسه تاي آن از (تكسيلا) كه در حدود ۵۰ ميل به جانب شرق اندوس فاصله دارد. باز يافت گردیده كه هر کدام به اندازه (۶ تا ۷) انچ درازي داشته

واژ گل ساخته شده‌اند. این یا فته هادارا ی بینی برجسته، پهن و چشم های برآمده بوده و سینه های شان کوچک ولی باناف مشخص میباشد اطراف سرین آنها باخطی کوچک بریده شده و اعضا ی تناسلی آنها غیر ثابت می نماید. همه بابازوهای پهن ولی دارا ی دهنی باریک باخطی برجسته به نظر می آیند. و جود این اجسام با جواهرات پوشیده شده و روی سر آنها همچو تاج دسته گلی دیده می شود. درروی سینه گل بته به شکل متقاطع (چاناویرا) قرار دارد و مشخصه برجسته این خانم ها داشتن سرین بسیار کلان است.

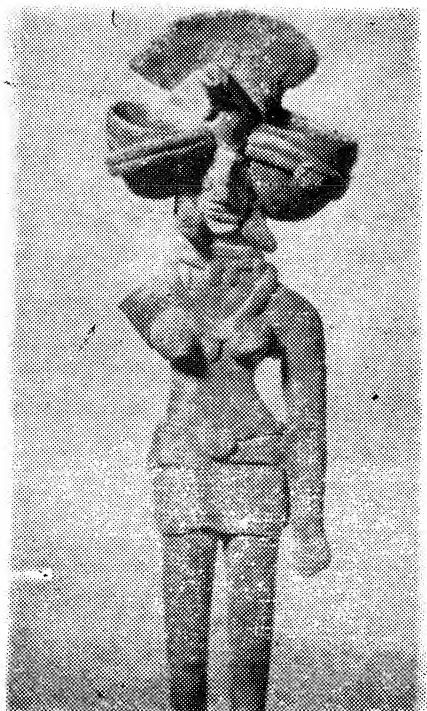
زنان (براکو) نخست توسط (کو ماراسوالی) باز مینه های تکنیکی و طرز ساختن آنها معرفی گردید که او تاریخ آنها را بدو هزار سال پیش از میلاد منسوب دانست (۱۳) و این تاریخ بسیار بعد، از طرف گردن (۱۴) زیاد مورد جرو بحث قرار گرفت زیرا اوبعضی ازین نمود های ستیا کوتا را نمایانگر انواع (سیتی) یا (اله انا هیتا) دانست. ولی منشاء نخستین معرفی این کلکسیون (سری دهری) بوده که او تاریخ آنرا به (۱۰۰) پیش از میلاد و بعد از آن می داند زمانیکه براین اجسام نسبتا مناسب می نماید. بعدا او تعدادی دیگر تیرا کوتا را از ((پیر)) حدود تکسیلا جمعآوری نموده و تاریخ آنها را به (۲۰۰) قبل از میلاد نشان داد. زمانیکه باستان شناس سو می (میل سیمون کوردو) به جریان داخل شد کاوش های این زن در سری دهری تاریخ را به سه هزار سال پیش از میلاد معرفی نمود. بدین گونه بانبودن حفريات علمی این مجموع تیرا کوتا های زنانه تقریبا دريك فضای معلق زمانی بین سه هزار سال پیش از عصر ما با قی

مانده است. حفريات (مور تیرو یلیر در (چار سده) به خوبی نمایان میسازد که شاید با مطالعات قشر شناسی زمین وشواهد موجود در آن نشان دهد که بعضی اوقات ازین اشکال در حدود قرن سوم پیش از میلاد دیده شده که تا يك قرن بعد و کمی جلوتر تا نیمه قرن دوم پیش از میلاد نیز به ملاحظه رسید و کلکسیون مذکور توانسته است از ابهام بدر آید، (۱۷) امپراتوری موریا تحت تسلط يك اداره متحدانه واجد مرحله وعاملی مشخصی فرهنگی گردید و در آن بصورت نا کهنانی وزود پای فعالیت های هنری وبه ویژه رگه های از هنر تیرا کوتا پیدا آمد که در روال آن اشکال ابتدایی هنری ناپدید گردید و نوعیت های جدید آن به صورت فورم های انسانی پدیدار شد. که این گونه هنر به شکل اشکار و مشخص در قالب پدیده های هنر تیرا کوتا خود را تبارز داد. و این تبارز از نگاه روش وسبک حامل مشخصه عالی و کشش های اناتو میک بود. تعدادی از تیرا کوتا های موریا یی از شهر مرکزی پاتالی پوترا و اطراف آن و نیز از دیگر نقاط وادی (گنگا) پیدا آمد.

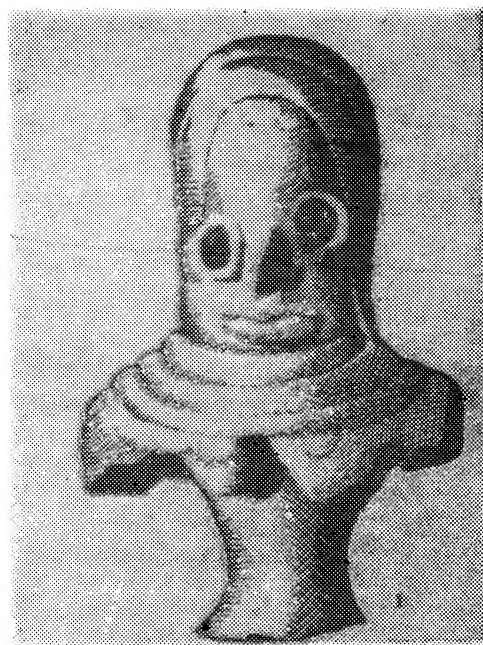
تعدادی تیرا کوتا بصورت های انسانی از حفريات (بلندی باغ) کشف گردید که همه تاحدودی با جثه دراز و وجهه عاطفی از نگاه مودل صورت بوده و این مشخصه در چهره آنها برجسته می نماید. از روی این مشخصه معلوم می شود که چهره ها قالب گیری شده و با قی اعضا ی موجود با دست تهیه گردیده و هر دو بخش پیش از پخته کردن با هم وصل گردیده اند که متوازنو هماهنگ بوده و انواع مادینه از روی لباس و دامن خود مشخص می گردند

راشکال ۹-۱۰-۱۱) بسیار ی از بلند بودن دامن آنها حدس زده می شوند که نمایانگر دختران باشند زیرا هنر مندکناره های دامن شان را با پستی و بلند ی ساخته که تنه پایهای آنها دیده شده و دیگر حرکات وجود پنهان به ماند. ولی با وجود این همه بعضی از آنها غیر هنری و با جسم مت پهن و کوتاه بوده و آرایش این تیرا کوتا ها حاکی پیچیدگی ها و وجوه عجیبی است. زیرا بعضی اشکال دکمه مانند روی سر آنها تعبیه شده و در حالت رقص دارا ی کمر بند و گلوبند و دایره های سردست میباشند مقایسه این ها با حالات رقص امروزی منی پوری و ناگا قرابت داشته و ثابت می سازد که قدامت این نوع رقص به دوره مور یایی رسیده یا از روی تیرا کوتا های مور یایی اقتباس گردیده اند.

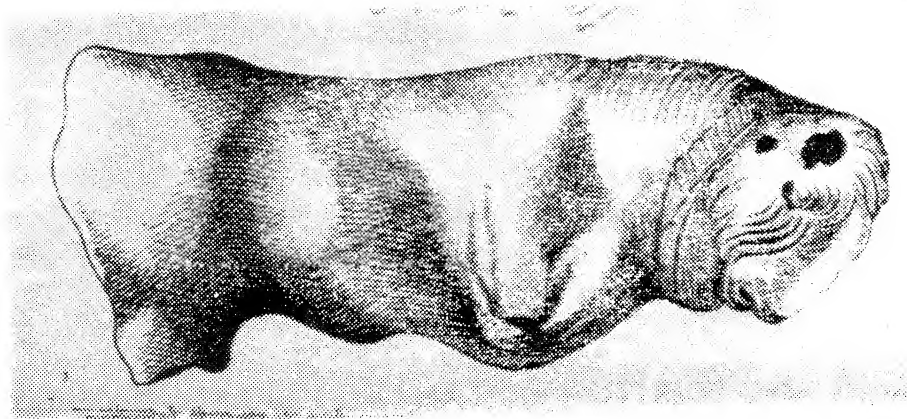
مرکز دیگری که از نقطه نظر هنر تیرا کوتای موریا ی دارا ی اهمیت است، متهورا می باشد، زیرا ازین محل تعداد زیادی تیرا کوتای برجسته بدست آمده است. گو دی های حیوانی عصر (موریا) اکثر دارای جسامت باریک بوده و رنگ سیاه راحا یز اندودر بعضی موارد جسامت آنها کج و کوله به نظر می خورد. از روی این نمود ها معلوم می شود. که اینگونه اشکال با وجهه متمایز بوده و با صیقل سیاه شما لی اراسته شده اند و در عین حال خطوط کار کوزه گری مور یایی نیز در آنها به ملاحظه می رسد زیرا در عین وضعیت پخته شده اند. تعدادی هم با خطوط کنده شده بر روی بدنه مشخص می شوند که شبیه تزیینات انوائع انسانی همزمان بانوع خود اند و این تزیینات عبارت از يك دایره یا دایره یی همراه نقطه به نظر می خورد که آخری آن چشم را به ذهن تداعی



۲- الهه مادر کشف شده از هریه



۱- تمثیل الهه مادر مکشوفه  
وادی ژوب

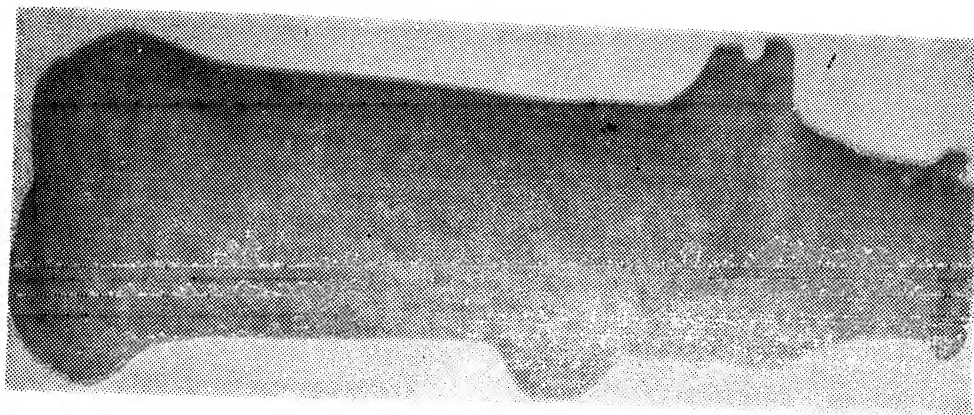


۳- تصویری از تیراکوتا به شکل گاو نر مکشوفه را جستان

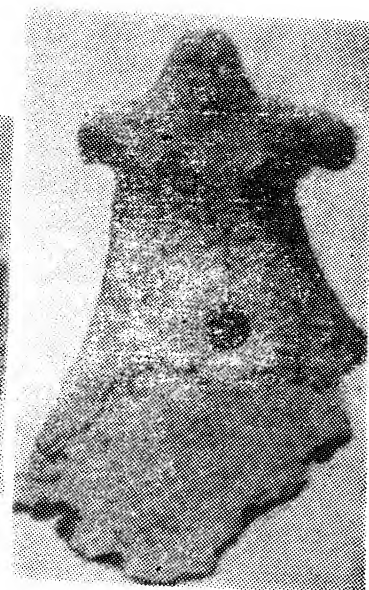


۴- اشکال تیراکوتا به گونه گاو نر مکشوفه کایاتا

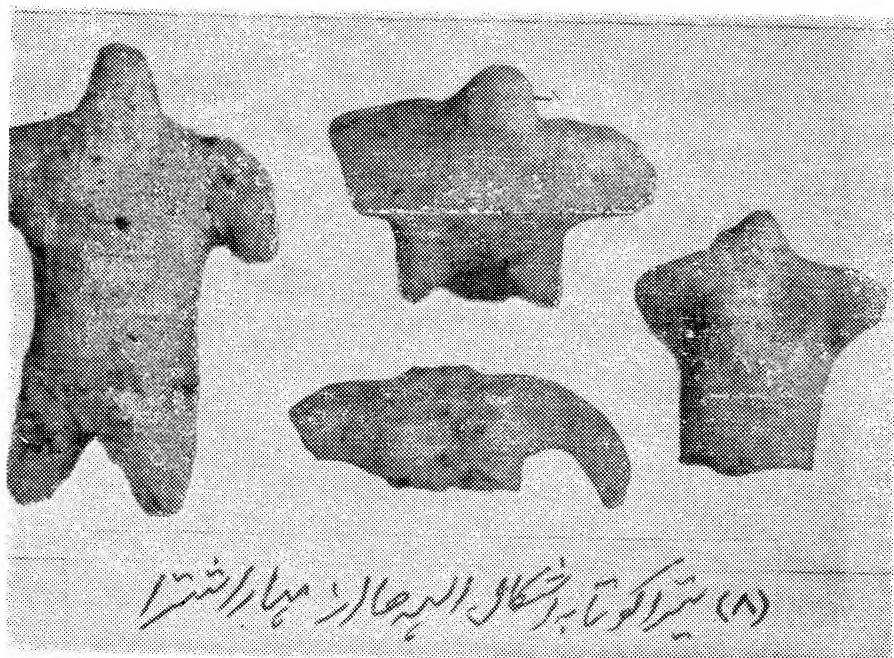




۷- تیرا کوتا به شکل بوتل از همپاراشترا.



۵- الهه مادر از نیوا سا



۶- تیرا کوتای الهه مادر از بیلاوالی



(۹) تیرا کوتای اکشمو شاه از دانه‌سی باغ



(۱۰) تیرا کوتای اکشمو شاه از دانه‌سی باغ



(۱۱) تجسمی هونت از تیرا کوتا

مینماید و در نزد عوام درگذشته چشمان شیطان به این گونه بوده است .

بعضی از تیرا کوتا های این عصر بدو ن تردید عنا صر خارجی و به ویژه تاثیرات هنر (هلنی - پارسی) رادر خود نمایان می سازند که درین ردیف دو کله انسان مذکر از بصره بدست آمده که نه تنها سر آنها تزئین خارجی دارد بلکه حالت غریزی جسم آنها نیز هموار بوده و مودل های (هلن - پارسی) را یاد آور میشود .

(کوماراسوامی) (۱۸) تاثیرات غرب آسیا رادر انواع مونث بالدار که از (بصره بدست آمده یاد آور میشود، که عین تاثیرات در هنر در باری امپراتوری مور یابی به ملاحظه میرسد .  
به گفته ستیلا کرامیش (۱۹) زمانی که پتالی پو ترا توسط ایوا کراتیدس مورد هجوم قرار گرفت ، ذوقیات هنر یونانی بر مشام هنر مندان پتنه به مشا هده رسید . گر چه این مسأله بعداً اتفاق افتاد لیکن تاثیرات خارجی پیش از اداره چندرا گو پتا بر آن وضاحت دارد که این موضوع در تاریخ هم روشن گردیده است .  
(نا تمام)

### ماخذ

- ۱ - وی . اس . اگر اوال ، هر ساچریتا - ای ، ك ، سا مسكر ينك ادھيانا (پتنه ۱۹۵۳ ص ۷۱) .
- ۲ - جان مارشال موهنجو دارو ، تمدن اندوس جلد اول (لندن ، ۱۹۳۱) ص ۷۲
- ۳ - ای . مکی . حفريات در موهنجو دارو (دهلی ۱۹۳۷-۳۸) جلد ۱ ص ۲۶ .
- ۴ - ضمیمه باستا نشنا سی ۱۹۵۶-۵۷ . يك تجديد نظر ص ۱۷
- ۵ - همان كتاب ۱۹۵۷-۵۸ پلت ۳۴
- ۶ - بی كا ، تپار پر كاش ۱۹۵۵ . يك ساحه كلكتيك در وادی تپتی ، هند قدیم نمبرهای ۲۱-۲۲ (۱۹۶۷) ص ۵۹ . پلت ۱۷
- ۷ - اچ . دی . سانكا لیا (روشنی تازه برارتباط هند و ایرانی باروابط مناطق آسیای غربی بین سالهای ۷۰۰ و ۱۲۰۰ پیش از میلاد ، هنر آسیا جلد ۱۶ (۱۹۶۳) ص ۳۱۹ (شکل ۱۰)
- ۸ - ام ، توسی كاوش ها در شهر سوخته ، شرق و غرب (۱۹۶۸) ص ۵۵ - اشكال ۷۲-۷۴ و ۷۵
- ۹ - تیرا کوتا ی هندی فسیوا ، ۷ (۱۹۳۹) ص ۹۳
- ۱۰ - همان كتاب
- ۱۱ - كا ، دیوا و . وی . مشر احفريات ویسالی (۱۹۵۰) ویسالی (۱۹۶۱) ص ۵۵ پلت ۱۷
- ۱۲ - مور تمیر ویلر چار سده شهر مرکزی سرحدی (اكسفورد ۱۹۶۲) ص ۱۰۴
- ۱۳ - بوستون - مس بلت . هنرهای زیبا نمره (۱۵۲) (۱۹۲۷)
- ۱۴ - فرای ۱۹۳۲ ص ۱۶۵
- ۱۵ - تاریخ تیرا کوتا ی سرحدی عراق ۱۹۳ صفحات ۸۵-۸۸
- ۱۶ - دریافت های تازه در وادی اندوس ، عراق (۱۹۳۷) ص ۱
- ۱۷ - ویلر همان كتاب صفحات ۱۰۴-۱۰۵ .
- ۱۸ - تاریخ هنر هند ی و انلسون یابی (نیو یورك) (۱۹۲۷) ص ۱۲ .
- ۱۹ - فسیوا (۷) ۱۹۳۹ ص ۱۰۷

نویسنده: Robert H. Brill  
Corning Museum of Glass

ترجمه از معاون محقق - اکبر  
بهمنی (تهی)

## راپور تجزیه کیمیاوی:

# بهرخی از شیشه های افغانستان

این عملیات و آزمایشات کیمیاوی توسط  
Mr. C. A. Jedicha  
Dr. R. H. Brill  
مربوط به موسسه  
شهر نیویارک ایالات متحده امریکا  
اجراء و عملی گردیده است.

عملیه تحلیل و تجزیه کیمیاوی بطور ابتدایی صورت گرفت زیرا فعلا صرف ارقام کمی از تحلیل و تجزیه کیمیاوی شیشه های موجود که به اثر حفريات ازساحات با - ستانی افغانستان پیدا شده به دسترس قرار دارد. ای. وی. زایر E. V. Syare راپوری

درمورد تحلیل و تجزیه کیمیاوی بعضی از شیشه های قدیمی افغانستان که از ساحه باستانی بگرام بدست آمده نشر کرده است. در این راپور بهصورت عمومی چنین ابراز نظر و تلقی بعمل آمده که شیشه های بگرام غالباً از غرب و به احتمال قوی از سرزمین سوریه وارد کشور افغانستان (بگرام) شده باشد. (۱) همچنان تحلیل و تجزیه توصیفی Spectrographic analysis از هژده نمونه شیشه که از حفر -

نمونه هایی که به منظور انا لیز (تجزیه و تحلیل کیمیاوی) به این موزیم داده شده به مثابه بخشی از سروی تحلیلی متداوم و همیشگی شیشه های قدیمی و باستانی که توسط این موزیم انجام داده میشود مورد تحلیل و آزمایشات کیمیاوی قرار گرفت و دونوع تجزیه کیمیاوی از این شیشه ها بعمل آمد: شیمی تجزیه تحلیل کیمیاوی اسپکتر و گرافیک Spectrographic analysis فیک

بود که در اثر آن معلومات نیمه کمی یا نیمه مقدار ی quantitative Semi درمورد غلظت عناصر کمیاب و نیز مقدار عناصر عمده و غیر عمده تر - کیب هر یک از پارچه های مذکور به دست آمد. به تعقیب آن تجزیه کیمیاوی مرطوب Wet chemical analysis از آنها انجام یافت. این تجزیه و تحلیل کیمیاوی توسط عملیه جذب اتمی Atomic absorption technique اجرا گردیده که ارقام مقدار ی و کمی درمورد هر یک از عناصر عمده و غیر عمده شامل ترکیب شیشه های مذکور بدست آمده است. تمام

گروپی مشتمل برده پارچه شیشه glass مکشوفه ساحات مختلف افغانستان بوسیله پرو - فیسور دوپری غرض تجزیه و تحلیل کیمیاوی به موزیم شیشه (رکور - نینگ) سپرده شده بود. این توتو و پارچه های شیشه از سه ساحه مختلف باستانی افغانستان بدست آمده که از نقطه نظر قدمت زمانی ارتباط پیدا میکنند.

به ۳۰۰ - ۴۰۰ میلادی تا اوایل اسلام تعداد زیادی از این شیشه ها طوریکه پیدا است واضحاً مربوط به ظروف شیشه ای بوده، لیکن جسامت و اشکال با قیمانه آنها آنقدر کافی و به اندازه ای نمیباشد که بتوان به رویت آن هر کدام را به یک سبک مشخص ساختن ظروف نسبت داد و یا آنرا با اشیای سا - ختمانی دیگر که از سایر منابع بدست آمده مقایسه نمود. شرح مفصلی از خصوصیات این توتو و پارچه های شیشه طور جداگانه در کتلاک و جدول منضمه راپور هذا داده شده است.

یا ت (شمشیر غار) بدست آمد قبلا توسط پرو فیسور دو بری منتشر و شایع گردیده است. (۲) مقدار بسیار ناچیز واند کاز نمونه ها که در مطالعات و تحقیقات ما مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته و واضحاً به هیچ وجه چنین تعبیر شده نمی توانند که بگوئیم شیشه های مذکور در ادوار قدیم در خود افغانستان ساخته شده یا مورد استعمال قرار داشته است. اما طوریکه دیده شده و ضحاکثرا همین طور بوده و شایده این پارچه های محدود و ناچیز صرف نمونه های باشند که فعلاً در دسترس ما جهت مطالعه قرار گرفته و روی همین اصل است که ما با یک امید واری تمام تحلیل و تجزیه پارچه های مذکور را انجام دادیم تا به گونه ای در روشن ساختن موضوع کمک کرده و گستره مطالعات جامع تری را در زمینه باز کرده بتواند.

از روی جدول ارقام و اعداد حاصله ملاحظه شده میتواند که همه این شیشه ها به استثنای یکی در ترکیب خود از تپ شیشه سودا - لایم - سلیکا:  $\text{CaO}$  -  $\text{SiO}_2$  میباشد که بایک لیول و اندازه بلند اوکساید پوتاشیم  $\text{K}_2\text{O}$  و اوکساید مگنشیوم  $\text{MgO}$  که

بیشتر و دقیقاً به حیث شیشه های  $\text{Na}_2\text{O}$ - $\text{K}_2\text{O}$ :  $\text{CaO}$ - $\text{MgO}$ :  $\text{SiO}_2$  دسته بندی شده میتوانند میباشند غرض شناخت و دانستن مبدا و منشأ این شیشه ها، مقدار و اندازه پوتاشیم اوکساید  $\text{K}_2\text{O}$  و مگنشیوم اوکساید  $\text{MgO}$  بسیار مهم و پر ارزش است این موضوع با تفصیلی که زایر Syare و سمت

درمورد داده اند با مروری به کتگوری پوتاشیم اوکساید و مگنشیوم اوکساید در دست بندی که از شیشه

ها نموده اند به نحو بهتر توضیح شده میتواند. Smit, Syare

باترسیم طیف عنا صر متشکله شیشه های قدیم که تاریخ و منشأ عمتناوب و مختلف دارند بوسیله یک سلسله تحلیل و تجزیه های کیمیاوی، شیشه های قدیم و باستانی را بدو کتگوری علیحده دسته بندی نموده اند: کتگوری اول مشمول شیشه های دارای غلظت کم اوکساید پوتاشیم  $\text{K}_2\text{O}$  و اوکساید مگنشیوم  $\text{MgO}$  میباشد

که شیشه های شامل آن از ۱۰ الی ۱۵ درصد اوکساید پوتاشیم و از ۵ الی ۲۵ درصد اوکساید مگنشیوم زادر خود دارند. کتگوری دوم مشمول شیشه های دارای غلظت نسبتاً بلند این اوکسایدها میباشد که از یک الی ۴ فیصد اوکساید پوتاشیم و از ۱۳ الی ۹ فیصد اوکساید مگنشیوم در ترکیب شیشه های شامل این کتگوری دخیل می باشد. هر دوی این کتگوری که به وسیله زایر و سمت صورت گرفته دارای سودا  $\text{Na}_2\text{O}$  به حیث جز و قسمت عمده اصلی در ترکیب شان میباشد در حالیکه اوکساید های  $\text{MgO}$ ,  $\text{K}_2\text{O}$  به حیث اجزای کوچک و فرعی نسبت به  $\text{Na}_2\text{O}$  در شیشه های مذکور در نظر گرفته شده است.

باید خاطر نشان کرد که ترکیب این شیشه های (قبل از اسلام) از ترکیب شیشه های مربوط به قرون وسطی تفاوت فاحش و صریح دارد چه در شیشه های قرون وسطی جز عمده اصلی ترکیب آنها را اوکساید پوتاشیم  $\text{K}_2\text{O}$  تشکیل داده و سودا  $\text{Na}_2\text{O}$  جز کوچک و غیر عمده بوده و نسبت به مقدار  $\text{K}_2\text{O}$  به اندازه کم در ترکیب شیشه های مذکور

شامل میباشد.

قسمت زیاد تر شیشه های ادوار قبل از اسلام از منابع شرقی به دست آمده و غالباً چنین گمان می رود که شیشه های مذکور در همین مناطقی نیز ساخته شده باشند این نوع شیشه هادر کتگوری شیشه های دارای مقدار زیاد اوکساید پوتاشیم و اوکساید مگنشیوم شامل می شوند. این موضوع چیز اعجاب انگیزی نیست زیرا طوریکه در جدول ارقام منضمه این را پور مشاهده کرده میتوانیم نمونه های را که مادر افغانستان بدست آورده

ایم نیز غنی از  $\text{MgO}$ ,  $\text{K}_2\text{O}$  میباشد. در جدول متذکره یگان استثنای صرف پارچه نمره (۱۳۵۸) است که در بین کتگوری شیشه های دارای مقدار کم اوکساید پوتاشیم و اوکساید مگنشیوم موقعیت دارد و میتوان بامعقولیت تمام قبول کرد که از منبع دیگری غیر از منابعیکه مابقی شیشه ها از آن تهیه و تدارک گردیده تورید شده است.

مقادیر اوکساید پوتاشیم در شیشه های که از افغانستان بدست آمده و مورد تحلیل و تجزیه کیمیاوی از طرف ما قرار گرفته نسبت به مقدار یک به طور معمولی در بین کتگوری دارای مقدار زیاد و بلند اوکساید پوتاشیم و اوکساید مگنشیوم یافت میشود باز هم بیشتر است و این مقدار بین ۲۵ الی ۹۴ درصد و سان دارد. چنانچه در جدول منضمه راپور هذا از جمله نه نوع شیشه در پنج نوع آن اوکساید پوتاشیم از اندازه ۴۰ فیصد تجاوز میکند در حالیکه داکتر زایر Syare

صرف به ندرت یک مقدار اوکساید پوتاشیم را در یافته که مقدار اولیول آن از ۴۰ فیصد تجاوز میکند. یک بررسی و چک مستقل دیگر از این تحلیل و تجزیه های کیمیاوی بوسیله یک نفر انا لیست فابریکه شیشه



کور نینگ موزیم موسوم باویلیم م  
پاسمر Williram Passmer

صورت گرفته که نتایج حاصله  
از آن عمدتاً موافق به آنچه که قبلاً  
تعیین شده بود میباشد. بنابراین  
ما اطمینان بیشتری حاصل میکنیم  
که نتایج حاصله ما که مقدار زیاد  
K<sub>2</sub>O را نشان میدهد معتبر و

درست بوده و دارای اهمیت وافر  
میشود. تصویری را که طیف آنالیز  
(تحلیل و تجزیه کیمیاوی) شیشه  
های افغانستان می دهد به این  
اندازه منحصر می گردد. ما یک  
عدد شیشه (نمره ۱۳۵۸) را یافتیم  
که از تیپ شیشه های دارای مقدار  
کم اوکساید پوتاشیم و مگنشیوم  
باشد. سه عدد شیشه (نمره ۱۳۴۲ -

۱۳۵۹ و - ۱۳۶۰) از تیپ شیشه  
های دارای ترکیب مقدار عادی و  
معمولی اوکساید پوتاشیم و او -  
کساید مگنشیوم است. پنج عدد شیشه  
متباقی که معلوم می شود بسیار  
زیاد غنی از مقدار اوکساید پوتاشیم  
و اوکساید مگنشیوم میباشد به کتگوری  
مشمول شیشه های دارای مقدار  
زیاد اوکساید های مذکور

Mgo K<sub>2</sub>O

تعلق میگیرد. برای دریافت نتایج  
دلخواه و بهتر باید در تجسس شیشه  
های با ترکیب مشابه پنج پارچه  
اخیرالذکر در جاهای دیگر با شیم  
ضرورت بیشتر برای جستجو و  
تجسس همچو شیشه ها احساس  
نمیشود چه ۱۱ عبدالرزاق و  
A. A. Abdurrazakov

وم ۱. بس بورودوف  
M. A. Basborodov

نتایج عملاً زیاد تحلیل و تجزیه  
شیشه های قدیم آسیای مرکزی  
را به نشر رسانده اند در میان یک  
صدوسی تجزیه و تحلیل کیمیاوی  
که ایشان از همچو شیشه ها راپور  
داده اند، چهل نوع شیشه با آن  
مقداری از اوکساید پوتاشیم و  
مگنشیوم دیده میشود که با شیشه

های باعین اوکساید ها که مایا فته  
ایم: آن دسته از شیشه های که  
بمقدار ۵۰ فیصد او پوتاشیم  
شیم و مقدار تخمینی بین ۲۰ تا ۶۰  
فیصد اوکساید مگنشیوم اند، قابل  
مقایسه میباشند. این چهل نوع  
شیشه هما نظیر یکدیگر با آنرا تحلیل  
و تجزیه کردیم همان شیشه های  
اند که سو دا Na<sub>2</sub>O همیشه به  
حیث جز الکلی آنها بوده و با مقدار  
تخمینی ۱۳-۹ فیصد سو دا

میباشند. همچنان دسته دیگر  
از شیشه ها موجود است که درتر  
کیبشان غلظت هردو اوکساید پو  
تاشیم و مگنشیوم تقریباً عین چیز بوده  
و هر دو به سطح تقریبی ۶-۹ فیصد  
قرار دارند.

شیشه های قابل مقایسه که از  
طرف عبدالرزاق او ف و بس بورودوف  
راپور داده شده همه از آسیای  
میانه بوده و سوابق تاریخی بین  
قرون هشت الی سیزده میلادی را  
دارند لیکن عمدتاً به حوالی قرن  
یازدهم میلادی ارتباط پیدا میکنند  
بعضی از ساحات حفاریاتی در نزد  
یکی های تاشکند، سمرقند، بخارا  
فرغانه و (جمبول) Dzhabul

قرار دارد مرکز این حوزه با -  
ستانی تقریباً در چهار صد کیلو  
متری شمال (غارمار) و دیگر منابع  
نمونه های بدست آمده ما، واقع می  
باشد که گفته میتوانیم هردوی این  
منابع دارای منشأ و تاریخ مشترک  
میباشد.

تغییر در مقدار Mgo, K<sub>2</sub>O  
در شیشه های همین قسمت های  
جهان غالباً از تنوع و تغییرات در  
ترکیب خاکستر نباتات صورت -  
گرفته که به عقیده ما به حیث منبع  
الکلی استعمالی میگردید این موضوع  
و انشعابات دیگر مربوط به آن به  
صورت مشروح و جامع در نشرات

بعدی مورد بحث و ومداقه قرار داده  
خواهد شد.

بناء بسیار زیاد معقول به نظر  
میرسد تا استنباط گردد که شیشه  
های غنی از اوکساید های پوتاشیم  
K<sub>2</sub>O و مگنشیوم Mgo  
که در بین شیشه های افغانستان که  
فعلاً بدسترس ماقرار دارد نیز  
پیدا شده جزء و قسمتی از شیشه  
های اند که ساختن آنها به صورت  
یک عنعنه در آسیای مرکزی رواج  
داشت که با همچو یک ترکیب سا -  
ختمانی مشخص گردیده اند.

این مساله که آیا شیشه های  
مورد نظر ما که از افغانستان بدست  
آمده در خود این کشور ساخته شده  
و یا از کدام جای دیگر آسیای -  
مرکزی مثلاً از تاشکند و یا مناطقی  
دیگر به این سرزمین توریید گردیده؟  
به حیث یک سوال لاینحل و نهایت  
دلچسپ باقی می ماند.

از آنجا یک نمونه های داده شده  
برای تحلیل و تجزیه کیمیاوی بسیار  
ناچیز و اندک بود ما نتوانستیم  
روی موضوع غلظت عناصر کمیاب  
و غیر عمده ترکیب این شیشه ها  
بحث نماییم، لکن دونگته را عجلان  
در زمینه یاد داشت کرده میتوانیم:  
اول اینکه از جمله شیشه های یافت  
شده مذکور صرف در یکی  
آن شیشه (نمره ۱۳۶۶) اوکساید  
انتیمونی Sb<sub>2</sub>O<sub>5</sub> با یک لیول  
۴۰ فیصد موجود میباشد که به  
صورت اضافی عمدتاً در ترکیب  
آن در نظر گرفته شده زیرا انتیمو -  
نی به صورت متداول در بین  
شیشه های که به ادوار پائین تر از  
حدود ۳۰۰-۴۰۰ بعد از میلاد ارتباط  
میگیرند دیده نمیشود. بعضی ها به  
این عقیده اند تا تاریخ این شیشه  
را اینست به آنچه که از روی عملیه  
تحلیل و تجزیه اسپکتروگرافی  
تخمین زده میشود، اندکی پیشتر  
تعیین نمایند. به علت اینکه پارچه

مذکور بسیار کو چك پودمو رد تجزیه مقدار ی

Quantitative analysis

قرار گرفته نتوانست . روی این ملحوظ ما صرف معلوما ت اسپکتروگرافی در مورد مقادیر اوکساید های پوتاشیم و مگنیشیم از پارچه مذکور به دست آوردیم از روی آن به اثبات میرسد که شیشه مذکور یک عضوی از کتگوری مقدار پائین اوکساید پوتاشیم و اوکساید مگنیشیم که شیشه نمره ۱۳۵۸ نیز به آن - کتگوری تعلق میگیرد ، میباشد .

سه پارچه شیشه نمرات ۱۳۶۷ - ۱۳۶۵ و ۱۳۶۱ با مقدار کافی از اوکساید مگنیز  $MnO$  میباشد که بالاتر از میزان عادی این تر - کیب قرار گرفته و واضحاً ۰.۳ فیصد اوکساید مگنیز  $MnO$  عمداً در آن ها اضافه شده است ولی با آنهم عده یی متردد اند تا قبول نمایند که مقدار فوق الذکر  $MnO$  برای این نوع شیشه های به خصوص حتمی و ضروری بوده است ، در حالیکه اکثری از شیشه های که توسط بس بور دو ف تجزیه گردیده اقلاداری همین مقدار زیاد  $MnO$  میباشد .

دو دیگر اینکه شیشه های نمره ۴۴۱ و ۱۳۶۰ با لتر تیب دارای مقدار دیر بالغ بر ۹۱ ر. فیصد و ۶۷ ر. فیصد اوکساید مس  $CuO$  بحیث ماده ملون کننده در خود میباشد در ترکیب شیشه (نمره ۱۳۶۰) رنگ آبی - سبز به مقدار کم و زیاد -

طوری که انسان از همین مقدار معین فوق الذکر اوکساید مس مخصوص - صا با مقدار نسبتاً آهن تو قع کرده میتواند دیده می شود . اما دوشیشه (نمره ۴۴۱) بنابر موجودیت فلز سرب  $Sb$  رنگ آبی آن به یک رنگ سبز زمرد شکل قدری تغییر یافته است . این رنگ ها مشابها به

رنگ شیشه های میباشد که در - ازمنه رو من اخیر Late Roman و مسلمین در بعضی جا های دیگر ساخته شده است .

مقادیر اوکساید مس  $CuO$  با مقادیر فلعی ، و سرب نقره در یک اثر - تباط و تاثیر متقابل اند که غالباً متضمن استعمار مفرغ  $bronz$  و یا محصولات خوردگی مفرغ  $bronz corrosion$  به حیث منبع مس رنگ دهند در این شیشه ها میباشد .

بدبختانه توتته های شیشه یی به دست آمده ما آنقدر بزرگ و بیان کننده شیب و اشکال ساختمانی ظروفیکه از آن جدا شده اند نمی باشد زیرا بسیار دلچسپ بود اگر اشکال ساختمانی و شیب این ظروف معلوم شده میتوانست در آن صورت می توانستیم آنها را از نگاه شکل و شیوه ساختمانی با آنها - ییکه توسط عبدالرزاق اوف و بس بور دو ف تجزیه و تحلیل کیمیاوی گردیده اند ، مقایسه نماییم . شاید حفریات بعدی در این مناطق افغان - نستان ما را یاری کند تا معلوما ت بیشتری درباره تاریخ شیشه های یافت شده این کشور بدست آوریم .

کتلاک شیشه های تحلیل و تجزیه شده

۴۴۱ - توتته های کو چك از شیشه سبز زمرد رنگ ، غار مار ، اق - کپرک ۱ . Cut 1a: 50-100

۱۴ - حوالی ۱۹۶۲ ، حوالی ۵۰۰-۶۰۰ میلادی ، (عصر اخیر آهن)

۴۴۲ - توتته یی از لبه یک ظرف شیشه یی ، غار مار ، اق کپرک ۱ .

جولای Cut 2e: 1001

۱۹۶۲ ، حوالی ۵۰۰-۶۰۰ میلادی ، (عصر قدیم آهن)

۱۳۶۵ - ساقه یک ساغریا چراغ از شیشه سبز کم رنگ زود گونه بافر سایش بسیار زیاد قشر

هایپو سته های فرسوده شده نار ینجی بالکه های سیاه غار مار ، اق کپرک ۱ .

300: (1/2) Cut 6r: 75

۲۸ ، اگست ۱۹۶۵ ، حوالی ۴۰۰ - ۳۰۰ میلادی (دو پری - نمره ۸) (عصر قدیم آهن) .

۱۳۵۸ - توتته های غیر منظم از شیشه کم رنگ کپر با یی رنگین کمان ضعیف ، غار مار ، اق کپرک ۱ Cut 5n: 200

۲۵ - اگست ۱۹۶۵

حدود ۴۰۰-۳۰۰ میلادی ، (دو پری - نمره ۳) (عصر قدیم آهن) .

۱۳۵۹ - پارچه کو چك جدا ریک ظرف بدنه دار (blown) از شیشه سبز آبی کم رنگ ، بدون فرسایش یا کمی فرسوده (با لکه های حباب مانند هموار و سطح پر گر دیده است غار مار ، اق کپرک ۱) Cut 1a: 20

۱۳ جولای ۱۹۶۱ ، اسلام

می قدیم (قبل از قرن سیزدهم میلادی) ، (دو پری - نمره ۷) .

۱۳۶۰ - پارچه کو چك لبه یک ظرف بدنه دار از شیشه شفاف سبز آبی نما ، بدون فرسایش ، غار مار ، اق کپرک ۱ ،

Cut 1a: 0-20

۱۳ جولای ۱۹۶۲ ، اسلامی قدیم (قبل از قرن سیزدهم میلادی) ، (دو پری - نمره ۷ - نمونه دوم) ،

۱۳۶۱ - پارچه یی خورد از کعب یک ظرف کوچک با علامت نقطه نقطه از شیشه سبز کم رنگ همراه بادانه هاوسنگ ریزه هاو درز های متعددی اولی ، غار مار ، اق کپرک ۱ ، Cut 50: 200

۲۵ ، اگست ۱۹۶۵ ، حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ میلادی ، (دو پری - نمره ۸) ، (عصر قدیم آهن)

۱۳۶۵ - پارچه کوچکی از قسمت کعب یک ظرف کوچک ، شیشه سبز

ریتونوی بدو ن فرسا یش ، هزاراد  
گوسفند (۳) ،

Cut 3i: 80

۱۶ جولای ، ۱۶۶۶ - اسلامی قدیم  
(۹) (دویری - نمره ۵) .

۱۳۶۶ - پارچه های خرد وریزه  
یی از يك شیشه آبی رنگ بافرسا  
یش بسیار زیاد ، غار مار ،  
اق کپرک ۱ :

Cut 5n: Loess, 1

۳۰ جولای ۱۹۶۰۰ - ۵۰۰-۶۰۰  
میلادی ، (دویری - نمره ۶) (عصر  
احیر آهن) .

۱۳۶۷ - توتو کو چک از يك

شیشه بدنه دار سبز کم رنگ  
همراه بارگه های رنگ قهوه یی  
(ممکن ناشی از موجودیت منگنیز  
باشد) بدو ن فرسا یش ، غاراسپ  
ای کپرک ۲ .

Cut 1a: 0-50

۲۰ جولای ۱۹۶۵ ، اسلامی قدیم  
(قبل از قرن سیزدهم میلادی) ،  
(دویری - نمره ۹) .

این راپور از مجله (تحقیقات قبل  
التاریخی در افغانستان) نمره مسلسل  
۶۲ ، بخش ۴ ، (۱۹۶۶ - ۱۹۵۹)

منتشره امریکا گرفته شده است .

یادداشت مترجم :

راپور تجزیه و تحلیل کیمیاوی  
بعضی از شیشه های افغانستان که  
ترجمه آن از نظر خواننده محترم  
گذرانده شده از مجله فوق الذکر  
امریکا در شماره سوم سال ۱۹۷۳  
(۱۳۵۲) مجله (افغانستان) به چاپ  
رسیده که متأسفانه پاورقی های -  
مؤلف در مجله افغانستان که غرض  
ترجمه بدسترس قرار داشت از چاپ  
بازمانده است . پاورقی های از آن  
شده در ترجمه هذا غرض توضیح  
ومعلومات ضمنی از طرف مترجم  
آورده شد :

پاورقی ها :

۱ - در اثر حفاریات مسیو گریشمن که در اواخر سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ میلادی در ساحه باستان -  
نی بگرام بعمل آمده يك تعداد زیاد ظروف شیشه یی رنگه و منقوش بدست آمده که به نظر دانشمندان  
مذکور این ظروف محصول کارخانه های شیشه سازی سواحل آسیای مدیترانه میباشد .

در جمله این ظروف شیشه یی که در اطاق بگرام موزیم ملی کابل موجود میباشد قدح های -  
نازک و نفیس منقش نظر را بیشتر جلب می نماید . در یکی از این قدح ها صحنه مبارزه دوگلا دیاتور با  
نهایت دقت وریزه کاری نقشی بر دیده - در یکی دیگر از این قدح ها صحنه رقص و محفل شراب نوشی  
مشاهده میشود و سر دیو نیز و می که رب النوع تانک و انگور چینی ها است در آن بشکل جوان بدو ن -  
ریش که در هیكل تراشی و هنر تراشی یونان در آن عصر رایج و معمول بود به نظر میرسد . قدح  
شیشه یی سفید رنگ که از جمله عجایب عالم به حساب می رود یکی دیگری از این ظروف است . در این  
قدح نازک و نفیس میناریا بر چهره های بند راسکندر به با سه عدد کشتی که در وسط بحر قرار دارند به  
نظر میرسد .

يك عده ظروف دیگر شیشه یی مخصوص نیز کشف گردیده که در اطراف آنها سلسله نوارها از خود  
خمیره شیشه چسبیده شده است همین قسم عطر دانی های بشکل ماهی و نیز قاب های متعددی با  
نهایت درجه نفاست و ظرافت در جریان حفاریات های مذکور بدست آمده که به نظر گریشمن همه  
این ظروف شیشه یی مکشوفه بگرام که منشأ رومن و یونانی دارند به حوالی قرن دوم میلادی ارتباط  
گرفته و از طریق تجارت به این سرزمین توريد گردیده است .

۲ - شمشیر غار یکی از ساحات حفاریات قبل التاریخ افغانستان است که به روی  
۳۱ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۶۵ درجه و ۳۰ دقیقه طول البلد شرقی در ۲۴ کیلومتری  
جنوب شرقی کندهار موقعیت دارد .

۳ - هزار گوسفند نیز یکی از ساحات حفاریات قبل التاریخ افغانستان است که به روی ۳۶ -  
درجه و ۴۷ دقیقه عرض البلد شمالی و ۷۰ درجه طول البلد شرقی در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی  
کلنگان ولایت بدخشان واقع میباشد .

جدول و تجزیه کربنات های شیشه های اضافی شفاف

	۴۴۱	۴۴۲	۴۴۳	۴۴۴	۴۴۵	۴۴۶	۴۴۷	۴۴۸
۱- سیلیکا $SiO_2$	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲	۴۴.۲
۲- سولفات سدیم $Na_2SO_4$	۱۰.۸	۱۹.۲	۱۹.۲	۱۹.۲	۱۹.۲	۱۹.۲	۱۹.۲	۱۹.۲
۳- کربنات کلسیم $CaCO_3$	۴۱.۵۴	۱۷.۸	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۴- کربنات پتاسیم $K_2CO_3$	۶.۲۴	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۵- کربنات منگنز $MnCO_3$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۶- آلومینا $Al_2O_3$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۷- آهن اکسید $Fe_2O_3$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۸- تیتانیم دیاکسید $TiO_2$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۹- منگنز اکسید $MnO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۰- آنتیمون اکسید $Sb_2O_3$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۱- مس $CuO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۲- سرب $PbO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۳- نقره $Ag_2O$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۴- سرب $SrO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۵- باریم $BaO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶
۱۶- سرب $SrO$	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶	۲۱.۶

۱- نیتروژن: نیتروژن در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۲- کربن: کربن در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۳- آلومینا: آلومینا در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۴- آهن: آهن در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۵- تیتانیم: تیتانیم در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۶- منگنز: منگنز در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۷- آنتیمون: آنتیمون در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۸- مس: مس در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۹- سرب: سرب در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۰- نقره: نقره در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۱- سرب: سرب در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۲- نقره: نقره در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۳- سرب: سرب در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۴- نقره: نقره در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۵- سرب: سرب در شیشه های شفاف و غیر شفاف  
۱۶- نقره: نقره در شیشه های شفاف و غیر شفاف

نشان داده شده جدول به این شرح است:

$Na_2O$	۰.۱	$As_2O_3$	۰.۱
$V_2O_5$	۰.۱	$ZrO_2$	۰.۱
$Cr_2O_3$	۰.۱	$Li_2O$	۰.۱
$ZnO$	۰.۱	$Rb_2O$	۰.۱
$B_2O_3$	۰.۱	$P_2O_5$	۰.۱
$CaO$	۰.۱		





# باستانشناسی افغانستان

نشریه ششماه استیوت باستانشناسی  
اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان

Archaeological

Research Bi-annual

Magazine

Director and Editor

M. Naim Jailanzai

Annual Subscription

In Afghanistan Afs. 35

Foreign Countries

By Air \$12

By land \$ 6

By land \$ 5

Students :

By Air \$ 10

Address:

Afghan Institute of

Archaeology

Qala-i-Fathullah

Kabul-Afghanistan.

Tel. 31316

تشریح اشیرالسلطان  
طه افغانی ۳۵

فارج دیو پوستان ۱۲ دالر

مسی ۶

محسین ۱۰

مسی ۵

قیمت کچشمه ۲۰۰

آدرس: د لرغون پېژندنه نښت

قلمو شخ - کابل افغانستان

تېلېفون: ۳۱۳۱۶

مدیر مسؤول :

محقق محمد نعیم جیلانزی

معاون :

معاون محقق زمری محقق

مبتمم : اسدالله «میرزاده»

هیات تحریر :

محقق میراحمد جوینده

محقق عبدالظاهر یوسفزی

محقق عبدالواسع فیروزی

محقق محمد علی توفیق

# Afghanistan Archaeological Review

Democratic Republic of Afghanistan  
Academy of Sciences

Six Monthly Vol. 14 No. II Dec 1985

Government Printing Press